



نظام آموزشی ایالات متحده آمریکا

- ۵ ملاحظات تاریخی
- ۱۴ ملاحظات جغرافیایی
- ۱۷ ملاحظات سیاسی
- ۱۷ ملاحظات اقتصادی
- ۱۹ ارتباطات
- ۲۰ جمعیت
- ۲۱ سیاستهای آموزشی
- ۲۳ ساختار آموزشی
- ۲۵ ساختار آموزشی ۹۰هـ ۹۰هـ
- ۲۷ آموزش پیش دبستانی
- ۲۷ ساختار آموزشی



۲۷.....	آموزش پیش دانشگاهی
۲۷.....	ساختار آموزشی
۲۷.....	آموزش پایه
۲۸.....	سال تحصیلی
۲۸.....	آموزش ابتدایی
۲۸.....	ساختار آموزشی
۲۹.....	برنامه های آموزشی
۲۹.....	مدت زمان ارائه دروس هفتگی
۲۹.....	حداقل میزان ساعت کلاسی طی ۴ سال اول دوره ابتدایی
۲۹.....	آموزش متوسطه
۲۹.....	ساختار آموزشی
۳۱.....	ارزیابی تحصیلی
۳۱.....	سیستم نمره دهی
۳۱.....	آموزش مقدماتی متوسطه
۳۱.....	ساختار آموزشی
۳۲.....	برنامه های آموزشی
۳۳.....	آموزش عالی
۳۳.....	ساختار آموزشی
۳۵.....	مقاطع تحصیلی
۳۶.....	ارزشیابی مدارک تحصیلی
۳۸.....	گواهینامه تحصیلی
۳۸.....	مدرک کارشناسی
۳۹.....	مدرک کارشناسی ارشد
۴۰.....	مدرک دکتری تحقیقی
۴۰.....	اعتباربخشی آموزشی
۴۶.....	سیستم نمره دهی
۴۷.....	آموزش عالی فنی و حرفه ای
۴۸.....	آموزش عالی از راه دور



۴۹.....	پژوهش و تحقیقات.....
۴۹.....	تحقیقات آموزشی.....
۴۹.....	اهداف عمومی.....
۴۹.....	روندهای جاری پژوهشی در حوزه آموزش.....
۵۰.....	آموزش غیررسمی.....
۵۰.....	مدارس خصوصی.....
۵۱.....	آموزش معلمان.....
۵۱.....	آموزش معلمان ابتدایی.....
۵۱.....	آموزش معلمان متوسطه.....
۵۲.....	آموزش معلمان استثنایی.....
۵۳.....	آموزش اساتید دانشگاهی.....
۵۴.....	مدرک مورد نیاز جهت تدریس در سطوح مختلف آموزشی.....
۵۴.....	حقوق و مزایای معلمان.....
۵۴.....	نسبت دریافتی حقوق.....
۵۴.....	نسبت افزایش حقوق.....
۵۵.....	مدت زمان تدریس به تفکیک دوره.....
۵۵.....	آموزش ضمن خدمت.....
۵۶.....	آموزش استثنایی.....
۵۶.....	ساختار آموزشی.....
۵۶.....	آموزش استثنایی.....
۶۵.....	آموزش کودکان تیزهوش.....
۶۸.....	تقسیم بندی کودکان استثنایی.....
۶۸.....	اهداف آموزشی.....
۶۹.....	آموزش زنان.....
۷۰.....	آموزش شغلی.....
۷۰.....	آموزش شغلی در دبیرستان همیلتون.....
۷۱.....	آموزش شغلی در دبیرستان آپ تون (uptown).....
۷۲.....	آموزش شغلی در دبیرستان سوت سنترال (south central).....



۷۲.....	اصول و اهداف آموزشی
۷۳.....	اهداف ملی آموزش
۷۴.....	اولویتها و علایق آموزشی
۷۵.....	قوانین آموزشی
۷۵.....	مدیریت آموزشی
۷۶.....	مدیریت آموزش عالی
۷۶.....	انهادهای مرکزی
۸۷.....	نقش دولت فدرال در حوزه آموزش و پرورش
۸۸.....	توسعه آموزشی
۸۸.....	تحولات تکنولوژیک در حوزه آموزش
۹۳.....	آموزش و پرورش در عصر اطلاعات
۹۴.....	استراتژیهای آموزشی
۱۱۲.....	معضلات آموزشی
۱۱۷.....	ارزیابی آموزشی
۱۱۹.....	بودجه آموزشی
۱۲۰.....	هزینه های جاری آموزشی بر مبنای سطوح مختلف آموزشی
۱۲۰.....	هزینه های آموزشی
۱۲۰.....	هزینه های عمومی بر مبنای سطوح مختلف آموزشی طی سال ۱۹۹۴
۱۲۱.....	نرخ ثبت نام ناخالص بر مبنای سطوح مختلف آموزشی طی سال ۱۹۹۵



ملاحظات تاریخی

سرزمین فعلی امریکا تا اواخر قرن پانزدهم ناشناخته بود. از تاریخ قبل از آن اطلاع زیادی در دست نیست اما آثاری که از قبایل مختلف سرخپوستان بدست آمده تاریخ مزبور را هزارها سال عقب میبرد. در خصوص سرخپوستان عقاید و نظریات بسیاری گفته میشود. و بعضی از مورخین و نژادشناسان آنرا از نژاد چین و مغول میدانند و معتقدند که این قبایل از راه آلاسکا خود را به قاره امریکا رسانیده و در سراسر آن پخش شده اند. هزارسال پیش گروهی از غارتگران دریایی کشور نروژ از راه گروئلند خود را به جهان نو رسانیدند (این قلعه در زمان پادشاهی اریک سرخ مو بوده است). به نظر میآید که نروژی ها سرخپوستان را در کرانه اقیانوس اطلس دیده اند که چندان ثروتی نداشته و به آنها اعتنایی نمیکنند و پس از اقامت کوتاهی در کرانه های شرقی امریکا در اقیانوس اطلس به نروژ بازگشت میکنند.

کشف نقاط مختلف این سرزمین از اواخر قرن پانزدهم آغا شد. مهمترین کاشفان اروپایی امریکا عبارت بودند از: خوان پوته لئون، ورازانو، دیسوتو، کورونادو آویلر، سرفراسیس دریک و لاسال. اولین مهاجرنشین دائمی در امریکا، شهر سنت اگوستین در فلوریدا در سال ۱۵۶۵ ایجاد شده. در اواسط قرن شانزدهم فلوریدا، تکزاس و قسمت عمده نواحی غربی امریکای فعلی تحت تصرف اسپانیا درآمد و مهاجرنشینی در آنها تأسیس گردید. فرانسویان نیز بساط نفوذ خود را در اطراف دریاچه های پنجگانه ورود می سی سی پی گسترانیده و مهاجرنشینی (بخصوص در لوئیزیانا) تأسیس نمودند. بعلت برقراری نظام فئودالی در مستعمرات فرانسه، این نواحی کمتر بخود مهاجر جلب میکرد. انگلیسیها نیز نواحی وسیعی



را در کناره اقیانوس اطلس تصرف کرده بودند. مهاجرنشینهای انگلیسی از بقیه مهاجرنشینها پیشرفته و جامعتر بود. اولین مهاجرنشین دائمی انگلستان در امریکا در سال ۱۶۰۷ بنام جیمزتاون ساخته شد. همراه با سه کشور فوق الذکر، سایر اروپائیان نیز نواحی وسیعی (گرچه موقتاً) بدست آوردند از جمله هلندیان و سودیها. هلندیها ایالت و شهر فعلی نیویورک را با نامهای هلند جدید و آمستردام جدید (نیوآمستردام) در تصرف داشتند که بعدها در عوض ناحیه گویان در امریکای جنوبی آن را به انگلستان دادند. در اوایل قرن هفدهم آشوبهای دینی و سیاسی در انگلستان و وجود ظلم در فرانسه موجب مهاجرت افراد بسیاری از این کشورها به امریکای شمالی شد. بجز اینان مهاجران اروپایی زیاد دیگری نیز به سرزمین جدید پای نهادند. در قرن هفدهم شهرهای بزرگی همچون بستون (بوستون)، نیویورک و فیلادلفیا بوجود آمدند. از سال ۱۶۱۹ ورود بردگان سیاه به امریکا آغاز شد و از اینراه میلیونها سیاه آفریقایی بکار در مزارع گمارده شدند. از همین دورانها مسئله تبعیض نژادی در امریکا آغاز شد. مهاجرنشینها از همان آغاز سازمانهای پارلمانی داشتند.

در اواخر قرن هفدهم اختلافاتی بر سر مالیکت اراضی میان مهاجران بروز نمود که سرانجام موجب شد که پارلمان انگلستان در سال ۱۷۰۲ تمام مهاجرنشینها را سلطنتی اعلام کند. در سال ۱۶۸۲ نواحی شمالشرقی و کناره های شرقی امریکا در دست انگلستان، نواحی مرکزی در دست فرانسه و نواحی جنوب و جنوب غربی عمدتاً در دست اسپانیا بود. تا سال ۱۷۱۳ حدود این سرزمینها تغییر زیادی نکرد و فقط دولت انگلستان قسمتی از نواحی شمالشرقی را اشغال کرد و فرانسویها تکزاس را به تصرف درآوردند. از اوایل قرن هجدهم اختلافاتی مخصوصاً در مورد مالیاتها در مستعمرات انگلستان پدید آمد و به شدت گسترش یافت. در اواسط همانقرن نهضتهایی در امریکا بوجود آمدند که هدفشان ایجاد یک کشور مستقل



با تمدنی مخصوص بود. در طی سالهای ۶۰- ۱۷۵۴ نیروهای مهاجرنشین و سربازان انگلیسی از طریق اتحاد بایکدیگر فرانسویان را از نواحی شمال امریکا بیرون راندند. پس از این پیروزی، مهاجران احساس کردند که جندان به حمایت انگلستان احتیاج ندارند و با اقدامات منفی که انگلیسیها انجام دادند انقلاب شروع به گسترش کرد. در سال ۱۷۶۳ انگلستان که دچار وامهای سنگین خارجی شده بود درصدد وضع مالیاتهای جدید و بسط استیلای خود بر امریکای مهاجرنشین برآمد و قانونهای مالیاتی سنگینی وضع کرد که با مخالفت شدید مهاجران روبرو گشت. مردم شدیداً مخالفت کرده و از وارد نمودن اجناس انگلیسی ممانعت بعمل آوردند، از اینرو این قوانین بعداً لغو گردید. و فقط مالیات مخصوص چای باقی ماند ولی این نیز موافقت مهاجران را جلب نمود و زد و خوردهایی میان آنها و سربازان انگلیسی روی داد. با فشاری مردم شهر بوستون در عدم خرید اجناس انگلیسی سرانجام منجر به تیراندازی سربازان بسوی آنان و قتل ۵ تن از اهالی در ۱۷۷۰ گردید. در طی سالهای ۷۳- ۱۷۷۲ مهاجران صدماتی به کشتیهایی تجارتي انگلستان وارد آوردند و به همین خاطر پارلمان انگلستان قوانین شاقی را برای گوشمالی مردم وضع نمود. این فشارها بیش از پیش موجب رشد و گسترش افکار استقلال طلبانه در میان مهاجران گردید. از این پس مهاجران متحد شده و کنگره مهاجرین ایالات سیزده گانه با نوشتن نامه ای به پادشاه انگلستان خواستار لغو قوانین فوق الذکر شدند ولی پادشاه انگلستان حتی از پذیرفتن نامه امتناع کرد. رهبران آزادیخواهان نیز از مردم تقاضا کردند که خود را برای جنگ با انگلیسیها آماده کنند و جنگ استقلال امریکا از نوزدهم آوریل ۱۷۷۵ با نبردهای لکسینگتون و کنکورده آغاز شد. این نبردها به عقب نشینی انگلستان منجر گردید. در ماه ژوئن همان سال کنگره مهاجرین جرج واشینگتون را به فرماندهی سپاهیان خود انتخاب کرد. در ماه ژوئیه سال ۱۷۷۶، اعلامیه استقلال امریکا از سوی کنگره در شهر فیلادلفیا صادر گشت که این سال



معمولاً سال استقلال امریکا خوانده میشود. در سالهای اول جنگ شکست و یا پیروزی برای هر و طرف وجود داشت. در سال ۱۷۷۷ با پیروزی مهاجران در ناحیه سرتوگا بر سپاهیان بریتانیا، فرانسویان نیز به یاری انقلابیون آمده و ناوگانی در اختیار آنان قرار دادند. از سال ۱۷۷۸ دامنه جنگها به نواحی جنوبی نیز کشیده شد. انگلیسیها در ابتدا به پیروزی دست یافتند ولی سرانجام پس از نبرد کارولینا که در آن شکست را پذیرفتند، در ناحیه یورک تاون تسلیم شدند. در ماه اکتبر ترک مخاصمه شد و جنگهای استقلال با موفقیت به ثمر رسید. بموجب پیمان پاریس که در سال ۱۷۸۳ میان نمایندگان انگلستان و امریکا منعقد گردید، ایالات متحده بعنوان ملتی مستقل شناخته شد. در اوایل دولت فدرال بعلت نداشتن درآمد کافی از لحاظ درت اجرایی ضعیف بود. در سال ۱۷۸۷ قانون اساسی امریکا تصویب شد که طی آن حکومتی ملی با قدرت اجرایی وسیع برقرار گردید. در ۱۷۸۹ جرج واشینگتون، قهرمان جنگهای انقلاب به سمت اولین رئیس جمهور انتخاب شد در زمان حکومت واشینگتون، پیمانی میان امریکا و انگلستان منعقد گردید و اختلافات دو کشور تا حدودی رفع شد. در سال ۱۷۹۷ حزب فدرالیست بار دیگر با به ریاست جمهوری رساندن جان آدامز به پیروزی دست یافت. در زمان آدامز قانونی بر علیه فرانسویان به تصویب رسید. این قانون در زمان سومین رئیس جمهور توماس جفرس لغو شد.

در سال ۱۸۰۳ امریکا با منعقد کردن پیمان خرید لوئیزیانا با فرانسه و پرداختن ۱۵ میلیون دلار به آن کشور نواحی وسیعی را به خاک خود ضمیمه کرد. بموجب این خرید وسعت امریکا دو برابر شد. بدنبال اختلافات دامنه دار امریکا با انگلستان در ماه ژوئن ۱۸۱۲، امریکا در جنگ با آن کشور به پیروزیهایی نایل آمد. در ادامه جنگ انگلیسیها پایتخت امریکا را گرفته و ویران کردند. سرانجام بموجب پیمان گان در بیست و چهارم دسامبر ۱۸۱۴، جنگ پایان یافت. در همان دورانها جنگ میان بومیان (سرخپوستان) و



سفید پوستان شدت گرفت و بدنبال آن قتل عام سرخپوستان آغاز گردید. از اوایل قرن نوزدهم اقتصاد امریکا رو به پیشرفت نهاد. برده داری تا حدودی جو سیاسی را متشنج کرده بود. در سال ۱۸۲۳ جیمز مونرو رئیس جمهور وقت، قانونی را به مجلس برد که یکی از نتایج آن تسلط تدریجی امریکا بر امور تمام قاره امریکا بود. در دهه سوم قرن نوزدهم، جسکون رئیس جمهور وقت اقداماتی بر علیه سرمایه داران انجام داد که منجر به تشکیل حزب ویگ از سوی آنان شد. طی سالهای ۵۳ - ۱۸۴۶، امریکا با استفاده از جنگ و پول، نواحی وسیعی را در غرب از مکزیک تجزیه و به خاک خود الحاق نمود و از اینزمان جمعیت فراوانی به آن مناطق روان شدند و غرب افسانه ای نقش مهمی را در زندگی مردم امریکا ایفا نمود. از همان دورانها برده داری مجدداً گسترش یافت. در کنگره نیز بر سر وجود یا عدم وجود آن دو دستگی افتاد. این اختلافات پی در پی بالا میگرفت و اساس احزاب از هم میپاشید. در آئین ایالات امریکا به دو دسته جنوبی (طرفدار برده داری) و شمالی (مخالف برده داری) تقسیم شده بودند. با انتخاب لینکن به ریاست جمهوری در سال ۱۸۶۰، رهبران جنوبیها که منافع خود را در معرض خطر میدیدند خواستار تجزیه ایالاتشان از امریکا شدند و خود ((ائتلاف ایالات امریکا)) را تشکیل دادند. بهمین خاطر جنگ داخلی (انفصال) در گرفت که چهار سال (۶۵ - ۱۸۶۱) بطول انجامید. جنگ از دوازدهم آوریل ۱۸۶۱ در ناحیه چارلزتاون آغاز شد. جنوبیها در جنگهای اول و سوم و شمالیها در جنگ های دوم و چهارم به پیروزی دست یافتند. جنگ سرانجام در نهم آوریل ۱۸۶۵ پس از صدمات مالی و جانی بسیار به نفع شمالیها پایان یافت. چند روز پس از پایان جنگ، لینکن ترور و کشته شد. در نتیجه جنگهای انفصال، برده داری رسماً لغو گردید. پس از جنگ دوره ترمیم ایالات که با مشکلات فراوانی همراه بود آغاز شد. در سالهای دهه هشتم قرن نوزدهم،



حکومت نظامی در قسمتهایی از جنوب برقرار بود. سال ۱۸۷۶ سال پایان دوره ترمیم و بازگشت جنوبیها به تبعیت از سیاست ملی کشور بود.

دهه های آخر قرن نوزدهم دوره گسترش راههای آهن بود و همزمان با آن سایر بخش های اقتصادی روبه پیشرفت نهاد. در همان دورانها غولهای اقتصادی جهان فعلی (از جمله استاندارد اوپل) نیز در امریکا تأسیس گشتند. در تمام این دورانها سیل مهاجرین از اروپا و آسیا به سوی امریکا جاری بود. در دهه آخر قرن نوزدهم موج تازه ای از احساسات توسعه طلبی در سیاست خارجی مؤثر افتاد و توجه امریکا بهاقیانوس آرام و جزایر کارائیب جلب شد.

در سال ۱۸۹۸ جنگی میان امریکا و اسپانیا بوقوع پیوست که هدف عمده آن خارج ساختن کوبا از دست اسپانیا و قرار گرفتن آن در تحت سلطه امریکا بود. دولت امریکا در سالهای قبل، از دولت اسپانیا خواسته بود که کوبا را تخلیه کند ولی با عدم موافقت اسپانیا، در ماه آوریل جنگ بین دو کشور آغاز شد و ناوگانهای اسپانیا در فیلیپین و کوبا شکست خوردند. بموجب پیمان پاریس که در همانسال امضاء شد، کوبا، فیلیپین، پورتوریکو و چند نقطه دیگر به امریکا تعلق یافتند. همچنین در انقلاب پانامائیها بر علیه کلمبیا، امریکا بنفع تجزیه طلبان دخالت کرد و موجبات استقلال آن کشور و حفر کانال پاناما را فراهم آورد. از دهه اول قرت بیستم، نهضت های اصلاحات ترقیخواهانه در امریکا شروع به رشد کرد. در زمان حکومت رؤسای جمهوری وقت آنزمان، تنودور روز ولت و ویلیام تفت اصلاحاتی صورت گرفت.

در سال ۱۹۱۴ با آغاز جنگ اول در اروپا، امریکا اعلام بیطرفی نمود ولی هردو طرف درگیر در جنگ پی در پی بیطرفی امریکا را نقض می نمودند. سرانجام در آوریل ۱۹۱۶ با حمله قبلی زیردریایی های آلمان به کشتیهای امریکایی، امریکا در کنار متفقین وارد جنگ گردید و کمکهای انسانی و مادی آن



سرانجام موجب پیروزی نهایی متفقین در سال ۱۹۱۸ گردید. با پایان جنگ جهانی، امریکا پیشنهاد تأسیس جامعه ملل را داد ولی بعلت مخالفت کنگره با شرکت امریکا در این سازمان، حضور امریکا در آن غیررسمی گردید. در سال ۱۹۲۰ هاردینگ با قول برگرداندن وضع عادی به کشور به ریاست جمهوری انتخاب شد. در دهه سوم قرن حاضر اقتصاد امریکا پیشرفت فراوانی کرد ولی در سال ۱۹۲۹ بحران اقتصادی آغاز گردید. طولانی شدن بحران موجب پائین آمدن سطح زندگی مردم کشور گردید. در دوره اول ریاست جمهوری روزولت کنگره امریکا قوانین متعددی را برای اصلاح اوضاع اقتصادی به تصویب رساند. در سال ۱۹۳۹ در آغاز جنگ جهانی دوم امریکا بازهم اعلام بیطرفی نمود. با سقوط فرانسه در سال ۱۹۴۰ بدست آلمان نازی، امریکا آشکارا به انگلستان کمک می‌رساند و در این میان امریکا به تقویت نیروی نظامی خود پرداخت. با انعقاد پیمان آتلانتیک بین انگلستان و امریکا دو کشور به یکدیگر نزدیکتر شدند. توسعه طلبی ژاپن در اقیانوس آرام و آسیای جنوب شرقی موجب بروز اختلافات شدید میان آن کشور و امریکا گردید. سرانجام در هفتم دسامبر ۱۹۴۱ ناگهان ژاپنها با ۲۰۰ هواپیما به پایگاه دریایی پرل هاربر متعلق به امریکا در اقیانوس آرام حمله برده و با بمباران آنجا و غرق چندین کشتی، امریکا را وارد جنگ جهانی دوم نمودند و تمامی ملت امریکا نیز یکپارچه برای جنگ بسیج گشتند. امریکا از همان آغاز، نیروهایش را در تمام جبهه‌ها بر علیه متحدین بکار گرفت. در سال ۱۹۴۲ نیروهای دریایی متفقین، ژاپن را در دریای مرجان شکست دادند. از اینزمان تا پایان جنگ در این ناحیه، پیروزی بیشتر با متفقین بود. در ماههای ژوئیه و اوت ۱۹۴۳، نیروهای امریکا همراه با سایر متفقین از جنوب ایتالیا بداخل آنجا نفوذ و پس از سرنگونی دولت آن کشور، شروع به جنگ با سربازان آلمانی مستقر در خاک ایتالیا کردند. جبهه مهم دیگری که ژوئن ۱۹۴۴ افتتاح شد در نورماندی (فرانسه) بود که متفقین پس از جنگهای سخت در آن



ناحیه شکست سنگینی به آلمانها وارد کرده و پیشروی به سمت راین آغاز شد. در همین زمان روسها با پیشرفتهایی از شرق به سمت آلمان پیش می‌آمدند. سرانجام با شکستهای پی در پی که به آلمان وارد آمد، آن کشور در هفتم ماه مه تسلیم بلا شرط شد و قراردادهای صلح به امضاء رسید. امریکا سپس با انداختن دو بمب اتمی بر دو شهر ژاپن، آن کشور را نیز تسلیم کرد. نیروهای امریکا در آلمان و سایر نقاط اروپا باقی ماندند و این آغازی بود برای گسترش نفوذ امریکا در سراسر جهان و از اینزمان بود که امریکا به اولین قدرت نظامی - اقتصادی و سیاسی جهان تبدیل گردید. در سالهای پس از جنگ بعلت کم شدن کار کارخانه‌های و در پی آن کاهش نسبی دستمزدها، اعتصابات در کشور پیش آمد و قوانینی در آن مورد وضع شد. بمنظور جلوگیری از تورم بعد از جنگ، در زمان ریاست جمهوری ترومن قوانینی وضع گردید. کارتلها نیز از سیاست ترومن کاملاً پشتیبانی نمودند. در سال ۱۹۴۹ امریکا سازمان نظامی ناتو را بنیان نهاد. در ماه ژوئن سال ۱۹۵۰ شورای امنیت سازمان ملل بنا به پیشنهاد امریکا تصویب کرد که نیروهای ملل عضو آن سازمان (بعداً تعداد آنان به ۱۶ رسید) برای مقابله با ظاهراً تجاوز نیروهای کره شمالی به خاک کره جنوبی به منطقه اعزام شوند. امریکا نیز نیروهای خود را در اختیار سازمان ملل گذارد. فرماندهی کل نیروها را در اوایل ژنرال دوگلاس مک آرتور بعهده داشت و سپس ژنرال ریجوی جانشین وی شد. در هفته‌های اول جنگ، نیروهای سازمان ملل و کره جنوبی بوسیله نیروهای کره شمالی عقب رانده شدند ولی با تعرض شدید از سوی متفقین، کمونیستها به کره شمالی عقب نشینی نمودند. آنها نیز کمی بعد با کمک ارتشی متشکل از نیم میلیون چینین به حمله جدید دست زدند و نیروهای سازمان ملل را به اطراف مدار ۳۸ در درجه شمالی عقب راندند و تا پایان جنگ در سال ۱۹۵۱ جنگ در این جبهه ادامه داشت. مذاکرات ترک مخاصمه در ژوئیه ۱۹۵۳ به نتیجه رسید. با پایان جنگ، امریکا دهها هزار تن از سربازان خود را در



کره جنوبی مستقر کرد. در دهه ۶۰ - ۱۹۵۰ آمریکا به پیشرفتهای صنعتی عظیمی دست یافت و در همین دوران مبارزات سیاهپوستان بر علیه تبعیض نژادی شدت گرفت. در سالهای آخر همان دهه، اقتصاد آمریکا به سطحی عالی رسید. در سال ۱۹۶۱ آیزنهاور سالخورده ترین رئیس جمهور آمریکا جای خود را به جان فیتزجرالد کندی جوانترین رئیس جمهور داد. کندی تنها رئیس جمهور آمریکا بود که به هیچ حزبی تعلق نداشت و همچنین تنها کاتولیکی بود که به ریاست جمهوری در آمریکا دست یافت. در دوران حکومت وی اصلاحاتی در امور اجتماعی صورت گرفت و همچنین روابط آمریکا با کوبا قطع شد. در سال ۱۹۶۲ به دنبال بحران موشکی کوبا، آمریکا این کشور را محاصره دریایی و اقتصادی نمود و نزدیک بود که جنگ جهانی سوم آغاز شود ولی با پذیرفتن جمع آوری موشکهای هسته ای از کوبا از سوی شوروی بحران خاتمه یافت. در سال ۱۹۶۳ جان اف. کندی در شهر دالاس ترور و بقتل رسید و جانسون معاون وی به ریاست جمهوری رسید. از دوره جانسون دخالت آمریکا در ویتنام شروع گردید. با اینکه آمریکا در این جنگ حدود یک میلیون سرباز و مدرنترین سلاحهای جنگی خود را شرکت داده بود معهذاً مجبور به پذیرش شکست شده و در کنفرانس صلحی با ویتنامیها، مجبور به قبول بدون قید و شرط خروج نیروای خود از ویتنام شد. در پایان جنگ هر دو ویتنام شمالی و جنوبی متحد شده و تشکیل جمهوری دموکراتیک ویتنام را دادند. در سال ۱۹۷۴ ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت بعلت فاش شدن دخالتش در تقلب انتخابات ریاست جمهوری (جریان و اترگیت) ناچار به استعفاء گردید و معاونش جerald فورد به ریاست جمهوری رسید. در سال ۱۹۷۶ جیمی کارتر از حزب دمکرات به کاخ سفید راه یافت. دوره ریاست جمهوری وی یکی از بدترین دوران حیات دویست ساله کشور آمریکا بود. در زمان او اقتصاد آمریکا صدماتی دید. در ۱۹۷۹ آمریکا جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخت و روابط خود را با آن به سطح



سفارت ارتقاء داد. ایران پس از انقلاب همواره یکی از مسائل مشکل ساز امریکا در سالهای اخیر بوده است. در سال ۱۹۷۹ با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ضربه محکمی به منافع خارجی امریکا در میان متحدانش در منطقه خاورمیانه وارد آمد. در اواخر همانسال سفارت امریکا در ایران بوسیله دانشجویان مسلمان پیرو خط امام تسخیر شد و حدود ۵۰ تن از کارکنان سفارت (که جاسوسی آنان اثبات گردید) به گروگان گرفته شدند که بعد از انعقاد موافقتنامه الجزایر آزاد شدند.

در سال ۱۹۸۰ رونالد ریگان از حزب جمهوریخواه بر کارتر پیروزی یافته و به ریاست جمهوری رسید. سوء قصدی نیز در اوایل سال ۱۹۸۱ به جان وی بی نتیجه ماند. امریکا قویترین و مهمترین کشور سرمایه داری و ثروتمندترین کشور جهان است. بیش از ۲۵٪ تولید ناخالص جهان در این کشور بدست می آید. نیمی از راه آهن و ثلث راههای شوسه جهان در آن وجود دارند. کمتر کودتای ضد مردمی در کشورهای مختلف جهان صورت می گیرد که امریکا بطور مستقیم و یا غیرمستقیم در آن دخالت نداشته باشد. سرکوب انقلابات مردمی کشورها و جلوگیری از گسترش آنها از مشخصات سیاست خارجی امریکاست. خاورمیانه مهمترین منطقه حیاتی مورد توجه امریکا بوده و بهمین جهت امریکا نیروهای صدهزار نفری واکنش سریع را بعد از پیروزی انقلاب ایران تشکیل داد که بتواند در مواقع ضروری، شورشها و انقلابات را در منطقه به سرعت سرکوب نماید.

ملاحظات جغرافیایی

امریکا با ۱۲۳,۳۶۳,۹ کیلومتر مربع وسعت (چهارمین کشور جهان) در نیمکره شمالی، نیمکره غربی، در قاره امریکای شمالی، در کنار اقیانوسهای کبیر (از مغرب)، اطلس (از مشرق) و منجمد شمالی



(از شمال) و خلیج مکزیکو (از جنوب) واقع شده و با کشورهای کانادا در شمال و مکزیک در جنوب همسایه است. دو ایالت جدای این کشور به نامهای آلاسکا (در شمالغربی کانادا) و هاوایی (در اقیانوس کبیر) با خاک اصلی آن فاصله زیادی دارند.

از لحاظ اوضاع طبیعی خاک این کشور به سه منطقه مجزای از هم به ترتیب زیر تقسیم میشود:

۱ - خاک اصلی: نیمه غربی آن را کوهها راکی و سایر کوهستانها و در بعضی نقاط بیابانها و صحراها پوشانده اند. فلاتها نیز در آن وسعت زیادی را شامل میشوند. (از جمله فلاتها کلرادو، اوزارک و ادوراردز). نیمه شرقی آن نیز دارای نواحی مرتفع و کوهستانی است از جمله فلات کامبرلند و کوههای آپالاش. جلگه های آن عمدتاً در کنار خلیج مکزیکو، شبه جزیره فلوریدا، کناره اقیانوس اطلس، اطراف رودمی سی سی پی و شعباتش و نواحی مرکزی قرار گرفتند.

رودهای آن اکثراً پرآب و طویل بوده و مهمترینشان عبارتند از: می سی سی پی، میزوری (میسوری)، ریوگراند، کلمبیا، کلرادو، اوهایو، آرکانزاس، گیلا، پلات، آلاباما، پرل، رد (سرخ)، ریپابلیکان (ریپابلیکن)، اسنیک، سیمارون، کانادیان، یلوستون، میلک، پیکوس، ترینیتی، ساکرامنتو، وایت، پودر و... جنگلها در امریکا وسعت زیادی را شامل میشوند. آب و هوای آن نسبت به مناطق مختلف آن متغیر و متضاد بوده، در نواحی کناره ای خلیج مکزیکو گرم و مرطوب و پر باران؛ در نواحی داخلی، در جنوب گرم و مرطوب و در شمال معتدل؛ در کناره ها و نواحی شرقی معتدل، با زمستانهای سرد؛ در نواحی مرتفع، معتدل کوهستانی و در نواحی کویری، خشک و گرمسیری است.

۲ - ایالت آلاسکا: ناحیه ای نسبتاً کوهستانی است که نواحی پست آن عمدتاً در شمال و غرب و اطراف رودهای بزرگ واقع شده اند. مهمترین رشته کوههای آن عبارتند از: بروکس: آلاسکا، الوشن،



رودهای یوکون و شعباتش (از جمله تاناتا، پورکیپاین، کویوکوک و اینوکو)، کوسکو کویم، کوبرک و گالویل از مهمترین رودهای آند. جنگلها در آن وسعت زیادی دارند. آب و هوای سرد و خشک و خاکش در اکثر نقاط منجمد است.

۳ - جزایر هاوایی: جزایری آتشفشانی بوده که بر اثر فعالیت آتشفشانها در ادوار گذشته بوجود آمده اند. از جزیره های آن میتوان از: هاوایی، اوهاو، مائوئی، کائوآی و مولوکای نامبرد. جنگلها در آن وسعت زیادی دارند. آب و هوای آن گرم و مرطوب و پر باران است.

۹/۳۱٪ از کل خاک امریکا را جنگل ها شامل میشوند. بلندترین نقطه آن قل مک کینلی (۱۹۴، ۶ متر) است که در آلاسکا واقع شده و طولترین رودهای آن عبارتند از: میزوری (میسوری) - می سی سی پی (۲۶۶، ۶ کیلومتر)، یوکون (۳، ۷۰۰ کیلومتر)، ریو گرانده (۳، ۰۳۳ کیلومتر)، آرکانزاس (۲، ۳۴۸ کیلومتر)، برازوس (۲، ۱۰۶ کیلومتر)، رد (۱۹۶۶ کیلومتر). کلمبیا (۱، ۸۳۹ کیلومتر)، اسنیک (۱، ۶۷۰ کیلومتر)، اوهایو (۱۵۷۹ کیلومتر)، پیکوس (۱، ۴۹۰ کیلومتر)، کلرادو (خلیج مکزیکو ۴۳۸، ۱ کیلومتر)، تنسی - هولستون (۱، ۴۴۸ کیلومتر)، کلرادو (خلیج مکزیکو ۴۳۸، ۱ کیلومتر)، تانانا (۱، ۲۸۷ کیلومتر)، کوسکو کویم (۱، ۲۸۷ کیلومتر)، و آلاباما - موبیل (۱، ۲۵۵ کیلومتر). همچنین دریاچه های: سوپریور با (۸۲، ۴۰۰)، هورن با (۵۹، ۶۰۰)، میشیگان با (۵۸، ۰۰۰)، ایری با (۲۵، ۷۰۰)، انتاریو با (۱۹، ۵۰۰) و گریت سالت با (۳، ۷۲۰) کیلومتر مربع از بزرگترین دریاچه های آند.

از وسیعترین جزایر آن میتوان از جزایر هاوایی (۱۶، ۷۰۵)، جزایر الوشن (۱۷، ۶۶۲)، و جزیره

هاوایی (۴۵۸، ۱۰ کیلومتر مربع) نام برد.



ملاحظات سیاسی

حکومت این کشور جمهوری فدرال بوده و رئیس جمهور آن رونالد ریگان و معاونش جورج بوش می باشد. قوه مقننه از دو مجلس تشکیل شده یکی کنگره با ۱۰۰ عضو (دونفر برای هر ایالت) که به مدت ۶ سال از طرف مردم انتخاب میشوند (یک سوم آنان هر دو سال یکبار تجدید میشوند) و دیگری مجلس نمایندگان با ۴۳۵ عضو که به مدت ۲ سال انتخاب میشوند.

قانون اساسی موجود در سال ۱۷۸۹ تدوین شده و براساس آخرین تقسیمات کشوری، امریکا از ۵۰ ایالت و یک بخش فدرال تشکیل گردیده که بصورت فدرال و زیر نظر یک فرماندار انتخابی اداره می شوند. فعالیت احزاب در امریکا آزاد بوده و رقابت بین دو حزب اصلی جمهوریخواه و دموکرات است. احزاب کوچک دیگری نیز فعالیت دارند که مهمترینشان عبارتند از: محافه کار، امریکا، خلق، آزادیخواه، سوسیالیست کار و سوسیالیست کارگر. امریکا در سال ۱۷۷۶ از انگلستان مستقل شد. روز ملی آن چهارم ژوئیه بوده و در سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل درآمده و علاوه بر آن در سازمانهای مهم ناتو - سازمان کشورهای امریکائی - برنامه کلمبو-آدب - سی سی دی - سکلا-اسه - اسکاپ - فائو- گات - یا آآ- بانک جهانی - ایکائو - آیدا- ایدب - ایفک - ایمکو - ایمف- ایتو- اواسی دی- اونکتاد - یونسکو - یوپو - وهو- ومو- پیمان آنزوس نیز عضویت دارد:

ملاحظات اقتصادی

واحد پول آن دلار (\$) معادل ۱۰۰ سنت است.



تولید ناخالص ملی ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ حدود ۳۶۹,۲ میلیارد دلار بوده (درآمد سرانه ۸,۷۷۳ دلار) که ۲۶٪ آن از صنعت، ۱۵/۵٪ از تجارت و عمده‌فروشی، ۱۴٪ از کمک‌های دولتی، ۱۴٪ از خدمات، ۱۳٪ از امور مالی و بیمه، ۳٪ از کشاورزی، جنگلداری و صید ماهی، ۵٪ از ساختمان، ۶٪ از حمل و نقل و ارتباطات، ۲٪ از مواد سوختی و ۱/۵٪ هم از معدن‌داری بدست می‌آید. هزینه‌های نظامی کشور در سال، ۵/۳٪ و هزینه‌های آموزش و پرورش ۶/۴٪ تولید ناخالص ملی بوده است. نرخ سالانه رشد تولید ناخالص ملی حدود ۲٪ است. متوسط پرداخت مزد، ساعتی ۵/۱۴ دلار، در سال ۱۹۷۷ بوده است. درآمد بودجه ملی در سال ۱۹۷۳ بالغ بر ۳۶۵/۲ میلیارد دلار و هزینه‌های بودجه معادل ۲۵۷ میلیارد دلار بوده است.

واردات امریکا در سال ۱۹۷۸ حدود ۲۰۶/۵ میلیارد دلار بوده که بیشتر شامل: ماشین‌آلات و وسایل حمل و نقل، منسوجات، نفت، آهن، اتومبیل، کائوچو، قالی و خشکبار است که اکثراً از کشورهای کانادا (۲۲٪)، ژاپن (۱۱/۴٪) و آلمان غربی (۵/۶٪) وارد می‌شود.

میزان صادرات این کشور حدود ۱۷۸/۵ میلیارد دلار است که بیشتر شامل: ماشین‌آلات، وسایل نقلیه و اتومبیل، حیوانات زنده، فلزات، مواد شیمیایی و غذایی، گندم، ذرت، برنج و گوشت، مواد خام، کاغذ، پلاستیک و مواد سوختی بوده که اکثراً به کشورهای کانادا (۱۹/۶٪)، ژاپن (۸/۴٪) و آلمان غربی (۶/۷٪) صادر می‌شود. مهمترین صنایع کشور عبارتند از: ذوب فلزات، صنایع سنگین، اتومبیل‌سازی، پتروشیمی، اتمی، هواپیمائی، کشتی‌سازی، مهندسی و الکترونیکی، الکتریکی و اسلحه‌سازی.

غلات، پنبه، میوه‌جات، سیب‌زمینی و کتان از مهمترین محصولات کشاورزی امریکا می‌باشند و سرانه زمین‌مزروعی برای هر نفر بالغ بر ۰/۸۴ هکتار می‌باشد. تولید سالانه (۱۹۷۸) گوشت گاو



۱۱/۳۳ میلیون تن، گوشت خوک ۶/۱۳ میلیون تن، گوشت گوسفند ۱۵۵,۰۰۰ تن و صید ماهی ۷۰۰,۰۰۰ تن ۳,۵۱۱ تن می باشد. تولید سالانه (۱۹۷۸) نیروی الکتریسته نیز معادل ۲,۲۱۱ میلیارد کیلو وات ساعت است. امریکا دارای معادن فراوانی است و خود نی بیشتر از هر کشور دیگری مصرف مواد معدنی دارد. معادن مهم آن عبارتند از: زغالسنگ، مس، روی، سرب، گاز طبیعی، نفت، آلومینیوم، فسفات، بوکسیت، اورانیوم، منگنز، پتاس، تنگستن، قلع، طلا، نقره، نیکل، کروم، گوگرد، جیوه و آهن. بر طبق برآوردهای سال ۱۹۷۸، ذخیره زمینی نفت خام آن بالغ بر ۲۹/۵ میلیارد بشکه است. نیروی کار کشور بالغ بر ۱۰۴,۹۹۶,۰۰۰ نفر است (۱۹۷۹) که ۹۶٪ آن در صنایع غیر کشاورزی مشغول بکار هستند. تعداد ثابت افراد ارتش ۲,۱۰۰,۰۰۰ نفر و ذخیره آن ۸۷۰,۰۰۰ نفر میباشد.

ارتباطات

در سال ۱۹۷۸ حدود ۷۰۰,۰۰۰، ۲۵۱,۰۰۰، ۶ کیلومتر راه وجود داشته و در سال ۱۹۷۶، ۱,۰۰۰,۰۰۰، ۱۱۷ اتومبیل سواری و ۳۲,۰۰۰,۰۰۰ وسیله نقلیه عمومی مورد استفاده بوده و همچنین ۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ۱۱ اتومبیل سواری و ۴,۱۲۸,۰۰۰ وسیله نقلیه عمومی تولید شده است. طول راه آهن مورد استفاده در سال ۱۹۷۷ بالغ بر ۳۰۵,۷۷۵ کیلومتر بوده است و ارتباطات هوایی داخلی و بین المللی این کشور توسط شرکتهای زیر انجام میشود: امریکا، برانیف، شرقی، حمل و نقل جهانی، پان، امریکن، کنتیننتال، دلتا، شمالغربی و یونایتد. سالانه بیش از ۱۵,۷۰۰,۰۰۰ نفر توریست از امریکا دیدن میکنند. ارتباطات آن عمدتاً خصوصی است. در سال ۱۹۷۶ تعداد ۳۰۷,۰۰۰ فرستنده رادیویی، ۳,۸۵۳ فرستنده تلویزیونی، ۴۰۲,۰۰۰,۰۰۰ گیرنده رادیویی و ۱۲۱,۰۰۰,۰۰۰ گیرنده تلویزیونی مورد استفاده بوده و در همین



سال ۱۱,۸۶۱,۰۰۰ رادیو و ۸,۲۰۷,۰۰۰ تلویزیون تولید گردیده است. در سال ۱۹۷۷ تعداد ۱۶۲,۰۷۲,۰۰۰ شماره تلفن مورد استفاده بوده است. در ایالت متحده بطور متوسط ۱,۸۹۳,۰۰۰ نشریه روزانه با تیراژی حدود ۴۹,۵۰۰,۰۰۰ و سرانه ۲۹۳ روزنامه برای هزار نفر (در سال ۱۹۷۸) منتشر میشود. مقیاس مورد استفاده آن عمدتاً سیستم متریک میباشد.

جمعیت

طبق آمار سال ۲۰۰۳، جمعیت آمریکا بر ۲۸۹,۰۰۰,۰۰۰ نفر (چهارمین کشور جهان) بالغ می گردد. تراکم جمعیت ۲۳/۵ نفر در کیلومتر مربع میباشد. ۷۰/۱٪ مردم ساکن شهرها بوده و پرجمعیت ترین شهر آن (نیویورک) حدود ۳٪ جمعیت کشور را تشکیل میدهد. از جمله دیگر شهرهای پرجمعیت می توان از نیویورک، لس آنجلس، شیکاگو، فیلا دلفیا، هوستون، دیترویت، سان دیگو، دالاس، و سان فراسیسکو نام برد. از لحاظ توزیع سنی: ۲۳/۵٪ جمعیت را افراد کمتر از ۱۴ سال، ۶۱/۴٪ را افراد ۱۵ تا ۵۹ سال، و ۵۱/۱٪ جمعیت را نیز افراد بالاتر از ۶۰ سال تشکیل داده و متوسط عمر مردان ۶۷/۷ سال و زنان ۷۶/۵ سال است. در ایالات متحده میزان تولد ۱۵/۳ در هزار، میزان مرگ و میر ۸/۸ در هزار و رشد جمعیت ۰/۶۵٪ است. میزان مرگ و میر کودکان نیز ۱۴/۱ نفر در هر هزار نوزاد می باشد.

۸۷/۵٪ جمعیت آن را سفید پوستان، ۱۱/۱٪ را سیاهپوستان و ۱٪ را آسیایی ها شامل میشوند. بیشتر مردم آن مسیحی بوده (دو سوم پروتستان و یک چهارم کاتولیک) و تعدادی نیز مسلمان و یهودیند (۳٪). زبان رسمی انگلیسی (سایر زبانها منجمله اسپانیولی، ایتالیایی، یونانی، ژاپنی و سرخپوستی نیز بکار برده میشود) و خط رایج لاتین است.



سیاستهای آموزشی

در آمریکا هیچ سیاست ملی در خصوص نحوه برخورد با تفاوت‌های توانایی دانش‌آموزان وجود ندارد. در عوض مدارس محلی در مناطق گوناگون و رؤسای مدارس فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که مبتنی است بر تفاوت‌های فردی، تصورات آنها از نیازهای دانش‌آموزان و همچنین منابع مالی آنها. خود مختاری کلی در سطح مدارس تنوع وسیعی را در برنامه‌های آموزشی موجب شده است. بسیاری از مدارس دولتی در ایالات متحده به دانش‌آموزانی خدمات آموزشی ارائه می‌کنند که از زمینه‌های اجتماعی و توانایی‌های متفاوتی برخوردار هستند. در تلاش برای مواجهه با چنین گستره متنوعی، گزارش‌های معلمین بر چندین استراتژی مبتنی است. استراتژی اصلی عبارت است از گروه بندی توانایی‌ها. این اقدامات از مدرسه ابتدایی آغاز می‌شود و جنبه کشوری دارد. کلیه مدارس چنین گروه بندی‌هایی را در خصوص تفاوت‌های موجود در سطح توانایی دانش‌آموزان انجام می‌دهند. اگرچه نوع این اقدامات در مدارس مختلف تفاوت دارد. در فعالیت‌های مرتبط با یادگیری مشارکتی، تکلیف شب، نمره دهی و آموزش کامپیوتری نیز تفاوت رویکردهایی در خصوص تفاوت سطح توانایی‌های دانش‌آموزان وجود داشته است. یادگیری مشارکتی به این صورت که دانش‌آموزانی که یادگیری سریعتری دارند با آنهایی که یادگیری کندتری دارند در گروه‌های زوجی قرار داده شوند - بارها و بارها مشاهده شده اکثر معلمین بر این باور بودند که این کار بر روی کل کلاس تاثیر مثبت داشته و فایده دارد. یادگیری دانش‌آموزانی که سریعتر یاد می‌گرفتند با قرار گرفتن در گروه‌های مشارکتی تقویت می‌شد و دانش‌آموزان کندتر نیز از این کمک اضافی همکلاسیه‌های خود بهره می‌بردند. معلمین، والدین، مدیران و دانش‌آموزان همگی کاملاً به این امر واقف بودند که



ثبات خانواده و حمایت آن نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در تفاوت‌های فردی ایفا می‌کند. بسیاری از افراد ناتوانی‌های یادگیری دانش‌آموزان را به نبود حمایت خانوادگی نسبت می‌دادند. امری که به اعتقاد آنها در حال گسترش یافتن در جامعه‌اشان است. بسیاری از افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفتند در خصوص اهمیت بسیار بالای موضوعات مربوط به برابری سخن گفتند. اکثر پاسخگویان معتقد بودند که در خصوص دسترسی به آموزش‌های مربوط به علوم و ریاضیات برابری جنسی وجود دارد. اکثراً خاطرنشان کردند که مواعی که در این زمینه پیش روی دختران وجود داشت تا حد بسیار زیادی از بین رفته است. برعکس نابرابری‌های نژادی تا حد زیادی مورد تصدیق افراد بود و پیوسته مورد توجه افراد بود.

آموزش تقویتی و آموزش ویژه‌نقشی بزرگ اما مختلف را در مدارس سه نقطه ایفاء کردند. هر مدرسه‌ای که ما از آن دیدن کردیم برای دانش‌آموزانی که نیازهای ویژه داشتند برنامه‌های خاصی ارائه کرده بود. به هر حال در مدارس مختلف این برنامه‌ها تفاوت‌های بسیاری با هم داشتند برخی از این برنامه‌ها سطح وسیعی را در بر گرفته و به دانش‌آموزانی که نیاز به کمک‌های تقویتی داشتند را شامل می‌شد. سایرین نیز منابع محدودی داشته و صرفاً دانش‌آموزانی را که از ناتوانی‌های یادگیری حاد رنج می‌بردند در بر می‌گرفتند.

مدارس کمی جهت دانش‌آموزان تیزهوش آموزش‌های ویژه‌ای در ریاضیات و علوم ارائه کردند اما اکثر مدارس این کار را انجام ندادند. بسیاری از پاسخگویان به اهمیت برنامه‌های آموزشی جهت کودکان تیزهوش تاکید داشتند اما احساس می‌کردند که منابع مالی مدارس آنها اجازه این کار را نمی‌دهد.

در ایالات متحده سیستم منسجمی برای نحوه مواجهه با تفاوت‌های فردی در توانایی‌های دانش‌آموزان وجود ندارد. بلکه در این زمینه سیستم‌های متنوعی وجود دارد: هر یک از مناطق و هر مدرسه‌ای برنامه‌ها



و رویکردهای خاص خود را در این باره بسط و گسترش داده است . علیرغم این برخی استراتژیها توسط مدارس و مناطق مختلف رعایت می شود .

گروه بندی دانش آموزان در دروس ریاضی و علوم تجربی بر مبنای توانایی شان تقریبا در همه جا وجود داشته است . اکثر معلمان اشکالی از یادگیری مشارکتی را در کلاسهایشان انجام می دادند و به کارایی آن معتقد بودند . بسیاری از معلمین به عنوان یکی از استراتژیهای مواجهه با تفاوتهای فردی ، جلسات پرسش و پاسخی ترتیب می دادند ، تکالیف را طبق توانایی های دانش آموزان به آنها اختصاص می دادند و بر سایر منابع آموزشی متکی بودند . نهایت آنکه والدین ، معلمین ، مدیران مدارس و دانش آموزان با خاستگاههای بسیار گسترده باورشان را به این موضوع خاطرنشان کردند که تفاوتهای موجود در میزان حمایت خانواده از دانش آموز به تفاوتهای دانش آموزان در موفقیت درسی تاثیر می گذارد . آنها اعتقاد داشتند که تفاوت در موفقیتهای تحصیلی از خانه آغاز می شود . در عین حال در بحثهای آزادی که با معلمین ، والدین و دانش آموزان صورت می گرفت - همه آنها بر اهمیت برابری و دسترسی به آموزش در مدارس تاکید می کردند .

ساختار آموزشی

آموزش پیش دانشگاهی

آموزش پایه

سن آغاز دوره: ۷ سال

سن اتمام دوره: ۱۶ سال



آموزش پیش دبستانی

الف) مهد کودک

ب) کودکستان

ج) مراکز مراقبتی کودکان

مدت دوره: ۲ سال

بین سنین ۴ تا ۶ سال

آموزش ابتدایی

مشمول بر پایه های تحصیلی ۱-۳ یا ۱-۴

بین سنین ۶ تا ۱۰ سال

مدارک اعطایی:

روال اعطای مدرک فرق می کند. هیچگونه استانداردی وجود ندارد. مدارک زمانی که نیاز برای

ورود به مدرسه راهنمایی وجود داشته باشد، اعطا می شوند.

آموزش ابتدایی

مشمول بر پایه های تحصیلی ۱-۵

مدت دوره: ۵ سال

بین سنین ۶ تا ۱۱ سال

مدرک اعطایی:



روال اعطای مدرک متفاوت است . هیچگونه استانداردی وجود ندارد . مدارک زمانی که نیاز به

ورود در مدرسه راهنمایی باشد ، اعطاء می شوند.

آموزش و پرورش در ایالات متحده امریکا در سه سطح مدیریتی سازماندهی شده است :

• دوره پیش دبستانی و ابتدایی

• دوره متوسطه

• دوره تکمیلی

آموزش حرفه ای در سطح متوسطه و بعد از متوسطه مورد بررسی قرار می گیرد .

ساختار آموزشی دهه ۹۰

جمعیت کل ایالات متحده ۲۵۵/۰۷۸/۰۰۰

جمعیت دانش آموزان پایه های تحصیلی ۱-۱۲ ۴۲/۸۱۶/۰۰۰

کل کارمندان آموزشی ۳/۱۴۰/۰۰۰

کل هزینه ها دلار ۲۵۳/۸۵۹/۰۰۰/۰۰۰

دانش آموزان مدارس دولتی %۸۹

دانش آموزان مدارس خصوصی با شهریه پایین تحصیلی %۹/۵

دانش آموزان مدارس خصوصی با شهریه بالای تحصیلی %۱/۵

مدارس متوسطه %۵۴

مراکز آموزش عالی فنی %۲۵

مراکز آموزش عالی (درجه لیسانس در علوم انسانی یا تجربی) %۱۳/۱



مراکز آموزش عالی حرفه‌ای	۷/۲٪
تعداد کل دانشجویان دوره کارشناسی	۱۲/۲۶۲/۰۰۰
تعداد دانشجویان فارغ التحصیل	۱/۷۲۱/۰۰۰
تعداد دانشجویان برخوردار از درجه تخصصی	۲۹۵/۰۰۰
تعداد دانشجویان خارجی	۴۵۵/۰۰۰
نرخ دانشجویان مؤسسات عمومی	۸۰٪
نرخ دانشجویان در مؤسسات خصوصی	۲۰٪
میانگین سالانه شهریه مؤسسات دانشگاهی عمومی	۲/۶۸۹ دلار
میانگین سالانه شهریه مراکز دانشگاهی خصوصی	۱۱/۹۴ دلار
تعداد دانشگاهها و دانشکده‌های دولتی ایالات متحده	۶۰۵
دانشگاهها و دانشکده‌های خصوصی ایالات متحده	۱۶۱۰
دانشکده‌های ۲ سالانه دولتی ایالات متحده	۱۰۳۶
دانشکده‌های ۲ سالانه خصوصی ایالات متحده	۷۳۴
هزینه‌های سالانه دولتی	۱۰۹/۳۰۹/۵۴۱/۰۰۰ دلار
هزینه‌های سالانه خصوصی	۶۴/۰۴۱/۰۷۶/۰۰۰ دلار



آموزش پیش دبستانی

ساختار آموزشی

سال	تعداد کل ثبت نامی	تعداد دختران ثبت نامی	تعداد کل معلمان	تعداد معلمان زن
۱۹۹۴	۸۲۳۱۰۶۹	۳۹۲۶۲۶۷	۳۰۲۲۰۰	۲۸۶۲۴۱
۱۹۹۵	۸۴۷۰۹۱۸	۴۱۰۳۸۶۲	۳۰۷۷۰۲	۲۹۱۴۴۸

آموزش پیش دانشگاهی

ساختار آموزشی

تحصیلات ابتدایی در کشور امریکا از سن شش سالگی آغاز می شود و در مجموع دوره تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی در امریکا دوازده سال می باشد و به دانش آموزان مدرک دیپلم دبیرستان (High School Diploma) اعطا می گردد.

آموزش پایه

مدت زمان برنامه های مقاطع آموزش پایه در سراسر ایالات متحده به شرح ذیل میباشد:

• ۱۶ ایالت ۹ سال

• ۱۹ ایالت ۱۰ سال

• ۷ ایالت ۱۱ سال



- ۱۲ ایالت ۶ سال

- ۲ ایالت ۱۳ سال

سال تحصیلی

سال تحصیلی از ماه سپتامبر آغاز شده و تا ماه ژوئن به طول می انجامد.

آموزش ابتدایی

ساختار آموزشی

مقطع آموزش ابتدایی مدت زمان ۸-۶ سال طی رده های سنی ۴-۶ سال به طول می انجامد.

هدف اصلی برنامه های آموزش ابتدایی کسب مهارتها ، دانش و گرایشهای مثبت و اساسی توسط

دانش آموزان و تأکید بر رشد فردی آنان با توجه به نیازها و تواناییهای فردی می باشد. مقطع آموزش ابتدایی

اجباری بوده و به صورت رایگان به دانش آموزان ارائه می گردد. در مدارس ابتدایی طبق آمار سال ۱۹۹۵

نسبت معلمان به دانش آموزان بر ۱۹/۱ به ۱ در مدارس دولتی و ۱۶/۷ به ۱ در مدارس خصوصی بالغ

میگردد.

طبق آمار سال ۱۹۹۶، جمعیت سنی که این مقطع را طی کرده اند بر حدود ۳۲/۸ میلیون نفر بالغ می

گردد.

سال	تعداد کل ثبت نامی	تعداد دختران ثبت نامی	تعداد کل معلمان	تعداد معلمان زن
۱۹۹۰	۲۲۴۲۹۰۰۰	۱۰۸۵۶۰۰۰	-	-
۱۹۹۲	۲۲۹۷۶۲۴۰	۱۱۱۱۵۶۴۹	۱۴۲۷۳۸۷	۱۲۳۴۵۸۱
۱۹۹۳	۲۳۲۱۲۲۷۶	۱۱۲۸۷۵۵۹	۱۴۴۲۹۱۳	۱۲۴۷۸۱۹
۱۹۹۴	۲۳۸۲۳۶۶۲	۱۱۵۷۷۵۴۴	۱۴۷۳۰۵۳	۱۲۷۳۹۳۲



۱۹۹۵	۲۴۰۴۵۹۶۷	۱۱۶۶۷۴۸۱	۱۴۹۹۶۶۹۷	۱۲۹۶۹۷۴
------	----------	----------	----------	---------

برنامه های آموزشی

موضوعات محوری برنامه های آموزش ابتدایی عبارتند از: زبان انگلیسی ، متون قرائتی ،

مهارتهای زبانی ، آمار / ریاضیات ، مطالعات اجتماعی / تاریخ و علوم

مدت زمان ارائه دروس هفتگی

حداقل میزان ساعت کلاسی طی ۴ سال اول دوره ابتدایی

کل پایه ها	پایه ۴	پایه ۳	پایه ۲	پایه ۱
۳۵۸۱	۹۲۳	۸۸۶	۸۸۶	۸۸۶

تعداد روزهای آموزشی در سال	درصد ساعت دروس محوری	ساعت درسی دروس محوری در هفته	ساعت درسی در هفته	میانگین موارد مذکور در ۵۱ ایالت امریکا
۱۸۰	۶۸/۲	۲۱/۷	۳۲/۱	

آموزش متوسطه

ساختار آموزشی

سن ورود به آموزش اجباری در ایالات متحده ، مطابق با ایالت ، از سطح سنی ۵ تا ۸ سالگی

متفاوت می باشد و عمومی ترین سن برای ورود به آموزش اجباری ۷ سالگی می باشد ؛ در پایان دوره سن

فارغ التحصیلان بین ۱۵ تا ۱۸ می باشد که البته سن ۱۶ عمومی ترین سن و متداول ترین سن برای فارغ

التحصیلی می باشد .



آموزش متوسطه در ایالت متحده مطابق با قوانین ، سیاستهای و تدابیر ایالات و حوزه های مدرسه محلی شامل کلاس ۱۲-۷ می باشد . هیچگونه ساختار، برنامه آموزشی یا قانون اجرایی وجود ندارد، تمامی قوانین و تدابیر از طریق حکومت های ایالتی و بیش از ۱۴۰۰۰ مدرسه محلی تصویب و اجرا می گردند. تمامی ایالات و حوزه های مدارس ، سطح فارغ التحصیلی از مدرسه متوسطه را ، تکمیل و اتمام کلاس دوازدهم می دانند و اسم عمومی برای مدرک فارغ التحصیلی متوسطه ، دیپلم تحصیلات دبیرستانی می باشد .

شرایط و نیازهای آکادمیک و برنامه آموزشی فنی و حرفه ایی جهت اخذ این دیپلم از طریق هر ایالت تصویب و اتخاذ میگردد و ممکن است در هر ایالت این شرایط و برنامه های آموزشی متفاوت می باشند. در بسیاری از ایالات و مناطق (حوزه ها) نه در تمامی آنها ، امکان کسب دیپلم های ویژه دبیرستانی که مشخص کننده تکمیل و اتمام تحصیلات آکادمیک عالی یا برنامه های تحصیلی فنی و حرفه ایی می باشند، وجود دارد. گاهی اوقات ، مدارک آکادمیک کالج مقدماتی ، تکمیلی یا مدارک دبیرستانی آکادمیک نامیده می شوند و در بعضی موارد مدارک فنی و حرفه ای ، دیپلم های دبیرستان فنی و حرفه ای نامیده می شوند. اعطای این مدارک که به شکل خاصی تخصیص یافته اند ، در تمام کشور یک جور و به یک شکل نمی باشد .

عنوان «دیپلم دبیرستان» نام شناخته شده ایی را برای مدرسه متوسطه ایالات متحده بر جای می گذارد. محتوای برنامه آموزشی که به سبک دیپلم و نمرات کسب شده درج شده اند و رونوشت دبیرستان نامیده می شود .



ارزیابی تحصیلی

سیستم نمره دهی

اغلب مدارس متوسطه از نظام ارزیابی استفاده می نمایند که از حروف الفبای رمی ، B , C , D

A و گاهی E و F و حرف I به معنای نا تمام تشکیل یافته است .

این حروف به نمرات عددی وابسته و مربوط می باشند .

A : (عالی)

D : (قبولی)

F : (مردودی)

آموزش مقدماتی متوسطه

ساختار آموزشی

مقطع آموزش مقدماتی متوسطه مدت زمان ۶-۲ سال طی رده های سنی ۱۸-۱۴ سال به طول می

انجامد.

هدف اصلی برنامه های آموزش ابتدایی کسب مهارتها ، دانش و گرایشهای مثبت و اساسی توسط

دانش آموزان و تأکید بر رشد فردی آنان با توجه به نیازها و تواناییهای فردی می باشد. مقطع آموزش ابتدایی

اجباری بوده و به صورت رایگان به دانش آموزان ارائه می گردد. در مدارس ابتدایی طبق آمارسال ۱۹۹۵

نسبت معلمان به دانش آموزان بر ۱۴/۹ به ۱ در مدارس دولتی و ۱۱/۳ به ۱ در مدارس خصوصی بالغ میگردد.



طبق آمار سال ۱۹۹۶، جمعیت سنی که این مقطع را طی کرده اند بر حدود ۳۲/۸ میلیون نفر بالغ می

گردد. مقطع تکمیلی متوسطه نیز مدت زمان ۴ سال به طول می انجامد.

به افرادی که دوره متوسطه را با موفقیت به پایان می رسانند مدرک دیپلم اعطا می شود در این بین

تعدادی هستند که دوره دبیرستان را ادامه نمی دهند امتحان جامعی به عنوان امتحان توسعه آموزش عمومی

(GED) برگزار می گردد که در صورت موفقیت افراد به آنها مدرک معادل دیپلم ارائه می گردد.

سال	تعداد کل ثبت نامی	تعداد دختران ثبت نامی	تعداد کل معلمان	تعداد معلمان زن
۱۹۹۰	۱۹۲۷۰۰۰۰	۹۴۷۳۰۰۰	-	-
۱۹۹۲	۲۰۰۱۶۱۴۶	۱۰۰۰۰۹۴۳	۱۳۲۰۷۷۵	۷۳۴۴۵۶
۱۹۹۳	۲۱۰۰۵۴۷۳	۱۰۲۲۸۹۷۲	۱۳۴۱۳۱۴	۷۴۵۸۹۵
۱۹۹۴	۲۱۱۲۲۶۳۳	۱۰۳۷۳۶۷۱	۱۳۶۹۳۱۴	۷۶۱۵۱۸
۱۹۹۵	۲۱۴۷۳۶۹۲	۱۰۴۷۱۲۲۷	۱۳۹۴۰۸۰	۷۷۵۲۹۴

برنامه های آموزشی

برنامه های درسی مقطع مقدماتی متوسطه موضوعات زیر را پوشش می دهند:

- دستور زبان انگلیسی
- متون خواندنی
- مهارت نوشتن



- ریاضیات
- علوم و روشهای علمی
- تاریخ ایالات متحده
- هنر
- موسیقی
- بهداشت و تغذیه
- هنرهای عملی
- تربیت بدنی
- جغرافی
- زبانهای خارجی

آموزش عالی

ساختار آموزشی

برای ورود به دانشگاههای کشور امریکا داشتن دیپلم متوسطه (Diploma High School) الزامی است و همچنین نتایج امتحان عمومی که همه ساله از دارندگان دیپلم بعمل می آید جزء شرایط ورود به حساب می آید. البته دانشجویان خارجی باید دارای نمره مناسبی از آزمون زبان انگلیسی TOFEL باشند. دانشگاهها در امریکا مستقل هستند و مدارک دانشگاهی را راسا صادر می نمایند. نظام آموزشی در کلیه مراکز آموزش عالی امریکا واحدی می باشد.



تحصیلات دانشگاهی در ایالت متحده، به بخشهای مختلف (دانشگاهی، غیر دانشگاهی و . . .)، مثل بعضی از نظامهای علمی دیگر تقسیم نمی شود، بلکه بخشی متفاوت و مستقلی از مؤسساتی می باشد که بطور خصوصی و عمومی پشتیبانی می شود.

دولت فدرال، هیچ چگونه حق قانونی یا اجرایی مبنی بر تأیید مؤسسات آموزشی، اعضای استادان دانشگاه، برنامه ها، دروس دانشگاه یا مدارک و شرایط دیگر ندارد.

تقریباً تمامی مؤسسات آموزش عالی دارای جواز بوده و یا توسط یک ایالت و یا دولت داخلی برای اداره کردن تحت مالکیت خصوصی دولت یا یک تعاونی خصوصی (اگر مستقل باشد) ثبت و مشخص می گردند. مؤسسات مذهبی مستقل و یا خصوصی در نظر گرفته شده اند و ممکن است مؤسسات انتفاعی و یا غیر انتفاعی باشند. تضمین سطح کیفی از طریق شرایط و نیازهای ایالت، اعتبار و رسمیت اختیاری و شهرت و اعتبار مؤسسات و مؤسسات هم تراز آکادمیک و کارمندان فارغ التحصیل تعیین می گردد.

به رسمیت شناختن مؤسسات فرایندی خود ابتکاری از کنترل سطح کیفی مرسوم در جامعه آموزش متوسطه تکمیلی آمریکا جهت حصول اطمینان از حداقل استانداردهای صلاحیت آکادمیک، رقابت اداری و جهت افزایش درک متقابل از صلاحیتهای شرایط در درون نظام می باشد. شش انجمن رسمی منطقه ای حداقل استانداردها را برای مؤسساتی که در ایالتهای مربوط به حوزه قضائی آنان مطرح می باشند، به تصویب رسانده اند. بعلاوه، بسیاری از مؤسسات رسمی دیگر، حداقل استانداردها را جهت «رسته های فردی موضوعات» یا «رشته های وابسته موضوعات» بویژه در رشته های حرفه ای به تصویب رسانده اند.



مقاطع تحصیلی

۱- Associate Degree دو سال تحصیل بعد از دیپلم دبیرستان از کالجهای دو ساله یا پس از گذراندن

دو سال تحصیل از یک دوره چهار ساله دانشگاهی .

۲- Bachelor چهار سال تحصیل تمام وقت بعد از دیپلم دبیرستان .

۳- Master دو سال تحصیل تماموقت . برای ورود به این دوره دارا بودن مدرک Bachelor با ارائه

نتایج ورودی مانند GRE ، شرط معدل و معرفی اساتید الزامی است . در اکثر دانشگاهها این دوره همراه

با ارائه رساله علمی است. البته گذراندن این دوره با تعداد بیشتر واحد نیز میسر می باشد.

۴- در کشور امریکا ارائه مدارک Engineer Degree و Specialist نیز ممکن است. این نوع

مدارک بصورت مستقل بعد از اخذ Master در بعضی از رشته ها ارائه می گردد.

۵- PhD برای ورود به این دوره معمولا دارا بودن مدرک Master الزامی است. برای دوره PhD در

امریکا دانشجو باید دروس تعیین شده، امتحان جامع، ارائه رساله تحصیلی و دفاع شفاهی را با موفقیت

بگذراند. طول متوسط دوره دکترا در دانشگاههای امریکا چهار سال است. مدارک PhD گاهی مستقیما

بعد از Bachelor و بدون گذراندن Master اخذ می شود.

۶- مدارک دیگر که از طرف دانشگاههای امریکا صادر می شود:



Doctor Of Education - Doctor Of Public Administration Doctor Of
Science - Doctor Of Engineering

ارزشیابی مدارک تحصیلی

۱- مدارک Associate Degree از مراکز آموزش عالی و کلیه مدارک اکادمیک (دانشگاهی) ۲ یا ۳ ساله معادل حداقل ۷۲ واحد با شرط تحصیل پیوسته و همگن که منجر به اخذ مدرک Bachelor نمی شود، در صورت دارا و دن دیپلم دبیرستان کاردانی ارزشیابی می شود. اگر مابین واحدهای فوق الذکر، حداقل ۳۶ واحد اختصاصی باشد کاردانی با گرایش مربوط ارزشیابی می شود.

۲- مدارک Bachelor بعد از دیپلم دبیرستان کارشناسی ارزشیابی می شود. تبصره ۱: در صورت نداشتن دیپلم دبیرستان بر اساس مدارک ارائه شده کمیسیون ارزشیابی ارائه نظر می نماید.

۳- مدارک Master با شرط داشتن کارشناسی، از دانشگاههای گروه ۱ و ۲ بعنوان کارشناسی ارشد ارزشیابی می شود. تبصره ۲: مدارک Master اخذ شده از مراکز آموزش عالی که نامشان در فهرست دانشگاههای گروههای ۱ و ۲ آورده نشده است به شرط دارا بودن معدل ۲/۳ از ۴ و یا ارائه یک مقاله علمی از رساله دوره کارشناسی ارشد بعنوان کارشناسی ارشد ارزشیابی می شود.

۴- مدارک Engineer Degree با دارا بودن Master به عنوان کارشناسی ارشد در تخصص یاد شده ارزشیابی می شود و یا با در نظر گرفتن ارزشیابی صحت صدور تایید می گردد.



۵- مدارک PhD به عنوان دکترا ارزشیابی می شود. تبصره ۳: مدارک PhD اخذ شده از مراکز آموزش عالی که نامشان در فهرست دانشگاههای گروههای ۱ و ۲ آورده نشده است، به شرط ارائه یک مقاله علمی از رساله دوره دکترا از نشریات بین المللی غیر محلی (غیر از ایران و دانشگاه محل تحصیل) بعنوان دکترا ارزشیابی می شود.

۶- مدارک Science - Doctor Of Public Administration - Doctor Of Engineering - Doctor Of Education مانند مدارک PhD ارزشیابی می شود با این تفاوت که در رای صادره عنوان لاتیم مدرک در انتها درج می گردد.

۷- کلیه مدارک دانشگاهی که به صورت مکاتبه ای ، ترددی و غیر حضوری اخذ شود، غیر قابل ارزشیابی می باشد.

۸- مدارک صادره از کلیه مراکز آموزش عالی وابسته به دانشگاههای امریکا در سایر کشورها بر اساس ضوابط و مقررات ان کشور ارزشیابی می گردد.

۹- مدارک دانشگاهها و مراکز آموزش عالی که در زمان شروع به تحصیل دانشجو توسط وزارت فرهنگ و رفاه امریکا که در کتاب Higher Education Directory معتبر (Accredited) شناخته نشده باشد ، غیر قابل ارزشیابی می باشد.



گواهینامه تحصیلی

مدرک کارشناسی

مرحله اول : مدرک معادل ، مدرک لیسانس ، گواهی نامه تکمیلی ، مدرک حرفه ای یک ساله

مدرک معادل اولین مدرک حرفه ای یا آکادمیک می باشد که در آموزش ایالات متحده آمریکا اعطاء

می گردد. دارندگان این مدرک ممکن اقدام به کسب برنامه های اولین مدرک (مثل برنامه هایی که منتج به

کسب مدرک لیسانس می گردد) نماینده با این وجود ، این افراد مجاز نیستند که بطور مستقیم برنامه های

تحصیلات پیشرفته را سپری نمایند .

برنامه های تحصیلی این مدرک ، معمولاً برای یک دوره تحصیلی ۲ ساله تمام وقت طراحی شده اند

، اما بعضی برنامه ها زمان زیادی را برای اتمام نیاز دارند. افرادی که مشغول به کسب این مدرک بطور نیمه

وقت می باشند ، ممکن است این دوره را در بیشتر از دو سال به اتمام برسانند. مدرک معادل ممکن است

در رشته هایی چون علوم انسانی و تحصیلات عمومی مانند تحصیلات آکادمیک یا در رشته فنی و حرفه ای

اعطاء شود . عموماً برنامه های مدرک معادل به مدت ۲ سال به طول می انجامد. اعتبار تحصیلات مدرک

معادل معمولاً به برنامه های مدرک لیسانس قابل انتقال و ارتقاء می باشد ، بویژه این انتقال و ارتقاء در

مؤسساتی صورت می پذیرد که بین آنها توافق انتقال صورت پذیرفته باشد . مدرک لیسانس ، دومین مدرک

آکادمی است که در آموزش متوسطه تکمیلی ایالات متحده اعطاء می گردد و یکی از دو مدرک دوره

لیسانس می باشد که دانشجوی را برای شرکت در برنامه های تحصیلات پیشرفته مجاز می داند . برنامه های

آموزشی برای این مدرک بسته به رشته تحصیلی و اینکه دوره آموزشی تمام وقت یا نیمه وقت باشد ، ۴ تا ۵

سال تحصیلی بطول می انجامد .



ساعات برنامه های آموزشی از طریق مؤسساتی تعیین می گردد که اعطاء کننده مدارک لیسانس می باشند. عموماً این امر نیاز به تکمیل شرایط اضافی مثل آمادگی برای پایان نامه دوره لیسانس ، گواهی نامه یا طرح تحقیقاتی برای دوره لیسانس ، کار در طی دوره یا امتحانات ویژه دارد. گواهی نامه های تکمیلی که در طی یک سال یا کمتر از یک سال برای کسب و تکمیل مدرک لیسانس بطول می انجامد ، ممکن است در رشته های مختلف مثل ، آموزش معلم (گواهی نامه آموزش متوسطه تکمیلی و دبستان) ، زبان خارجه و برنامه های تحصیلات منطقه ای و تخصصهای فنی ویژه اعطاء گردند .

مدرک کارشناسی ارشد

مدرک فوق لیسانس نشانگر دومین مرحله آموزش تکمیلی و اولین مدرک تکمیلی (دوره لیسانس و دکتری) اعطایی می باشد/ مدارک فوق لیسانس ایالات متحده ممکن آموزش (بدون ارائه پایان نامه) یا تحقیقاتی (ارائه پایان نامه) بوده و ممکن است در رشته های حرفه ای یا آکادمیک اعطاء گردند. اغلب مدارک فوق لیسانس برای یک دوره دو ساله تحصیلی تمام وقت طراحی شده اند ، با این وجود زمان تحصیل بر حسب رشته ، آمادگی دانشجو در سطح لیسانس ، ساختار و نظام برنامه و بسته به زمان تمام وقت و یا نیمه وقت فرق می نماید عموماً برای کسب مدارک فوق لیسانس نیاز به تکمیل و ارائه پایان نامه تحقیقاتی ، رشته ویژه ، امتحانات در ارتباط با یک رشته یا رشته های بیشتر ، شرایط مقتضی ویژه (مثل زبان شناسی یا مهارت کمی) یا ترکیبی از این دو را دارد . ایالات متحده معین می کند که تنزل بین فوق لیسانس و دکتری تحقیقی ممکن است به دلایل و انواع مختلف باشد ، با این وجود هر دوی آنها در دومین سطح آموزش تکمیلی ایالات متحده تنزل می یابند .



مدرک دکتری تحقیقی

دکتری تحقیقی نشان دهنده سومین و عالی ترین سطح آموزش تکمیلی در ایالات متحده باشد و ممکن است به بعضی از رشته های آکادمیک و بعضی از رشته های حرفه ای اعطاء گردند .

این مدرک تنها از طریق امتحان و دوره کاری ارائه نمی گردد بلکه نیاز به ارائه مهارت در رشته انتخاب شده و شیوه ای ویژه و مستقل ، تحقیقی خلاق و بدیع دارد.

برنامه های تحصیلی دوره دکتری نیاز به مطالعه و تحقیقی عمیق حداقل در یک رشته و سطح حرفه ای در موارد دیگر را دارد . متعاقب یک سری از سمینارهای تحقیقی و امتحانات جامع ، دانشجو باید توانایی خود را در تحقیق خلاق یا حرفه مستقل بواسطه آمادگی و دفاع از پایان نامه منتشر شده یا طرح تحقیقاتی و قبولی در امتحانات کتبی و شفاهی ، به اثبات برساند .

طول دوره مدارک دکتری ، ۴ یا ۵ سال تحصیل تمام وقت می باشد . زمان واقعی طول دوره کسب مدرک بسته به نوع رشته و ساختار برنامه فرق می کند. مدارک دکتری تحقیقی به تحصیلات آکادمیک و بعضی از حرفه ها اعطاء می گردند، مثالی برای این نوع مدرک دکتری فلسفه (PH.D) میباشد. تمایزی از عناوین مدرک بکار رفته در بعضی از مؤسسات و نظامهای آموزشی ، وجود دارد. تمرکز بر روی تحصیلات دکتری حرفه ای می باشد تا تحقیق تنوری و تمایزات جامعی برای عناوین مدرک مورد استفاده وجود دارند.

اعتباربخشی آموزشی

اعتباربخشی در آمریکا همانند کانادا می باشد. کلز (۱۹۸۹) در مورد تجربیات اعتبار بخشی بخشی

در ایالات متحده آمریکا و کانادا می نویسد:



در ایالات متحده رشد متفاوت مؤسسات آموزشی و کمبود اولیه در تعیین استانداردهای متمرکز در اواخر قرن نوزده شرایط را جهت ایجاد یک سطح مناسب در آموزش عالی ایجاد نمود. در صورتی که مؤسسات خود مایل به ایجاد چنین شرایطی نباشند مداخلات حکومتی احتمالاً غیرقابل اجتناب خواهد بود. با توجه به اینکه هر مداخله‌ای برای مؤسسات جذاب نمی‌باشد. مؤسسات خود قدم‌هایی جهت توسعه و فرآیند ارزیابی کیفیت برداشته‌اند. اولین فرآیند، فرآیند اعتباربخشی است. اعتباربخشی یک موسسه آموزش عالی یا یک برنامه‌خاص در داخل یک موسسه توسط روش خود ارزیابی توسط ساختار اعتباربخشی و نیز پی‌گیری توسط یک تیم ارزیاب بازدید کننده و یک گفت‌گویی نهایی توسط هیات هم‌تایان با استفاده از استانداردهای موجود، روشی است که به‌طور معمول اتخاذ می‌گردد. لازم به ذکر است اعتباربخشی نمادی توسط هیات‌های منطقه‌ای هدایت می‌گردد و در نهایت توسط مؤسسات آموزش عالی کنترل می‌شود ولی اعتباربخشی اختصاصی را هیات کنترل حرفه‌ای در سطح ملی هدایت و راهنمایی می‌کند. دومین فرآیند، فرآیند داخل نهادی و بررسی منظم برنامه‌ها است. این روش توسط دانشگاه‌ها جهت ارزیابی کیفیت برنامه برای تصمیم‌گیری نهادی و در برخی موارد جهت تهیه یک راهنما برای منابع و اطلاعات، داخل موسسه آموزشی صورت می‌گیرد. هر بررسی داخلی ممکن است وسیله‌ای برای فرآیند اعتباربخشی کلی‌تر و گسترده‌تر گردد، اما این موارد الزامی نیست.

در کانادا ارزیابی کیفیت آموزش عالی دارای تفاوت‌هایی در سازماندهی است. از جمله تمامی فرآیند اعتباربخشی به کار نمی‌رود، اما دو ابزار قاطع مربوط به روش ایالات متحده مورد استفاده قرار می‌گیرد. این دو ابزار خود ارزیابی و بازدید توسط هم‌تایان است. کمیسیون کالج‌های آلاباما در مورد اثر بخشی اعتبارسنجی و خود تنظیمی مؤسسات توضیح می‌دهد:



اثر بخشی اعتبار بخشی و خود تنظیمی بر پذیرش مسئولیت‌های خاص توسط موسسه وابسته می‌باشد که این امر بر مندرجات نهادی آن موسسه و تعهد نسبت بر فرآیند اعتبار بخشی مربوط است. در این فرآیند هر عضو موسسه دارای مسئولیت جهت مشارکت و پذیرش صادقانه ارزیابی در مورد قوت و ضعف موسسه می‌باشد. برای این امر یک طرح پیگیر و مناسب نهادی جهت مطالعه فردی و ارزشیابی هم‌تا ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این موسسه باید، درگیر بوده و در فعالیت‌ها و تصمیمات کمیسیون مشارکت داشته باشد. این تعهد از یک رضایت جهت دخالت در فرآیند تصمیم‌گیری کمیسیون و یک رضایت جهت توجه و حمایت از خط‌مشی‌ها برای تغییرات گزارش و توسعه در داخل موسسه تشکیل می‌شود. کل فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده باید بر اساس خط‌مشی‌ها، روش‌ها و خطوط راهنمای کمیسیون کالج‌ها گزارش شده و منطبق با معیار باشد. بقای فرآیند اعتبار بخشی در صورتی که تنها مؤسسات عضو در پذیرش مسئولیت‌های عضویت جدی باشند تأمین می‌گردد. در فرآیند استفاده از الگوی اعتبار بخشی در نظام‌های دانشگاهی امریکا می‌توان دو مرحله متمایز را ملاحظه کرد:

الف) ارزیابی اولیه دانشگاه متقاضی ارزیابی بوسیله خود اعضای هیات علمی

ب) بازدید هیات هم‌تایان اعزامی از طرف انجمن منطقه‌ای (یاملی) و ارزیابی برونی.

به عبارت دیگر در آمریکا اعتبار بخشی از طریق مطالعه فردی در دانشگاه‌ها، آغاز گردید و سپس با تغییر شکل از خودارزیابی داوطلبانه به بررسی عملکرد خارجی توسعه یافت. فرآیند اعتبار بخشی دانشگاه‌ها در بین ایالت‌های مختلف امریکا متفاوت است. یکی از اولین ایالات آمریکا که از اعتبار بخشی به عنوان وسیله‌ای برای ارتقاء کیفی دانشگاه استفاده نمود، ایالات آلاباما بود. در خط‌مشی کمیسیون کالج‌های آلاباما (۱۹۹۱) آمده بود، اعتبار بخشی در ایالات آلاباما با برنامه مطالعه فردی توسط کمیسیون کالج‌ها در



۱۹۵۷ آغاز گردید و در سال‌های بعد به‌طور موفقیت‌آمیزی این برنامه گسترش یافت. در این دهه کالج‌ها و دانشگاه‌های دارای عضویت در انجمن کالج‌های جنوب و دانشکده‌ها، جهت ارزیابی جامع هدایت شدند و توصیه‌هایی برای پیشرفت‌های آتی به آن‌ها ارائه گردید. از سال ۱۹۵۹ به بعد که هیوارد کینستن روش بازنگری همتا را براساس ۲۸ ماده برای ارزشیابی درجه اعتلای درونی ۲۵ دانشگاه به‌کار گرفت، تخصیص بودجه، مشاغل آتی کادر هیات علمی، توزیع تقدیرنامه و جایزه‌ها اغلب بر پایه داوری هم‌تایان علمی صورت گرفت. در حال حاضر، بیش از هشتاد انجمن در سطح منطقه‌ای یا ملی در آمریکا به ارزیابی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی می‌پردازند. روش اعتباربخشی چنان است که یک نظام دانشگاهی به‌طور داوطلبانه از یک انجمن ذیربط (منطقه‌ای یا ملی) درخواست می‌کند تا به ارزیابی آن نظام بپردازد. پس از آن، انجمن یاد شده، ضمن ارسال دستورالعمل ارزیابی، از نظام دانشگاهی متقاضی می‌خواهد که با تکمیل فرم‌ها و پرسشنامه‌های مربوط، به بازنگری خود پرداخته، گزارشی از وضع موجود تهیه و برای انجمن ارسال کند تا متعاقب دریافت گزارش بازنگری (ارزیابی درونی) هیاتی از طرف انجمن از نظام دانشگاهی بازدید کند. بر اساس گزارش بازنگری و مشاهدات انجام شده گزارش نهایی ارزیابی، بوسیله انجمن تهیه شده و برای نظام دانشگاهی ارسال می‌شود. در صورتی که امتیازات بدست آمده برای نظام دانشگاهی نمایان‌گر آن باشد که وضع موجود آن رضایت‌بخش (بیش از رضایت‌بخش، خوب، قوی و بسیار قوی) است رتبه نظام دانشگاهی مشخص شده و نتیجه آن انتشار می‌یابد اما در صورتی که وضع موجود آن کمتر از رضایت‌بخش باشد به نظام دانشگاهی فرصت داده می‌شود تا به بهبودی وضعیت خود بپردازد. در غیر این صورت در فهرست دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی انعکاس لازم را بدست نیاورده و در زمره دانشگاه‌های اعتباریافته قرار نمی‌گیرد. بر اساس الگوی اعتباربخشی یادشده دانشکده‌ها و دانشگاه‌های آمریکا به‌طور مرتب ارزیابی



شده و رتبه آن‌ها مشخص می‌شود. یکی از نشریه‌هایی که در این باره منتشر می‌شود گزارش گورمن است. این گزارش نتیجه ارزیابی دانشکده‌های تحصیلات تکمیلی و دوره‌های دکترای حرفه‌ای در دانشگاه‌های آمریکا، کانادا و برخی دانشگاه‌های بین‌المللی، را به‌طور مرتب انتشار می‌دهد.

مثلاً گزارش گورمن در سال ۱۹۸۷ نشان می‌دهد از ۱۱۲ دانشکده مدیریت که مورد ارزیابی قرار گرفته بودند ۸۸ دانشکده به کسب امتیازات لازم برای حالت نسبتاً رضایت‌بخش یا بهتر از آنان موفق شدند. به عبارت دیگر فقط ۷۷ درصد از دانشکده‌های مدیریت که داوطلبانه درخواست کرده بودند تارزیابی شوند، حداقل استانداردهای پایه را دارا بودند. در همین سال از ۲۳۰ دانشکده مهندسی فقط ۱۲۹ دانشکده (۶۰٪) از شرایط لازم برخوردار بوده و استانداردهای لازم را دارا بودند تا در زمره دانشکده‌های نسبتاً رضایت‌بخش یا بالاتر قرار گیرند. گزارش یاد شده نشان می‌دهد که در همان سال از ۴۳۸ دانشکده‌ای که درخواست کرده بودند دوره‌های کارشناسی ارشد در مدیریت بازرگانی آن‌ها ارزیابی شود ۳۴ دارای استانداردهای لازم نبودند و تنها ۱۰۰ دانشکده (۲۳٪) از سطح مطلوب استانداردها برخوردار بودند. به عبارت دیگر دوره کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی فقط در ۱۰۰ دانشکده در سطح نسبتاً رضایت‌بخش (یا بالاتر) ارزیابی شده و اعتبار علمی لازم را بدست آورده بودند. عوامل مورد نظر در این رتبه‌بندی شامل موارد ذیل بوده است:

- برنامه‌های درسی
- صلاحیت هیات علمی
- سازمان و تشکیلات
- تجهیزات و تسهیلات



• نحوه پذیرش دانشجو

براساس داده‌های حاصل از مشاهده هر یک از عوامل یاده شده، امتیاز هر دانشگاه تعیین می‌شود. این امتیاز که در دامنه ۰ تا ۵ قرار می‌گیرد، رتبه دانشگاه را مشخص می‌کند. طبقه‌بندی رتبه‌های دانشگاهی در گورمن در جدول زیر نشان داده شده است.

طبقه‌بندی دانشگاه‌ها برحسب امتیازات ارزیابی دانشگاه‌ها

طبقه دامنه عددی (امتیازات کسب کرده)

- بسیار قوی ۴/۹۹ - ۴/۵۱

- قوی ۴/۴۹ - ۴/۰۱

- خوب ۳/۶۱ - ۳/۹۹

- بیش از رضایت بخش ۳/۰۱ - ۳/۵۹

- رضایت بخش ۲/۵۱ - ۲/۹۹

- نسبتاً رضایت بخش ۲/۰۱ - ۲/۴۹

- غیررضایت بخش صفر (۰)

نهایتاً آنچه در مسیر تکامل و تکوین اعتباربخشی در امریکا مشاهده می‌گردد، حاکی از این است که دلایل بهبود نظام دانشگاهی در امریکا، دخالت دادن نظر ارزیابان در قضاوت در باره نظام‌های دانشگاهی و مراکز آموزش عالی، استفاده از نشانگرهای چندگانه و مشخص بودن مسوولیت‌های نهادهای ذیربط در امر ارزیابی است.



شایان ذکر است صاحب‌نظران در امر ارزیابی معتقدند ارزیابی ضامن تداوم دانشگاه است. بنجامین (۱۹۹۴) در مقاله خود تحت عنوان «از اعتباربخشی تا نظم‌بخشی» اظهار می‌دارد، اعضا دانشکده باید برای حفظ اعتباربخشی بجنگند و برای ارزشیابی کالج‌ها و دانشگاه‌ها پافشاری کنند. در صورتی که دانشگاه‌ها این کار را انجام ندهند، ایالات و حکومت‌های مرکزی تقریباً هر جزیی از آموزش عالی را خود به‌نظم درآورده و از علائم این دروسها تغییر در تعادل قدرت که شامل توسعه امتحانات مستقیم دولتی فارغ‌التحصیلان، تنظیم اعتباربخشی مرکزی، هدایت مرکزی، نظم‌بخشی ایالتی مؤسسات توسط خود آن‌ها و بالاخره تغییر شکل اعتباربخشی از خودارزیابی داوطلبانه به بررسی عملکرد بیرونی موسسه می‌باشد، است. روند تغییرات در فرآیند اجراء اعتباربخشی دانشگاهی در امریکا باعث مشکلاتی شده است، از جمله این‌که بنجامین در مقاله خود اشاره می‌کند. برخی از اعضاء هیات علمی معتقدند که ساختار اعتباربخشی به شکل خصومت‌آمیزی در خلاف جهت ارزش‌های دانشکده‌های مورد ارزیابی پیش می‌رود و ضروری است جهت کاهش و یا بازسازی قانون و کنترل منظم در این خصوص، تلاش‌هایی صورت گیرد. بنجامین در این مورد نیز معتقد است که دانشگاهیان باید در قانون‌گذاری به منظور پیش‌گیری یا محدود نمودن تجاوز مشارکت نمایند و نهایتاً اعتباربخشی باید کمتر یک مداخله بی‌جا باشد و بیشتر جهت نظم‌بخشی در دانشگاه‌ها توسعه یابد.

سیستم نمره دهی

نظام ارزیابی واقعی که بطور عمومی توسط مؤسسات آموزش تکمیلی (دانشگاهی) مورد استفاده

قرار می‌گیرد :



بسیاری از مؤسسات از نظام ارزیابی حروف شبیه به مورد فوق که در مدارس متوسطه استفاده می

شوند ، بهره میگیرند. سیستم حروف معمولاً بر اساس ارقام ۵ ، ۴ یا ۳ می باشد .

(عالی) : ۴/۵ ، A

(قبولی) : ۲ و C

(مردودی) : کمتر از یک یا ۱/۵ ، F

مورد دیگر نظام ارزیابی اصلی بکار رفته تحصیلات تکمیلی تحقیقاتی و پرو.ه ای (پایان نامه های

فوق لیسانس و دوره دکتری) ، دوره های عملی و پروژه ها یا نمایشهای هنرهای زیبا یا هنرهای نمایشی

اغلب از نمرات عددی یا نمرات حروفی استفاده نمی کنند بلکه ارزیابی بصورت ، Honors (ممتاز) ،

Pass (قبول) ، یا Fail (مردود) از طریق هیأت علمی ناظر صورت می پذیرد. در آمریکا ارزیابی آموزش

عالی سابقه ای طولانی داشته و دارای یک ساز و کار غیردولتی است. ساز و کاری که به طور ادواری در

باره کیفیت دانشگاهها قضاوت کرده و اساس بهبود نظامهای دانشگاهی رافراهم می آورد.

آموزش عالی فنی و حرفه ای

تفاوتی بین تحصیلات دانشگاهی و غیر دانشگاهی وجود ندارد . سطح تحصیلات بواسطه سطح

کیفی که در برنامه مشخص شده است تعیین می گردد تا نوع مؤسسه .

برنامه های آموزشی متناسب با تحصیلات غیر دانشگاهی فنی / فنی حرفه ای متوسطه تکمیلی ، شامل

برنامه های فنی و حرفه ای خواهد بود که در آخر دوره منتج به کسب دیپلم یا مدرک معادل لیسانس می

شود .



آموزش عالی از راه دور

آموزش از راه دور به انواع ابزار و وسیله ای برای ارائه آموزش به افرادی که ، موقعیت ، ساخت یا کارشان از محل دانشگاه دور می باشد، در نظر گرفته شده است .

این نوع آموزش به عنوان آموزش جداگانه در نظر گرفته نشده ، رشد سریعی در برنامه های آموزشی در تمامی سطوح ارائه شده از طریق رادیو، تلویزیون، ماهواره ، ویدئو، کامپیوتر و ابزار آلات دیگر وجود دارد. بسیاری از برنامه ها بصورت اعتباری ارائه شده و در نهایت منتج به کسب مدرک ، دیپلم می گردند و برنامه های دیگری برای مطالعات آزاد، استغدادی شخصی با کار مربوط به آموزش و تعلیم ویژه طراحی شده اند .

بسیاری از تمایزات فرصتهای آموزش و تعلیم که بطور رسمی سازماندهی نشده اند ، منتج به کسب مدرک نمی کردند و مفهوم آن کسب و منتج شدن به اعتبار قابل انتقال یا تشخیص حرفه ای و تخصص حرفه ای نیست. این آموزشها شامل دوره ها و برنامه هایی می باشند که از طریق کتابخانه ها، موزه ها ، پارکها و مراجع باز آفرینی ، کلپ ها و موارد دیگر ارائه می گردند . برخی از برنامه هایی که توسط کارفرمایان ارائه می شوند در برگیرنده تخصص رسمی نمی باشد ، برای مثال ، سمینارهای غیر رسمی و ارائه مقالات مربوط به موارد کار و تولیدات .



پژوهش و تحقیقات

تحقیقات آموزشی

مسئولیت اصلی تحقیقات به عهده دفتر تحقیق و پیشرفت آموزشی (DERI) است که با همکاری دیگر نهادها و ادارات امر تحقیق را هدایت می نمایند .

اهداف عمومی

- حمایت از پیشرفت آموزش امریکایی در چهارچوب برنامه تحقیقاتی توسعه
- دفتر تحقیقات (OR) مسئولیت تأمین مالی و هماهنگی پروژه های تحقیقی آموزش را به عهده دارد .
- دفتر برنامه ها و افزایش کاربری (OPIP) مسئولیت انتقال نتایج تحقیقات به معلمان ، مسئولین مدارس و هریک از افراد و سازمانها راجهت کار بست نتایج به عهده دارد.

روندهای جاری پژوهشی در حوزه آموزش

حمایت از برنامه های جهت پیشرفت در زمینه یاددهی و یادگیری و استفاده از:

- رشد فنی و حرفه ای معلمان
- در زمینه آموزش دوران اولیه کودکان
- در زمینه برنامه درسی و آموزشی
- پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی و دبیرستان



- آموزش کودکان در معرض خطر
- در زمینه سیاستگزاری و امور مالی در آموزش
- آموزش عالی
- آموزش در طول زندگی
- تکنولوژی آموزشی

آموزش غیر رسمی

مدارس خصوصی

طبق آمار سال ۱۹۹۶ تعداد دانش آموزان تمام وقت مدارس خصوصی تکمیلی متوسطه بر ۵/۸ میلیون

دانش آموز بالغ می گردد. از جمله مهمترین مدارس خصوصی آمریکا که به ارائه برنامه های آموزشی

همراستای مراکز آموزش دولتی مبادرت می نمایند میتوان از موارد ذیل نام برد:

- مدارس رومی کاتولیک ۳۵٪
- مدارس غیر وابسته ۱۸٪
- مدارس سایر مذاهب ۴۷٪



آموزش معلمان

آموزش معلمان ابتدایی

شرایط آموزش و کسب گواهی نامه معلمان ابتدایی (دبستان) و کودکانستان (مهد کودک) از طریق دولتهای ایالتی تعیین می گردد که نیاز به امتحانات ورودی قبل از ورود به آموزش معلم ارجحیت داشته و مجدداً آموزش معلمی از قبل از کسب گواهی نامه تکمیل نمایند .

در پنج ایالت امتحان برگزار نمی گردد و در دوازده ایالت تنها ارزیابی جزئی از مهارت ها به عمل می آید. در سی و هشت ایالت نیاز به تکمیل برنامه تحصیلات تعیین شده در سطح دوره لیسانس به منظور کسب گواهی نامه و تکمیل رضایت بخش دوره عملی می باشد .

تحصیلات دوره لیسانس باید در یک مؤسسه رسمی در ۴۷ الایت و در مؤسسه مورد تأیید ایالت در سه مرحله دیگر تکمیل گردد. اولین گواهی نامه آموزشی ، مدرک لیسانس همراه با کسب گواهی نامه می باشد . اغلب بیشتر ایالتها سطوح تکمیلی کسب گواهی نامه ای که مبنی بر تجربه و آموزش اضافی باشد را پیشنهاد می نمایند و بسیاری از معلمان در این سطح مدرک فوق لیسانس را دریافت می نمایند . تکمیل و تداوم آموزش حرفه ای به منظور حفظ گواهی نامه در ۴۲ ایالت ضروری و لازم می باشد .

آموزش معلمان متوسطه

شرایط آموزش و کسب گواهی نامه معلمان متوسطه از طریق هر ایالتی تعیین می گردد که نیاز و الزام به امتحانات ورودی قبل از ورود به آموزش معلم ارجحیت داشته و مجدداً آموزش معلمی را قبل از کسب گواهی نامه تکمیل نمایند .



دره ایالت الزام به امتحان وجود ندارد و در ۱۲ ایالت تنها ارزیابی جزئی از مهارتها به عمل می آید .
و ۱۹ ایالت الزام به یک دوره کارشناسی است که تمرکز اصلی اش بر روی رشته ای است که آموخته می
شود و در ۲۵ ایالت تمرکز جزئی بر روی آموزش و یا الگوی دیگری از دوره های مربوطه ضروری و لازم
می باشد. همچنین در ۳۸ ایالت تکمیل و اتمام موفقیت آمیز دوره نظارت عملی ضروری میباشد. تحصیلات
دوره لیسانس باید در یک مؤسسه رسمی در ۴۷ ایالت و در مؤسسه مورد تأیید ایالت در سه سطح دیگر
تکمیل گردیده شود .

اولین گواهی نامه آموزشی مدرک لیسانس همراه با کسب گواهی نامه و جواز می باشد . اغلب
ایالتها سطوح تکمیلی کسب گواهی نامه ای که مبنی بر تجربه و آموزش اضافی و بیشتر باشد را پیشنهاد
مینماید و بیشتر معلمان این دوره حداقل مدرک فوق لیسانس را دریافت می دارند. تکمیل و تداوم آموزش
حرفه ای در ۴۲ ایالت به منظور حفظ جواز و گواهی نامه ضروری و لازم می باشد .

آموزش معلمان استثنایی

معلمان آموزش ویژه در اغلب ایالتها تحت برنامه های ویژه و مشخص شده در سطح کارشناسی و سطح
کارشناسی ارشد آموزش داده می شوند و همچنین بطور جداگانه تأیید و آموزش داده می شوند .
۴۷ ایالت چنین معلمینی را مطابق با تخصص خاص و ویژه ای که آنها کسب و تجربه کرده اند برای
مثال آموزش ناشنوایان ، آموزش نابینایان و آموزش معلولینی که برای کار و حرکت آموزش داده می شوند ،
تأیید و تصدیق مینماید. در حالیکه حداقل نیاز و شرط آکادمیک مدرک کارشناسی در ارتباط با آموزش ویژه
یا رشته ای مربوط به آن (مانند روانشناسی پرورشی) میباشد ، هدف چنین تصرف و دارائی معلم مدرک فوق
لیسانس می باشد. پرسنل ویژه آموزش ندیده باید در اغلب ایالت های آمریکا تأیید کردند؛ این استثنائات شامل



مدیران مدرسه، رؤسای مدرسه (مشاوران)، پرسنل بهداشت مدرسه (روانشناسان، پرستاران)، کتابداران مدرسه و موارد دیگر میباشد. در بیشتر این رده بندیهای حرفه ای مدرک فوق لیسانس یا بالاتر برای اولین گواهی ضروری و لازم می باشد. مدیران مدرسه، بویژه مدیران (ناظران) و ناظران معمولاً به کسب گواهی نامه معلمی ملزم می گردند.

آموزش اساتید دانشگاهی

قانون ایالت با در نظر گرفتن شرایط هیأت علمی در آموزش متوسطه تکمیلی متفاوت می باشد

مسئولیت تعیین و مشخص کردن استانداردها و شرایط مراتب هیأت علمی و استخدام و تشویق و ارتقاء هیأت علمی بر عهده مؤسسه خاص و هیأت علمی، اداره یا مدرسه درون یک مؤسسه می باشد.

شرایطی که مؤسسات تعیین می نمایند، مطابق با سطحی که هیأت علمی جهت آموزش تعیین شده اند و مطابق با موضوع رشته آموزش داده شده، خواه تحقیق و پژوهش اعمال شده باشد یا نشده باشد، خواه گواهی نامه حرفه ای یا صلاحیت مورد نیاز باشد یا نباشد و خواه طول دوره تمام وقت یا نیمه وقت باشد یا نباشد، ممکن است متفاوت باشد. همچنین مؤسسات رسمی از هرگونه استانداردهای هیأت علمی که از طریق مؤسسه رسمی منطقه ای تعیین شده باشند پیروی می نمایند چرا که آنها ملزم و مطیع هر گونه استانداری از جانب انجمن می باشند که برنامه های یک رشته خاص ویژه را تأیید و تصدیق می نماید. هیأت علمی آموزش دانشگاهی بطور کلی و همگانی برای کسب تخصصهای لازم و شرایط و صلاحیتهای آموزش، اجراء تحقیق و پژوهش و مشاور در رشته حرفه ای خاص خودشان، پیش بینی شده اند.



مدرک مورد نیاز جهت تدریس در سطوح مختلف آموزشی

- پیش دبستانی: حداقل مدرک کاردانی
- سطح اول: حداقل مدرک کارشناسی و در بیشتر موارد گذراندن در یک یا در سال برنامه های آموزشی برای شغل معلمی
- سطح دوم: حداقل مدرک کارشناسی و در بیشتر موارد گذراندن در یک یا در سال برنامه های آموزشی برای شغل معلمی
- سطح سوم: مقطع دکتری

حقوق و مزایای معلمین

نسبت دریافتی حقوق

طبق آمار سال ۱۹۹۵، برای معلمان مدارس دولتی میانگین حقوق سالانه در حدود ۳۷۴۰۰ دلار است.
طبق آمار سال ۱۹۹۲، برای کلیه معلمان از سطح پیش دبستانی تا دبیرستان و مدارس دولتی و خصوصی با مدرک لیسانس میانگین حقوق دریافتی سالانه در حدود ۳۸۵۰۰ دلار است.

نسبت افزایش حقوق

حقوق معلمان معمولاً بر اساس آموزش و تجربه افزایش پیدا می یابد. علاوه بر این از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۹۵ حدود ۲۰ درصد و برای معلمان تازه کار با توجه به تورم، از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۹۵ حدود ۲۴ درصد افزایش حقوق مد نظر قرار گرفته است.



مدت زمان تدریس به تفکیک دوره

- ابتدایی : ۳۳ ساعت + ۱۲ ساعت کار فوق العاده قبل یا بعد از مدرسه
- مقدماتی متوسطه : ۳۳ ساعت + ۱۲ ساعت کار فوق العاده قبل یا بعد از مدرسه
- تکمیلی متوسطه : ۳۳ ساعت + ۱۲ ساعت کار فوق العاده قبل یا بعد از مدرسه

آموزش ضمن خدمت

در بسیاری از مناطق مراکز آموزش ضمن خدمت تأسیس شده است که این مراکز به عنوان کتابخانه مرجع ، مرکز دیداری شنیداری کارگاهی برای توسعه مواد آموزشی و محلی برای سمینارها و سخنرانی ها به شمار می آید .

بسیاری از مناطق محلی معلمان را تشویق می کنند که به دلایل زیر در دوره های آموزش ضمن

خدمت شرکت نمایند :

- نیاز داشتن به دوره های جدید قبل از تجدید قرارداد
- تخفیف گرفتن در شهریه دانشگاهها برای ادامه تحصیل
- افزایش حقوق در قبایل کسب درجات بالاتر و شرکت در دوره های آموزشی
- رهایی از مسئولیتهای کلاس داری و تأمین هزینه های سفر برای حضور در جلسات تخصصی
- تصویب دوره های مطالعاتی
- قانونمند شدن وقت آزاد در طی روز



گذرانیدن دوره های آموزش ضمن خدمت، دربرخی موارد افراد دارای لیسانس هستند

گذرانیدن دوره یک یا دو ساله می تواند به مدرک فوق لیسانس منجر شود .

آموزش استثنایی

ساختار آموزشی

آموزش استثنایی

در سال ۹۷۵ میلادی کنگره آمریکا قانون ((آموزش برای کلیه کودکان معلول)) راتصویب کرد

(۱۱۴۲ - P.L.۹۴) . این قانون مدارس دولتی را موظف کرد که خدمات آموزشی خاصی را برای

کلیه کودکانی که از ناتوانیهای آموزشی ، عاطفی ناتوانیهای مربوط به رشد و ناتوانیهای فیزیکی تعریف

کرده و ارائه کنند (singer , palfrey , Butler and walker ۱۹۸۹) . این قانون در ۱۹۹۰

میلادی اصلاح شد و از آن زمان تاکنون به عنوان قانون آموزش کودکان ناتوان (Disabilities

Education Act) و یا IDEA شناخته شده است . (Kauffman and smucker ۱۹۹۵) طبق

آمار سال ۱۹۹۷، بالغ بر ۴/۴ میلیون کودک مواجه با معلولیت‌های جسمانی و ذهنی در مراکز آموزش استثنایی

ثبت نام نمودند. این در حالیست که از ۹۵ درصد از کودکان استثنایی در مدارس عمومی ثبت نام به عمل

آمد.

این قانون ارائه آموزش دولتی رایگان و مناسب برای کلیه کودکان معلول بین سنین سه تا ۲۱ سالگی

را الزامی می کند و برای ایالتها بودجه ای در این خصوص در نظر می گیرد که مکمل قانون می باشد .

بودجه ها برای هر سیستم آموزشی و هر دانش آموزی که در یک برنامه آموزشی خاصی نامنویسی کرده



باشد در نظر گرفته شده است تا جایی که سقف تعداد این دانش آموزان حداکثر تا ۱۲ درصد کل جمعیت

دانش آموزی کشور را شامل شود و برای بیشتر از آن بودجه ای در نظر گرفته نشده است .

اصول این قانون تضمین می کند که :

- هیچ کودکی از آموزش محروم نخواهد ماند .
- برنامه ها به مبنای نیازهای افراد طراحی خواهند شد .
- کودکان در محیطی قرار خواهند گرفت که کمترین محدودیت برای آنها وجود داشته باشد به گونه ای که بتوانند به شکل مناسب نیازهای خود را برآورده سازند .
- والدین در تصمیم گیریهای مربوط به تعیین سطح دانش آموزان خود مشارکت داشته باشند

(۱۹۸۶ , Herweck and meihis , mehan) .

برای تکمیل گزارش موارد مورد احتیاج جهت دولت فدرال و پرداخت بودجه مورد نیاز ، ایالتها و

مدارس مناطق مختلف موظف شدند که دانش آموزانی که احتیاجات ویژه ای داشتند را طبقه بندی کنند .

این طبقه بندی اگرچه در مناطق مختلف متفاوت بود اما در کل طبق هفت شرط که در قانون - ۹۴.PL

۱۴۲ ذکر شده بود انجام گرفت . آن هفت شرط عبارت بودند از : اختلال در صحبت کردن ، ناتوانی در

یادگیری ، اختلال عاطفی ، کند ذهنی ، اختلال در شنوایی ، مشکل در بینایی و در نهایت ضایعات پزشکی

یا ارتوپدی .

این طبقه بندی در تعیین سطح دانش آموزان و خدماتی که برای آنها در نظر گرفته می شد بسیار تعیین

کننده بود به طور مثال دانش آموزانی که در یادگیری ناتوان باشند به طور معمول در کلاسهای معمولی

جای داده می شوند و اغلب کلاس را برای یک دوره خاص ترک می کردند . در حالی که کودکانی که



اختلال عاطفی داشته و یا کند ذهن باشند معمولا در کلاسها و یا مدارس جداگانه قرار می‌گیرند (SINGER ET AL ۱۹۸۹).

ارزیابی به وسیله یک تیم چند رشته‌ای صورت گرفته است. این تیم باید صداقت یک معلم و یا متخصص که در زمینه آن ناتوانی خاص اطلاعات دارد را در خود داشته باشد. پس از تفسیر داده‌های ارزیابی‌کننده و تشخیص کودک به عنوان معلول، تیم یک برنامه آموزشی فردی را طراحی می‌کند. (IEP) این برنامه سطح فعلی عملکرد آموزشی دانش‌آموزان را در خود دارد و در برگیرنده اهداف آموزشی کوتاه مدت و بلند مدت است. همچنین این برنامه رشد دانش‌آموز را سنجیده و نوع و مدت خدماتی که دانش‌آموز آن را دریافت خواهد کرد را در خود دارد. این برنامه‌های آموزشی فردی و میزان رشد دانش‌آموز حداقل سالی یکبار مورد بازنگری قرار می‌گیرند تا در صورت لزوم اطلاعاتی در آن صورت گیرد.

قانون ۱۴۲ - ۹۴ pl. (mehan et al ۱۹۸۶). تدابیر لازم را در خصوص مسئولیتها و حقوق والدین تصریح می‌کند. رشد و توسعه سیاست آموزشی نیاز به مشارکت والدین دارد و والدین و سرپرستان کودک باید در صورت ایجاد هر نوع تغییر در شیوه ارزیابی و یا تعیین سطح آموزش کودکان خود به صورت کتبی در جریان امر قرار گیرند. اگر در خصوص تعیین سطح شیوه برنامه فردی کودک معلول بین والدین و مدرسه توافق حاصل نشود در این صورت باید در یک جلسه بدون پیش‌داوری به حرفهای همدیگر گوش فرا دهند. برای آماده شدن جهت این مسئله والدین باید به کلیه مدارک و اطلاعات ارزیابی ثبت شده موجود در مدرسه که متعلق به دانش‌آموز آنها است دسترسی داشته باشند (mehan et al ۱۹۸۶).



در سطح ابتدایی اکثر دانش‌آموزانی که نیاز به آموزش ویژه دارند خدمات آموزشی که برای آنها در نظر گرفته شده است را در همان کلاسهای معمولی دریافت می‌دارند به این معنی که آنها به هنگام آموزش ویژه کلاسهای عادی خود را ترک می‌کنند و به همراه گروه کوچکی متشکل از سایر دانش‌آموزان به کلاسهای خاصی رفته و آموزش می‌بینند و پس از آن به کلاسهای عادی خود باز می‌گردند. آمارهای ملی که توسط مرکز ملی آمارهای آموزشی در سال تحصیلی ۴-۱۹۹۳ تهیه شده است نشان می‌دهد که دانش‌آموزان به درصدهای زیر در برنامه‌ها و یا خدمات خاص و تقویتی شرکت کردند: ۰۷ و ۳ در آموزش دو زبانه، ۳/۹۷ در آموزش انگلیسی به عنوان زبان دوم و ۱۰/۸۸ در مطالعه تقویتی ۶/۹۰ در آموزش تقویتی ریاضی و ۶/۸۸ در برنامه‌های معلولین.

در ایالات متحده این روند وجود دارد که دانش‌آموزانی را که معلولیت شدید دارند را تا حداکثر ممکن در کلاسهای معمولی جای دهند. به هر حال در این زمینه ما شاهد اقدامات مختلفی بودیم که مبتنی بود بر سیاستهای هیئت رئیسه مدارس.

دانش‌آموزانی که نیاز به آموزش خاص داشتند به طور معمول برای یک ساعت زمانی مشخص از مدارس بیرون کشیده می‌شدند و این دانش‌آموزان به طور عمده در کلاسهای معمولی حضور داشتند و یا آنکه در کلاسهای آموزشی مستقل خودشان حضور می‌یافتند. در یک مدرسه ابتدایی کودکانی که ناتوانیهای شدید داشتند به طور عمده در کلاسهای معمولی آموزش می‌دیدند در حالی که در یک مدرسه دیگر چنین دانش‌آموزانی بخش عمده وقتشان را در کلاسهای جداگانه سپری می‌کردند.

حضور دانش‌آموزانی که از ناتوانیهای شدید رنج می‌بردند در کلاسهای عادی منبع بسیاری از اختلاف نظرها و مشاجرات در مدارس بوده است. در مدرسه park مدیریت معتقد بود که حضور این



کودکان در کلاسهای معمولی مطلوب است اما معلمانی که در این مدرسه مورد مصاحبه قرار گرفتند معتقد بودند که این کار مؤثر و نتیجه بخش نبوده است. یکی از این معلمان تجربه خود را به این صورت نقل می‌کند:

در کلاس من ۲۸ دانش‌آموز حضور داشتند من چه کار باید می‌کردم آیا برای ۳ یا ۴ دانش‌آموز ناتوان باید بقیه دانش‌آموزان قربانی می‌شدند. در این وضعیت هیچ برنده‌ای وجود نداشت. والدین دانش‌آموزان مدرسه ابتدایی پارک نیز از سرخوردگی معلمان مدرسه نسبت به حضور دانش‌آموزانی که ناتوانی شدید داشتند در کلاسهای عادی، آگاه بودند. پدر یکی از دانش‌آموزان که کودک او در کلاسهای عادی حضور داشت نگران بود که کودکش به خاطر این موضوع نتواند آموزش کافی ببیند او گفت:

بسیاری از افراد از حضور دانش‌آموزانی که از برخی ناتوانایی‌ها رنج می‌برند در کلاسهای عادی، ناخشنودند. شاید بسیاری از مجریان آموزش اینگونه فکر نکنند. من فکر نمی‌کنم که آنها واقعا آگاه باشند که در خصوص آموزش ویژه کودکان ناتوان چه باید بکنند و این امر آنها را از آنچه سعی می‌کنند انجام دهند باز می‌دارد. در برخی مناطق مدارس برنامه‌ای را پذیرفتند که این حضور به صورت عکس انجام می‌گرفت به این معنی که دانش‌آموزان عادی که نیازی به آموزش خاص نداشتند در برخی ساعات و در دوره‌های زمانی خاص به کلاسهای دانش‌آموزانی که نیاز به آموزش ویژه داشتند و از برخی ناتوانی‌ها رنج می‌بردند آورده می‌شدند. فایده این عمل بنا به گفته برخی از معلمین که با آموزش کودکان ناتوان سرو کار داشتند آن است که این کار به دانش‌آموزانی که از ناتوانی شدید رنج می‌برند اجازه می‌دهد که در محیطی که با آن مانوس تر هستند و در آن احساس راحتی و آرامش می‌کنند حضور یابند.



از طرف دیگر در مدرسه راکفلر این تدبیر اندیشیده شد که دانش‌آموزانی که از ناتوانی رنج می‌بردند در کلاسهای عادی حضور داشته باشند. در این اقدام معلم کلاسهای عادی هیچ بار و مسئولیت اضافی در قبال دانش‌آموزان ناتوان به دوش نداشت. اما معلمان ویژه ای برای آموزش این کودکان که تعداد کمی بودند اختصاص داده شده بود که به آنها آموزش می‌دادند. این معلمان ویژه کلیه وقت خود را با دانش‌آموزانی که معلولیت شدید داشتند سر می‌کردند و این دانش‌آموزان در کلاسهای عادی نیز حضور داشتند. یکی از مشکلات حضور دانش‌آموزان ناتوان در کلاسهای معمولی که بدان اشاره شده است این موضوع است که حضور در کلاسهای عادی دانش‌آموزانی را که از ناتوانیهای شدید رنج می‌برند در یک محیط نا آشنا وارد می‌کند. در مورد ناتوانی‌هایی که در یادگیری وجود داشت منابع ارشد مالی مدارس که در مناطق مرفه واقع بودند خدمات آموزشی تقویتی را در مقیاس آماده و ارائه کردند که برای مدرسی که در مناطق کم درآمد واقع بودند این مسئله غیر قابل تصور بود. در مدرسه راهنمایی و اندر بیت به طور مثال حتی دانش‌آموزانی که بر مبنای آزمونهای سراسری در سطوح متوسط قرار داشتند نیز برای برنامه‌های تقویتی انتخاب می‌شدند زیرا آنها به طور نسبی از تیپ نوعی یک دانش‌آموز در واندربیت نمره پایین تری کسب کرده بودند. یکی از معلمان در این خصوص می‌گوید:

در صد بالایی از دانش‌آموزان ما در این مدرسه از آموزش ویژه برخوردار هستند. در کلاسهای پنجم و هفتم بیش از ۲۵٪ کودکان آموزش ویژه می‌بینند.

فواید این مسئله که دانش‌آموز به عنوان دانش‌آموزی طبقه بندی شود که باید آموزشهای تقویتی ببیند یا خیر، برخی‌ها ملموس و برخی‌ها نا ملموس هستند. فایده ملموس این امر عبارت است از برخورداری از



تعلیم خصوصی و ارتباط پیوسته و بیشتر با معلمین . فواید کمتر ملموس این امر عبارت است از کمتر شدن فشار بر روی عملکرد دانش‌آموز در یک محیط بسیار رقابتی .

بکی (Becky) که یکی از دانش‌آموزان مدرسه راهنمایی واندربیت است در برنامه ای به نام ((مهارتهای مطالعاتی منبع)) حضور داشت . این برنامه به او اجازه می داد که در روز یک بار در خصوص موضوعات درسی اش کمک بخواهد . او در ریاضیات مشکلی نداشت در نتیجه به طور طبیعی در درس ریاضیات به کمک نیاز نداشت اما در مطالعات اجتماعی و املاء به کمک نیاز داشت . وضعیت بکی در علوم تجربی نیز خوب بود . به طور خلاصه بکی دانش‌آموز متوسطی بود که احتمالاً در سایر مناطق از دانش‌آموزانی محسوب نمی شد که واجد شرایط شرکت در کلاسهای تقویتی باشند.

یک معلم ریاضی در منطقه رولینگ هیلز (Rolling Hills) گفت که مدرسه به دانش‌آموزانی با شرایط هوشی بسیار بالا گرایش دارد و این امر وضعیتی را پدید آورده است که در آن دانش‌آموزان متوسط به عنوان دانش‌آموزانی که نیاز به آموزش ویژه و یا آموزش تقویتی دارند تعریف می شوند . او می گوید ((من فکر می کنم بسیاری از دانش‌آموزان چون نمرات پایین آورده بودند از آنها آزمون به عمل آمد . در حالی که مشخص شد آنها واقعا در سطح متوسط ضریب هوشی قرار داشتند . اما در رولینگ هیلز (Rolling Hills) آنها در سطح پایین تر از متوسط قرار گرفته بودند.))

در هر حال الگوی بالا ممکن است بیش از اینها شیوع داشته باشد . مدیر برنامه ویژه آموزشی در دبیرستان همیلتون گزارش داد که دبیرستان کمی به سمت الگویی که در آن دانش‌آموزان سطح متوسط ، سطح پایین محسوب می شوند جهت گرفته است زیرا این دبیرستان منابع برخورداری از چنین وضعیتی را



دارا می‌باشد. طبق گفته او تعداد دانش‌آموزانی که در دبیرستان همیلتون از اینگونه خدمات و کلاسهای تقویتی بهره می‌برند ممکن است از سطح مورد انتظار در کل جمعیت آن فراتر برود.

یکی از معلمین واندربیلت (vander bilt) گفت که در این منطقه والدین اغلب با قرار داده شدن بچه‌هایشان در کلاسهای تقویتی احساس راحتی می‌کنند زیرا این کار بار مسئولیت شخصی را از دوش کودکانی که در این محیط بسیار رقابتی عملکرد ضعیفی دارد می‌گیرد.

برخلاف مدارس که در مناطق مرفه قرار داشتند در مناطق فقیر نشین مربیان اشاره کردند که گرایش به سمت دانش‌آموزانی با ضریب هوشی پایین‌تر وجود داشت به این معنی که منابع و خدمات آموزشهای ویژه و آموزش تقویتی صرفاً پاسخگوی نیازمندترین دانش‌آموزان بود و دانش‌آموزان با ضریب هوشی پایین‌تر واجد شرایط استفاده از این امکانات بودند.

یکی از معلمان آموزش ویژه در این خصوص گفت که بسیاری از دانش‌آموزانی که نیاز به آموزش ویژه داشتند هنوز شناسایی قرار نگرفتند و باید مورد شناسایی قرار گیرند. یک معلم کلاس چهارم اشاره کرد که حداقل ۸ نفر از ۳۰ دانش‌آموز او نیاز به کلاسهای تقویتی هندسه دارند. او همچنان گفت که حداقل سه نفر از این ۸ نفر باید آزمون ناتوانی یادگیری از آنها به عمل آید. در واقع فقط از یک نفر از این دانش‌آموزان آزمون به عمل آمد و اکنون خدمات و کلاسهای تقویتی هندسه را می‌گذرانند.

علاوه بر این بسیاری از معلمین بر این باور بودند که تعداد دانش‌آموزانی که نیاز به کلاسهای تقویتی و آموزش ویژه دارند در بسیاری از اجتماعات رو به افزایش است. یک معلم خاطر نشان کرد که بسیاری از دانش‌آموزان نیازمند به آموزشهای ویژه در مناطق فقیر نشین شهرها از مادرانی متولد شدند که در دوره بارداری مواد مخدر مصرف می‌کردند در مواردی که مادران از مواد مخدر استفاده می‌کردند تعداد



کودکانی که از ناتوانائی های جدی تری رنج می بردند از نسل قبل بیشتر بود. همچنین در مناطق حاشیه شهری ای که ساکنان آن را طبقه متوسط تشکیل می دادند افزایش تعداد دانش آموزانی که مشکلاتی داشتند با تعداد زنانی که در حملشان با مشکل تولد دیر رس مواجه بودند نسبت داشت .

فرایند تشخیص دانش آموزانی که به خدمات آموزشی ویژه دارند مسئله پیچیده ای است . یک معلم کلاس چهارم که در این کلاسهای ویژه تدریس می کرد می گوید که معیارهای گزینش دانش آموزانی که نیاز به آموزش ویژه و تقویتی دارند هر ساله با تغییر مدیریت مدارس تغییر می کند . طبق نظر این معلم در چهار یا پنج سال گذشته دانش آموزان به میزان لازم به شرکت در این کلاسهای تقویتی اختصاص داده نشدند . در طول این دوره یک هیئت متشکل از معلمین انتخاب شدند تا کلیه موارد را مورد بررسی قرار دهند .

بنا به نظر این معلم معلم کلاس چهارم دوره های عادی بود کودکان بسیاری وجود داشتند که احساس می کرد باید به عنوان دانش آموزانی که در یادگیری ناتوانی دارند محسوب شوند و در کلاسهای آموزشی ویژه جای گیرند . این موارد نشان دهنده آن است که چگونه خط و مشی های کلان بر گروهی که واجد آموزشهای ویژه هستند تاثیر گذار است و نیز گستره و نوع آموزشی که این افراد باید دریافت دارند را معین می کند .

به طور خلاصه جای دادن دانش آموزان در گروههایی که نیاز به آموزش ویژه دارند به مناطق فقیر محدود نبوده است و گستره وسیعی را شامل می شده است . ما به هر حال در مناطق فقیر نشین شهرها اینگونه خدمات آموزشی تقویتی و ویژه به صورت محدودتری وجود داشته است . علاوه بر این معیارهای اینکه کدام یک از دانش آموزان به چنین آموزشهایی نیاز دارند در مناطق گوناگون بسیار متفاوت بود . به



طور عام در مناطق فقیر نشین این گرایش وجود داشت که دانش‌آموزانی با ضریب هوشی پایین‌تر و ضعیف‌تر به عنوان دانش‌آموزانی محسوب شوند که به این نوع آموزشها نیاز دارند در حالی که در مناطق مرفه‌گرایش عمده آن بود که دانش‌آموزان با ضریب هوشی بالاتر و در سطح متوسط نیز به عنوان دانش‌آموزانی محسوب شوند که به چنین آموزشهایی نیازمندند. این امر تا حدی با منابع مالی ای‌کهرای حمایت از این خدمات آموزشی در دسترس بود ارتباط داشت. عامل دیگر عبارت بود از مقاومت مدیران و هیئت‌مدیره مدارس مناطق فقیر نشین که مخالف اعمال محدودیت روی فرصتهای یادگیری دانش‌آموزان بودند.

آموزش کودکان تیزهوش

بیست سال قبل برای دانش‌آموزان تیزهوش و با استعداد برنامه‌های کمی وجود داشت. در سال ۱۹۹۰، ۳۸ ایالت به بیش از دو میلیون دانش‌آموز تیزهوش خدمات می‌دادند که از دانش‌آموزان مهدکودک تا دبیرستان را شامل می‌شد. ۲۶ ایالت مدارس را موظف به ارائه خدمات و برنامه‌های آموزشی برای کودکان تیزهوش کردند و ۲۷ ایالت قوانینی را گذراندند که مناطق را به ارائه چنین امکاناتی ترغیب می‌کرد. تنها ۶ ایالت فاقد چنین قوانینی بودند. به هر حال میزان دانش‌آموزانی که به عنوان دانش‌آموزان تیزهوش شناخته می‌شدند بنا بر اختلافاتی که در قوانین و فعالیتهای ایالتها وجود داشت تفاوت می‌کرد. به طور مثال در چهار ایالت بیش از ۱۰٪ دانش‌آموزان به عنوان دانش‌آموزان تیزهوش محسوب شدند و در ۲۱ ایالت این مقدار کمتر از ۵٪ بود. طبق اطلاعات NELS در سال ۱۹۸۹ میلادی ۶۵٪ مدارس دولتی فرصتهایی را برای دانش‌آموزان تیزهوش و با استعداد فراهم کردند و تقریباً ۹٪ کلیه دانش‌آموزان مقطع دبیرستان در برنامه‌های آموزشی مختص به کودکان تیزهوش و با استعداد شرکت کرده بودند (USDE ۱۹۹۳).



دو رویکرد بسیار شایع در خصوص دانش‌آموزان تیزهوش عبارت است از رویکرد غنی‌سازی و رویکرد تسریع. غنی‌سازی نوعاً به این معنی است که تمارین آموزشی متنوع‌تری در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد. برنامه‌های غنی‌سازی ممکن است شامل تمارین پس از کلاس و یا کلاسهای روزهای تعطیل شود که علاوه بر کلاسهای معمولی برای این دسته از دانش‌آموزان تشکیل می‌شود. همچنین در این رویکرد ممکن است کلوبهای خاصی تشکیل شود که علائق خاص این دسته از دانش‌آموزان در آن مورد توجه قرار گیرد (Colongelo and Davis ۱۹۹۱)

رویکرد تسریع معمولاً عبارت است از ورود زودهنگام به دوره‌های آموزشی از مهدکودک گرفته تا دانشکده، جهش و یا گذراندن برنامه‌های جهشی نیمه‌وقت که در آن دانش‌آموز در یک یا دو زمینه در روز آموزشهای پیشرفته می‌بیند. در مدارس مورد مطالعه همگی دارای برنامه‌های خاصی برای کودکان تیزهوش نبودند. اما به هر حال برنامه‌هایی که در این خصوص وجود داشت مبتنی بود بر اولویتهای مدارس محلی مناطق. این برنامه‌ها طبق نظر مدیر مدرسه و یا هیئت مدیره طراحی و انجام می‌شد. اکثر معلمان و والدین معتقد بودند که دانش‌آموزان تیزهوش باید از طریق برنامه‌های ویژه برای توسعه نبوغ خود مورد ترغیب قرار گیرند. در میان برنامه‌های معدودی که برای این دانش‌آموزان وجود داشت می‌توان از برنامه‌های مدرسه ابتدایی راکفلر نام برد. در مدرسه ابتدایی راکفلر برنامه‌های آموزشی ویژه کودکان تیزهوش از کلاس چهارم آغاز می‌شد. دانش‌آموزان تیزهوش برای دریافت آموزش ویژه در مسائل درسی از جمله هندسه و قرائت از کلاسهای عادی خود بیرون کشیده می‌شدند. به همین نحو در مدرسه راهنمایی واندربیلت کلاسهای آموزشی ویژه برای کودکان تیزهوش از کلاس چهارم آغاز می‌شد.



از دانش‌آموزان در کلاس سوم آزمونی به عمل می‌آمد و بنا به گفته معلم ریاضیات در مدرسه واندربیلت ۹۰٪ معیارها برای پذیرش به عنوان دانش‌آموز تیزهوش مبتنی بر سنجش‌های عینی بود. بنا به اعتقاد معلم ریاضیات مدرسه رولینگ هیلز تاکید روی معیارهای عینی ضروری بود زیرا بسیاری از والدین در منطقه رولینگ هیلز سعی می‌کردند مدرسه را ترغیب کنند که فرزندشان را در این برنامه‌های ویژه جای دهد.

مادر یکی از دانش‌آموزان مدرسه واندربیلت توضیح می‌دهد که چرا برای پذیرش دانش‌آموزان در این برنامه‌های خاص باید روی نمرات آزمون تاکید می‌شد: همیشه والدینی وجود دارند که احساس می‌کنند کودکان نیاز دارد در برنامه توسعه یافته (برنامه تیزهوشان) درس ریاضی شرکت کند. اگرچه آنها در این خصوص کمترین آشنایی‌ای با معیارهای ارزیابی دانش‌آموز ندارند. من می‌دانم که والدین اینچنین با مدیر مدرسه ملاقات کردند و نمرات بچه‌هایشان را بیشتر کرده‌اند تا بچه‌هایشان در برنامه‌های کودکان تیزهوش شرکت کنند. هر یک از ما خواهان آن است که کودکش را غنی سازد.

دانش‌آموزان کلاس ششم منطقه رولینگ هیلز امتحانی را می‌گذراندند که موفقیت درسی در کلاسهای جبر را پیش‌بینی می‌کرد. دانش‌آموزانی که از یک حد معینی نمره بالاتری می‌آوردند از آنها خواسته می‌شد که برنامه ویژه کودکان تیزهوش را در کلاس ششم بگذرانند.

اگرچه برای دانش‌آموزان بسیار موفق کلاس‌هایی وجود داشته‌اند اما برنامه‌های کودکان تیزهوش در ریاضیات و علوم تجربی در مدارس راهنمایی و ابتدایی متوسط و یا کمتر از حد متوسط محدود بوده و اصلاً وجود نداشت. برخی مدارس هیچ‌گونه برنامه‌ای برای کودکان تیزهوش نداشتند. مریبان اشاره کردند که این برنامه‌های منابع مالی را از سمت برگزاری کلاسهای جبرانی مورد نیاز در این مدارس



منحرف می کرد . نبود برنامه های ویژه تیزهوشان در بسیاری از مدارس این تصور را تقویت می کند که دانش آموزان تیزهوش از سوی مدارس مورد غفلت قرار گرفته اند . یک معلم در مدرسه راهنمایی وست (west) گفت : من فکر می کنم که در نظام آموزشی آمریکا به دانش آموزان بسیار تیزهوش بی وفایی شده است . سایر معلمان ، والدین و مدیران مدارس نیز در این دیدگاه سهیم بودند.

تقسیم بندی کودکان استثنایی

کودکان استثنایی به هفت گروه به شرح ذیل تقسیم می گردند:

- اختلال گفتاری
- ناتوانی یادگیری
- اختلال عاطفی
- عقب ماندگی ذهنی
- اختلال شنوایی
- آسیب دیدگی استخوانی
- آسیب دیدگی پزشکی

اهداف آموزشی

- فراهم نمودن امکانات آموزشی برای کودکان استثنایی با هر یک از معلولیتهای خاص
- آموزش توأم این کودکان در کنار کودکان معمولی

سیاستهای آموزشی



از جمله مهمترین سیاستهای آموزش استثنایی میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

- آموزش کودکان استثنایی بدون جداسازی از کودکان معمولی
- کودکانی که به دلیل معلولیت‌های مختلف نمیتوانند در مدارس عادی حضور یابند در بیمارستانها و منازل و یا در مؤسسات عمومی و خصوصی بدون پرداخت هزینه از سوی والدین تحت مراقبت قرار بگیرند .

آموزش زنان

اصرار و پافشاری در زمینه ثبت نام دختران در مدارس قبل از دهه ۱۹۹۰ شروع شد، اما فراوان جومتین برای آموزش جهانی ملتها را شدیداً از اختلاف بین میزان ثبت نام دختران و پسران آگاه ساخت. هم چنین وی نقش اساسی که دختران در روند اجتماعی و اقتصادی ایفای کنند و به تبع آن نیاز اساسی بران آموزش آنها در این زمینه را خاطر نشان ساخت. در سال ۱۹۹۰ تخمین زده شده است که نزدیک به دو سوم ۱۳۰، میلیون کودکی که در کشورهای در حال توسعه به آموزش دسترسی ندارند دختر هستند. ایالات متحده آمریکا، ملتها و آژانس‌های سرمایه گذاری را برای توجه به موضوع آموزش دختران در دستور العمل‌های سیاسی دولت‌های جهان فراخواند. در همین زمان ما در امر آموزش و پرورش ایالات متحده به شدت از سرمایه گذاری آمریکا در جهت اختصاص بودجه‌هایی برای کمک به آموزش کشورهای خارجی حمایت کردند. این سازمان‌ها مرتباً به منافع اقتصادی تأکید می‌کردند که باید برای آموزش دختران و زنان در اختیار ملتها دیگر قرار گیرد پروژه ABEL در طول دهه ۱۹۹۰ توجه ویژه‌ای به امر آموزش دختران داشت کارمندان این پروژه، فرهنگستان توسعه آموزشی و مرکز توسعه آموزشی دست در دست هم



در زمینه آموزش اقلیت‌ها آموزگاران و جوامع جهانی مشغول به کار شدند. هدف از این کار تحقیق در مورد محیط آموزش دختران، استناد به یافته‌های حاصل از تحقیق، تولید و اشاعه انتشارات و اجرای برنامه‌هایی که هدف آن‌ها آموزش همه کودکان بالاخص آموزش برای دختران بود پروژه ABEL در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و جزایر کارائیب با برنامه‌های بیشتری دنبال شد هدف این برنامه‌ها در جهت آموزش و پیشبرد سواد آموزی همه کودکان بود برنامه‌های معرف نوآوری‌های از قبیل آموزش آموزگاران و جوامع با توجه به جنسیت فرد، انعطاف پذیری تصمیم‌های درس مدارس بر سازگاری با مسئولیت‌های خانگی و دختران بودند. پسرها نیز از این برنامه سود می‌بردند چرا که وقتی در کلاس درس همه بچه‌ها شرکت می‌کردند والدین نیز اولویت و برتری را به همه کودکان خود (چه دختر و چه پسر) می‌دادند.

آموزش شغلی

رابط بین نژاد و درجه بندی دانش آموزان در الگوهای درجه بندی دانش آموزان در سطح دبیرستان کاملاً آشکار است. درجه بندی در دبیرستان بر آماده شدن برای کار و یا دانشکده تاکید دارد و در بیشتر مدارس که ما از آن بازدید کردیم اقلیتهای نژادی به طور بی تناسبی در برنامه های شغلی شرکت داشتند. در نتیجه برنامه های شغلی در این اجتماعات مورد انتقاد و موشکافی قرار گرفته است.

آموزش شغلی در دبیرستان همپتون

یکی از راههای مقابله با انتقاداتی که درخصوص برنامه های شغلی می شد آن بود که تاکید شود این برنامه ها مانع از ورود دانش آموزان به دانشکده نمی شوند. به طور مثال در دبیرستان همپتون که تعداد دانش آموز سیاهپوست و سفیدپوست آن برابر بود از مشاوران خارج از مدرسه کمک گرفته شد تا در



طراحی مجدد برنامه های شغلی کمک کنند به نحوی که با فلسفه جدید آماده ساختن دانش آموزان برای ورود به دانشکده هماهنگ باشد . در طراحی مجدد این برنامه ها سعی شد برنامه ها به گونه ای باشند که آمیزه ای از دوره های شغلی و درسی باشند . در دبیرستان همیلتون همه دانش آموزان موظف بودند دوره های شغلی را بگذرانند و این امر تا حدی به خاطر کمتر کورنا سوگیریهایی نژادی در خصوص برنامه شغلی بود .

آموزش شغلی در دبیرستان آپ تون (uptown)

برنامه های شغلی در این دبیرستان سنتی تر از برنامه های شغلی دبیرستان همیلتون بود . در این دبیرستان سه انتخاب وجود داشت . دانش آموزان یا می توانستند دوره آمادگی برای دانشکده را انتخاب کنند یا می توانستند دوره عمومی را انتخاب کنند و یا آنکه دوره شغلی را انتخاب می کردند . برنامه های شغلی موارد زیر را در بر می گرفت : فلزکاری ، تجارت ، کامپیوتر ، نجاری ، تعمیر ماشین .

در دبیرستان آپ تون یک سوم دانش آموزان در برنامه های شغلی نامنویسی کردند . اکثریت کادر دبیرستان آپ تون معتقد بودند که شرکت در این برنامه های شغلی مانع از ورود به دانشکده نمی شود و رفتن به دانشکده راهی است که پیش روی همه باز است . برنامه های شغلی در این دبیرستان برای دانش آموزان جذابیت زیادی نداشت زیرا آنها می دانستند که در این برنامه ها آنها باید کارهای سخت تری را در نسبت به کلاسهای معمولی انجام دهند . از آنجایی که اکثریت دانش آموزان مدرسه از اقلیت فقیر بودند تلاش مدرسه در این سو بود که محتوای آموزش شغلی را افزایش دهد . این امید که آموزش شغلی فرصتهای پیدا کردن کار را افزایش می دهد موجب نامنویسی دانش آموزان در این کلاسها می شد .



آموزش شغلی در دبیرستان سوت سنترال (south central)

این دبیرستان تنها دبیرستان شغلی در نمونه مورد پژوهش ما بود . با این وجود در این دبیرستان سعی می شد به گونه ای عمل شود که دانش آموزان فرصت راه یافتن به کالج را نیز داشته باشند . در این دبیرستان مریبان معتقد بودند که دانش آموزان خانواده های فقیر بیشتر به آموزشهای شغلی نیاز دارند . یکی از معلمین مدرسه به مشکلات شغل یابی این دانش آموزان اشاره می کند و می گوید آنها از حداقل مهارتهای آکادمیک بی بهره اند . آنها حتی نمی توانند یک برگه درخواست کار پر کنند . وقتی آنها گرسنه هستند و نیاز به شغل دارند تنها چیزی که باید یاد بگیرند آموختن یک حرف است . در این مدرسه بودجه ای که برای آموزشهای شغلی اختصاص داشت نیازهای مدرسه را برآورده نمی کرد و هیچ بودجه ای برای نوسازی و مدرن کردن کارگاه آموزش شغلی در نظر گرفته نشده بود .

اصول و اهداف آموزشی

از جمله مهمترین اصول و اهداف آموزشی آمریکا می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- دستیابی یکسان به آموزش عمومی حتی برای گروههای اقلیت و معلولیت
- تعهد به عقاید دمکراتیزم و آزادیهای فردی و توجه به تنوع جمعیت
- شکوفا نمودن قوای پتانسیل هر یک از کودکان تا حد ممکن ، تا بعنوان یک شهروند در جامعه ای آزاد خدمت مؤثر کرده و در بازار تبادلات جهانی رقابتی موفقیت آمیز داشته باشد .



- نظام آموزش تا حد زیادی غیر متمرکز بوده و براساس قانون خط مشی ها و برنامه درسی به عهده ایالت و مناطق واگذار شده است بهمین خاطر قوانین حاکم بر ساختار، محتوی و برنامه های آموزشی در ایالات و مناطق مختلف از تنوع زیادی برخوردار است .

اهداف ملی آموزش

از جمله مهمترین اهداف ملی آموزشی آمریکا می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- همه بچه ها در آمریکا آماده باشند که در مدرسه به یادگیری بپردازند .
- نرخ فارغ التحصیلان دوره دبیرستان حداقل به ۹۰ درصد افزایش یابد .
- دانش آموزان امریکایی پایه های ۴ ، ۸ و ۱۲ را با توانش قابل ملاحظه ای برای تبادل اطلاعات در موضوعات مختلف درسی نگذرانند تا برای شهروندی مسئولیت شناس ، یادگیری بیشتر و اشتغالی خلاق در اقتصاد نوین کشور آماده شوند .
- دانش آموزان ایالات متحده در پیشرفت تحصیلی در علوم و در ریاضیات اول شوند .
- هر بزرگسال امریکایی با سواد باشد و دانش و مهارت های لازم برای رقابت در اقتصاد جهان را کسب نموده و حقوق و مسئولیتهای شهروندی را عمل نماید .
- هر یک از مدارس در آمریکا از مواد مخدر و خشونت مبرا شده و یک محیط قانونمند و مساعد برای یادگیری باشد .



- هم آموزش کشور در جهت دستیابی به برنامه های در حال پیشرفت در مهارتها و موقعیتهای حرفه ای ، کسب دانش و مهارتهای مورد نیاز و آموزش و آماده سازی دانش آموزان آمریکایی برای قرن ۲۱ قرار گیرد .
- هر مدرسه مشارکت و دخالت والدین را در امر پیشرفت رشد اجتماعی ، عاطفی و علمی فرزندان خود افزایش دهد .

اولویتها و علایق آموزشی

از جمله مهمترین اولویتهای آموزشی آمریکا می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- بالا بردن سطح استانداردهای و پیشرفت در زمینه آموزش و یادگیری برای کمک به همه دانش آموزان تا به این استانداردها برسند .
- تضمین اینکه همه بچه ها بتوانند بخوبی و بطور مستقل تا پایان پایه سوم بخوانند .
- تدارک کمک های بیشتر به مدارس و دانش آموزانی که نیازهای خاصی دارند(دانش آموزان کم هوش و کم تجربه در زمینه انگلیسی و دانش آموزان معلول)
- ساخت دانشکده هایی با استطاعات مالی بیشتر ، توسعه دانشکده هایی برای دانش آموزان کم درآمد بنحویکه کمک های جدیدی تدارک دیده شود که خانواده های کارگری و سطح پایین و طبقه متوسط بتوانند شهریه دانشکده را بپردازند .



قوانین آموزشی

از جمله مهمترین قوانین آموزشی آمریکا می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- قانون سال ۱۹۹۱ در مورد سوادآموزی مالی (قانون عمومی ۱۰۲-۷۳)
- قانون سال ۱۹۹۱ در مورد شورای آموزشی (قانون عمومی ۱۰۲-۶۲)
- قانون سال ۱۹۶۵ در مورد اختیارات آموزش عالی (قانون عمومی ۱۰۲-۳۲۵)
- ترمیم متمم قانون سال ۱۹۹۲ در مورد گسترش میزان قانونمندی های گذشته
- قانون سال ۱۹۹۳ در مورد اصلاح وام دانشجویی/ دانش آموزی (قانون عمومی ۱۰۳-۶۶)
- قانون سال ۱۹۹۴ در مورد آموزش امریکایی : اهداف سال ۲۰۰۰
- قانون سال ۱۹۹۴ در مورد مدرسه درارتباط با فرصتهای کاری (قانون عمومی ۱۰۳-۳۹)
- قانون سال ۱۹۹۴ در مورد تحقیق ، توسعه ، نشر و پیشرفت آموزشی (بخشی از قانون عمومی ۱۰۳-۲۲۷)
- قانون سال ۱۹۹۴ در مورد پیشرفت مدارس امریکایی (قانون عمومی ۱۰۳-۳۸۲)

مدیریت آموزشی

براساس متمم دهم و تغییرات ناشی از نظام آموزشی غیرمتمرکز ، سیاستگزاریهها و نیازها توسط هیئت

مدیره آموزشی ایالت تعیین شده که تحت رهبری رئیس هیئت مدیره آن ایالت و کارکنان بخش آموزش

ایالتی اداره میشود. رئیس هیئت مدیره معمولاً توسط فرماندار یا هیئت مدیره آموزشی ایالت انتخاب



میشود. هریالت (بجز هاوایی) از مناطق آموزشی تشکیل شده است که تحت نظر هیئت مدیره آموزشی ایالت بوده و از پنج تا هفت عضو تشکیل شده است . هیئت مدیره مناطق آموزشی و سرپرست مدارس عهده دار طیف وسیعی از وظایف و مسئولیت ها می باشد .

مدیریت آموزش عالی

۱ نهاد های مرکزی

- دپارتمان آموزش ایالات متحده

نقش دپارتمان : شاخه اجرائی آژانس مسؤل برنامه های جامع تمامی سطوح آموزش فدرال که توسط دبیر آموزش ، نماینده هیأت منتخب اداره می گردد.

- کمیسیون آموزش دانشگاهی آلاباما

نقش کمیسیون : رابط آژانس که توسط مدیر اجرایی اداره می شود.

- دپارتمان آموزش عالی

وظیفه اصلی : اجتماع خارج از کشور کالجها و مؤسسات فنی / فنی و حرفه ای ایالتی که

توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .

- کمیته آموزش عالی آلاسکا

نقش اصلی : آژانس رابط که توسط مدیر اجرایی اداره می گردد .

- کمیسیون آموزش دانشگاهی آلاسکا

نقش اصلی : آژانس مدیریتی و ناظر که توسط یک نماینده اداره می گردد .



- هیأت علمی آموزش دانشگاهی ساموا
نقش اصلی : آژانس (مؤسسه) ناظر که توسط یک نماینده اداره می شود .
- هیأت علمی دانشگاه آریزونا
نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط یک مدیر اجرایی اداره می گردد .
- هیأت علمی کالج ایالتی آریزونا
نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط یک مدیر اجرایی اداره می گردد .
- اداره آموزش دانشگاهی آرکانزاس
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط یک مدیر اداره می گردد .
- کمیته آموزش عالی کالیفرنیا
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط یک مدیر اداره می شود .
- نظام گروه کالجهای کالیفرنیا
نقش اصلی : آژانس هماهنگ کننده که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .
- کمیسیون آموزش دانشگاهی کولورادو
نقش اصلی : آژانس هماهنگ کننده که توسط یک مدیر اجرایی اداره می گردد .
- انجمن کالج و آموزش حرفه ای کولورادو
نقش اصلی : آژانس هماهنگ کننده که توسط یک نماینده اداره می گردد .
- اداره آموزش کانکتیکات - اداره کمیسیون آموزش دانشگاهی
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط یک عضو کمیسیون اداره می گردد .



- هیأت انجمن معتمدین کالجهای فنی
نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط یک مدیر اداره می گردد .
- کمیسیون آموزش دانشگاهی دلاویر Delaware
نقش اصلی : آژانس هماهنگ کننده که توسط یک مدیر اجرایی اداره می گردد .
- انجمن کالجهای فنی دلاویر
نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط یک نماینده اداره می گردد .
- هیأت معتمدین - دانشگاه بخش کلمبیا
نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط یک رئیس اداره می گردد .
- هیأت دانشگاهی (هیأت علمی) نظام دانشگاه جورجیا
نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می شود .
- هیات دانشگاه نظام گوام
نقش اصلی : اداره ناظر که توسط یک نماینده اداره می گردد .
- دانشگاه نظام هاوایی
نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط یک نماینده و رئیس دانشگاه (که همان نماینده نیز می باشد) اداره می گردد .
- هیأت آموزشی ایالت آیداهو - اداره اجرائی برای آموزش دانشگاهی
نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط یک مدیر اجرائی اداره می گردد .
- هیأت آموزش تکمیلی Illinois



- نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط یک مدیر اجرایی اداره می گردد .
- انجمن هیأت علمی کالج Illinois
- نقش اصلی : آژانس هماهنگ کننده که توسط یک مدیر اجرایی اداره می شود .
- کمیسیون آموزش تکمیلی ایندیانا
- نقش اصلی : آژانس هماهنگ کننده که توسط یک نماینده کمیسیون اداره می گردد .
- هیأت علمی دانشگاه ایالت آیووا
- نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط یک مدیر اجرایی اداره می گردد .
- بخش انجمن کالجها و تدارک نیروی کار - اداره آموزش و پرورش آیووا
- نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط یک ناظر اداره می گردد .
- هیأت علمی دانشگاه کانزاس
- نقش اصلی : آژانس ناظر که توسط یک مدیر اجرایی اداره می گردد .
- هیأت آموزش و پرورش کانزاس
- نقش اصلی : آژانس ناظر (انجمن کالجها) که توسط یک مدیر اجرایی اداره می شود .
- شورای آموزش تکمیلی کنتاکی
- نقش اصلی : آژانس هماهنگ کننده که توسط یک مدیر اجرایی اداره می گردد .
- دانشگاه انجمن نظام کالج کنتاکی
- نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .
- هیأت علمی دانشگاه لوئیزیانا



نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط یک نماینده کمیسیون اداره می گردد .

• دانشگاه Maine

نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .

• نظام کالج فنی Maine

نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط یک نماینده اداره می گردد .

• کمیسیون آموزش تکمیلی مری لند

نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط وزیر آموزش تکمیلی اداره می گردد .

• هیأت علمی آموزش تکمیلی ماساچوست

نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .

• اداره آموزش و پرورش میشیگان - اداره مدیریت خدمات آموزش تکمیلی

نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط یک مدیر اداره می گردد .

• اداره آموزش و پرورش میشیگان - واجد خدمات انجمن کالج

نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط یک ناظر اداره می گردد .

• اداره خدمات آموزش تکمیلی مینسوتا

نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط یک مدیر اداره می گردد .

• نظام انجمن کالج مینسوتا

نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .

• هیأت معتمدین مؤسسات آموزش تکمیلی ایالت



- نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط نماینده کمیسیون اداره می‌گردد .
- هیأت علمی انجمن کالجها و کالجهای مقدماتی
- نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط یک مدیر اجرایی اداره می‌گردد .
- هیأت علمی هماهنگ کننده آموزش تکمیلی میسوری
- نظام های آموزش تکمیلی مونتانا
- نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط نماینده کمیسیون آموزش تکمیلی اداره می‌گردد .
- کمیسیون هماهنگ کننده آموزش عالی نبرسکا
- نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط مدیر اجرایی اداره می‌گردد .
- دانشگاه و انجمن کالج نوادا
- نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می‌گردد .
- کمیسیون آموزش عالی New Hampshire
- نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط مدیر اجرایی اداره می‌گردد .
- دانشگاه New Hampshire
- نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می‌گردد .
- اداره آموزش فنی عالی
- نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط نماینده کمیسیون اداره می‌گردد .
- کمیسیون آموزش تکمیلی نیوجرسی
- نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط مدیر اجرایی اداره می‌گردد .



- کمیسیون آموزش تکمیلی نیو مکزیکو
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط مدیر اجرایی اداره می‌گردد .
- کمیسیون آموزش تکمیلی و حرفه‌ای - اداره آموزش و پرورش ایالت نیویورک
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط معاون نماینده کمیسیون اداره می‌گردد .
- دانشگاه ایالتی انجمن کالج نیویورک
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه انجمن کالجها اداره می‌گردد .
- دانشگاه اداره عمومی کارولینای شمالی
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط نماینده اداره می‌گردد .
- اداره انجمن کالجهای کارولینای شمالی
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط یک نماینده اداره می‌گردد .
- نظام دانشگاه داکوتای شمالی
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می‌گردد .
- کالج Northern Marianas
نقش اصلی : مؤسسه ناظر موسسه ای که توسط یک نماینده اداره می‌گردد .
- هیأت علمی دانشگاه آهایو
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط رئیس دانشگاه اداره می‌گردد .
- هیأت علمی آموزش تکمیلی آکلاهاما
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط رئیس دانشگاه اداره می‌گردد .



- آموزش تکمیلی ایالت آرگان
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .
- هیأت آموزش و پرورش آرگان - اداره انجمن خدمات کالج
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط نماینده کمیسیون اداره می گردد .
- اداره آموزش تکمیلی ایالت پنسیلوانیا
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .
- اداره آموزش - اداره آموزش و پرورش پنسیلوانیا
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط معاون وزیر اداره می گردد .
- آموزش تکمیلی Consejode
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط وزیر اداره می گردد .
- هیات اداری دانشگاه پورتوریکو: Administracion de los Cdegios Regionales
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .
- اداره آموزش و پرورش Rhode Island
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط نماینده کمیسیون اداره می گردد .
- نام بخش : انجمن کالج Rhode Island
نقش اصلی : اداره نظارت کننده مؤسسه ای که توسط نماینده اداره می گردد .
- کمیسیون آموزش تکمیلی کارولینای جنوبی
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط نماینده کمیسیون اداره می گردد .



- هیأت علمی آموزش جامع و آموزش فنی
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط مدیر اجرایی اداره می گردد .
- هیأت علمی دانشگاه داکوتای جنوبی
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط مدیر اجرایی اداره می گردد .
- کمیسیون آموزش تکمیلی تنسی
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط مدیر اجرایی اداره می گردد .
- هیأت علمی دانشگاه تنسی
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده (انجمن کالجها) که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد
- هیأت هماهنگ کننده آموزش تکمیلی تگزاس
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط نماینده کمیسیون اداره می گردد .
- نظام آموزش تکمیلی یوتاه
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط نماینده کمیسیون اداره می گردد .
- کالجهای ایالت ورمونت
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .
- دانشگاه ورمونت
نقش اصلی : اداره ناظر که توسط یک نماینده اداره می گردد .
- هیأت علمی آموزش و پرورش جزایر ویرجین
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .



- شورای آموزش تکمیلی ایالت ویرجینیا
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط یک مدیر اداره می گردد .
- انجمن کالج ویرجینیا
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .
- هیأت هماهنگ کننده آموزش تکمیلی واشنگتن
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط مدیر اجرایی اداره می گردد .
- هیأت علمی کالجهای فنی و اجتماعی
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط مدیر اجرایی اداره می گردد .
- نظام کالج ایالت وست ویرجینیا
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .
- دانشگاه وسط ویرجینیا
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط رئیس دانشگاه اداره می گردد .
- دانشگاه Wisconsin
نقش اصلی : مؤسسه ناظر که توسط یک نماینده اداره می گردد .
- هیأت علمی نظام کالج فنی Wisconsin
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط مدیر اداره می گردد .
- کمیسیون انجمن کالج Wyoming
نقش اصلی : مؤسسه هماهنگ کننده که توسط مدیر اجرایی اداره می گردد .



- انجمن مدارس و کالج‌های نیوانگلند

نقش اصلی: مؤسسه نهادی و اعتباری در Connecticut , Maine , Massachusetts , New

Hampshire , Rhode Island , Vermont که توسط یک مدیر اجرایی اداره می‌گردد .

- کمیسیون آموزش تکمیلی - انجمن کالجها و مدارس ایالات میانه

نقش اصلی: مؤسسه نهادی و اعتباری ایالات میانه که توسط یک مدیر اجرایی اداره می‌گردد.

- کمیسیون انجمنهای آموزش تکمیلی - انجمن مرکزی کالجها و مدارس شمالی

نقش اصلی: مؤسسه نهادی و اعتباری ایالات مرکزی شمالی که توسط یک مدیر اجرایی اداره

می‌گردد .

- کمیسیون کالجها - انجمن کالجها و مدارس شمال غربی

نقش اصلی: مؤسسه نهادی و اعتباری ایالات شمال غربی که توسط یک مدیر اجرایی اداره می

گردد .

- کمیسیون کالجها - انجمن کالجها و مدارس جنوبی

نقش اصلی: مؤسسه نهادی و اعتباری ایالات جنوبی که توسط یک مدیر اجرایی اداره می

گردد .

- کمیسیون رسمی کالجهای تکمیلی - انجمن مدارس و کالجهای غربی

نقش اصلی: مؤسسه نهادی و اعتباری ایالات غربی که توسط یک مدیر اجرایی اداره می‌گردد

- کمیسیون رسمی کالجها و دانشگاه های تکمیلی - انجمن مدارس و کالجهای غربی

نقش اصلی: مؤسسه نهادی و اعتباری ایالات غربی که توسط یک مدیر اجرایی اداره می‌گردد.



نقش دولت فدرال در حوزه آموزش و پرورش

دهمین ماده الحاقی قانون اساسی ایالات متحده به وضوح اصلی را بیان می‌کند که « قانون اساسی اختیار قدرت را به ایالات متحده نداده و آن را برای ایالت‌ها ممنوع کرده است بلکه قدرت به ترتیب مختص ایالت‌ها و یا مردم است. در نتیجه این عامل قانونی مهم، در ایالات متحده، حکومت در مقایسه با سایر کشورها کاملاً غیر متمرکز است. سیستم ایالات متحده به گونه‌ای است که دولت از بسیاری از کارهای عمومی از قبیل آموزش، کنترل شده و محدود است و در درجه اول باید متکی به ایالت‌ها و جوامع محلی باشد. در طول سال‌ها یک نقش آموزشی محدود اما فدرال انتقادی (دولت ایالات متحده) در درون این سیستم غیر متمرکز رشد کرده است. بذره‌های این نقش را می‌توان در نوشته‌های بنیان‌گذاران کشور که لزوم آموزش و پرورش را برای بوجود آمدن یک دموکراسی قوی و یک‌پارچه درک کرده بودند، یافت. به طور کلی دولت فدرال، زمانی که ایالات یا محله‌ها یک امر ملی و حیاتی رت مورد رسیدگی قرار ندهند و یا لازم باشد یک مسئله ملی توسط رهبری ملی مورد توجه قرار گیرد، در زمینه آموزش و پرورش که در قانون اساسی (اصل ۱ بخش ۸) آمده و به کنگره آمریکا قدرت می‌دهد برای تأمین رفاه عمومی ملت و ماده الحاقی چهاردهم به شهروندان در خصوص روند مناسب قانون و موضوعات قانونی دیگر اطمینان می‌دهد، دفاع می‌کنند. برای ایالت‌ها و مناطق یک شریک مطیع بوده است. سهمی که دولت فدرال از محل درآمدها برای آموزش و پرورش ابتدایی و راهنمایی در نظر می‌گیرد، در اواخر دهه ۷۰ به اوج خود رسید (کمتر از ۱۰ درصد) و امروزه این سهم کمتر از ۷ درصد کلیه هزینه‌ها است. مناطق دبستانی ایالتی و محلی، نظارت و کنترل خود را بر محتوای آموزشی و روش‌های تدریس حفظ کرده‌اند. در حقیقت قانون دولت فدرال، دخالت دولت ایالات متحده را در این زمینه ممنوع کرده است. هنوز هم فدرال با



وجود بودجه کمی که در نظر می‌گیرد، بر آموزش و پرورش در حدى که روند خوبی داشته باشد، تأثیر می‌گذارد. در سال‌های اخیر دولت فدرال بودجه خود را بجای بچه‌هایی که در خانواده‌های کم درآمد هستند، متمرکز نموده است. رئیس جمهور و دیگر رهبران ملی از شهرت و اعتبار کاری شان برای جلب توجه به یک مسئله و توجه دادن مردم به یک هدف ملی. استفاده کرده‌اند. زمانی که حقوق افراد در مخاطره باشد، دولت فدرال برای انجام فعالیت‌های اصلاحی ویژه به ایالت‌ها و مناطق نیاز داشته است. چهار دلیل برای دخالت دولت فدرال در آموزش و پرورش، وجود دارد: فعالیت‌های اصلاحی ویژه به ایالت‌ها و مناطق نیاز داشته است. ۴ دلیل برای دخالت دولت فدرال در آموزش و پرورش، وجود دارد:

- ارتقاء دادن دموکراسی
- اطمینان از تساوی فرصت‌های آموزشی
- افزایش بهره‌وری ملی
- تقویت حمایت ملی

توسعه آموزشی

تحولات تکنولوژیک در حوزه آموزش

طبق یک بررسی که در سپتامبر ۱۹۹۹ در مدارس آمریکا در سال ۱۹۹۲ برای هر ۱۹ دانش آموز یک کامپیوتر موجود بوده است ولی در یال ۱۹۹۹ به ازای هر ۶ دانش آموز یک کامپیوتر وجود داشته است. نزدیک ۹۰ درصد مدارس و ۵۱ درصد کلاس‌ها به شبکه اینترنت وصل شده‌اند. طبق آخرین نظر سنجی که توسط مرکز نلی آمار آموزشی انجام گرفته است، این ارقام حتی بالاتر نیز میباشند یعنی



۹۵ درصد مدارس و ۶۳ درصد کلاس‌ها آموزشی با اینترنت در ارتباط می‌باشند. یک دلیل برای این فوران و انفجار الکترونیکی امکانات تجهیز و آماده‌سازی می‌باشد. براساس یک برآورد، قیمت کامپیوترها به طرز عجیبی سقوط کرده است. به علاوه فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادی به وجود آمده‌اند که به کاربرد وسیع تکنولوژی آموزشی کمک می‌کنند. با وجود این که مدارس دولتی در ایالت متحده با بودجه مالیاتی کار می‌کنند و مدارس خصوصی نیز با شهریه‌هایی گرفته شده از دانش‌آموزان، از طرف بسیاری از تجار، سازمانهای غیر انتفاعی و آژانس‌های دولتی کمک‌های فراوانی برای حمایت از تکنولوژی نوین در مدارس به آن‌ها اعطا می‌شود. همانگونه که کامپیوتر قدرتمند شده‌اند و بیشتر در دسترسی می‌باشند در هر سه سال قدرت و سرعت محاسبه ۴ برابر می‌شود. با همه این‌ها این تجهیزات سازی‌ها و قابلیت‌ها که در اختیار که در اختیار دانش‌آموزان می‌باشند متخصصین تاکید می‌کنند که پیشرفت امروزه وابسته به روش جدید تدریس و یادگیری می‌باشد. تکنولوژی مورد نظر آن‌ها می‌تواند نقش دانش‌آموزان را تغییر دهد یعنی به جای این که با بی‌تفاوتی به یادگیری موضوعات بپردازد، چیزهای جدیدی را نیز ابداع نماید. دن تاپسوک، رئیس اتحادیه یادگیری با الگوی می‌گوید:

تکنولوژی جدید به ما کمک می‌کنند روش‌های جدید یادگیری را ابداع کنیم که در آن‌ها یادگیرنده از برقرار کردن با دیگران لذت می‌برد. محیط یادگیری انعکاسی و وسیع همان اینترنت می‌باشد. این تکنولوژی شامل منابع دانش انسانی می‌شود که می‌تواند در دسترس سایر انسانها قرار گیرد و شبیه یک کهکشان در حال رشد می‌باشد که از محیط‌های کوچک و ابتدائی به محیط‌های بزرگ راه دارد. یک مثال برای روشی که در آن تکنولوژی می‌تواند از آموزش حمایت کند و آنرا توسعه دهد طرح (جیسون) میباشد. طرح جیسون محصول فکری دکتر را برت بالارد می‌باشد، اقیانوس‌شناسی که لاشه کشتنی



تایتانیک را پیدا کرد. امسال حدود چهار صد دانش‌آموز ایالت متحده، استرالیا، پر مودا، پر یتایا و مکزیک در آن شرکت جستند. جیسون دانش‌آموز را قادر می‌کند تا به محققین از نظر علمی با هم فرق می‌کنند همچنانکه تئوری و عمل تفاوت دارند این روش به دانش‌آموز امکان می‌دهد تا با استفاده از تئوری به عمل نیز برسند. از زمانیکه طرح شروع شده ماموریت‌های پیچیده در جنگل‌های استوایی پرو و جزایر گالاپاگوس و مکانهای دیگر انجام گرفت. معلمین نیز موضوعات و مواد این طرح برای اجرا کردن در کلاس درس و محیط بیرون توسعه دادند. ابزارهای پیچیده از قبیل پیام‌رسانها، کارگاه‌های الکترونیک و مدل‌های پیشرفته به دانشجویان این امکان را می‌دهند که در شرایط و محیط آماده و ساعد قرار گیرند و در طول سال هر گونه ماموریت و طرحی به سادگی انجام می‌گردد. نکته برجسته این طرح آن است که یک سیستم پخش زنده ماهواره‌ای وجود دارد که به محققین و دانش‌آموزان امکان می‌دهد که با هم ارتباط داشته باشند و تحقیقات جدید و نتایج آن‌ها از طریق این سیستم منتشر می‌شود.

(جیسون) فقط یک نمونه نشان می‌دهد چگونه دانش‌آموزان در فعالیت‌های علمی با کمک تکنولوژی شرکت می‌جویند. در اورنج کانتی و کالیفرنیا موسسات آموزشی در حال تغییر دادن کلاسهای معمولی مدارس بوسیله تکمیل و یکپارچه سازی ابزار و روش‌های جدید می‌باشند. دانش‌آموزان در یک کلاس از تکنولوژی ویدئو برای ثبت وقایع و موضوعات بهره می‌گیرند و سپس به مطالعه و بررسی حرکات تنیس و ضربات گاف می‌پردازند در حالیکه در کلاس دیگر دانش‌آموزان با استفاده از مونیتورهای الکترونیکی آمنگ ضربان آن‌ها را در حین تمرین بررسی و دنبال می‌کنند و سپس با استفاده از کامپیوتر، دادها را به اشکال گرافیکی به تصویر می‌کشند. منابع موجود در اینترنت و سی دیها سرشار از موضوعات و مواردی هستند که می‌توان آن‌ها را در برنامه درسی گنجاند. با اجرای یک کلیک از روی ماوس، دانش



آموزن می‌توانند در گالری‌های هنری موجود در اینترنت به گشت‌واگذار بپردازند. یا برای یک طرح تاریخی کایه مدارک اصلی را بازدید نمایند و یا اطلاعات تخصصی مفید را بدست آورند در حالیکه آن‌ها ۵ تا ۱۰ سال پیش هرگز قادر به چنین کاری نبودند. در زمینه ریاضیات، شبکه اینترنت پایگاه‌ها اطلاعاتی را غنی‌تر ساخته است و این در حالی است که نیاز دانش‌آموزان به اطلاعات این پایگاه‌ها برای حل مسائل به صورت سرسام‌آوری در حال افزایش می‌باشد. همانگونه که موسسات آموزشی موفق در حال بررسی روش‌های جدید علمی می‌باشد، دانش‌آموزان نیز می‌توانند به سهم خود در روند این پیشرفت‌ها مشارکت فعال داشته باشند. برای مثال رشد سرسام‌آور پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنت مجموعه نتایج زیادی داشته است: شما چگونه و کدام برنامه درسی را انتخاب می‌کنید؟ شما چگونه به راهنمایی دانش‌آموزانی می‌پردازید که تمایل دارند از سایت‌های مختلف استفاده کنند؟ سایت‌ها مربوط به کدام کشورها می‌باشند و مطالب آن‌ها مربوط به چه موضوعاتی است؟

چالش دیگر این می‌باشد که چگونه این اطلاعات عظیم را مورد استفاده قرار دهیم، البته منافع تکنولوژی‌های جدید این است که حتی فقیرترین دانش‌آموزان که در مدارس هستند می‌توانند از آن‌ها استفاده نمایند. طبق آمار دفتر سرشماری ایالت متحده خانواده‌هایی که درآمد سالانه آن‌ها بیش از ۷۵۰۰۰ دلار می‌باشد، امکان داشتن کامپیوتر برای آن‌ها ۹ برابر نسبت به خانواده‌های فقیر و همچنین امکان دستیابی آن‌ها به امکانات اینترنت ۲۰ برابر نسبت به خانواده‌های فقیر بیشتر می‌باشد. برنامه‌های الکترونیک در عرض ۳ سال اخیر شکاف‌ها و فاصله‌ها را پر کرده و از میان برداشته است.

طبق سنجشی که بوسیله کمیسیون فدرال ارتباطات ایالت متحده بعمل آمد تکنولوژی‌های جدید از ۲۹ الی ۹۰ درصد در مدارس و کتابخانه‌ها افزایش پیدا کرده است. در سال ۱۹۹۲، ۸۲ درصد از مدارس



دولتی و بیشتر از ۵۰ درصد از کتابخانه‌ها تحت پوشش این شرویش‌ها قرار گرفته‌اند. کنگره ایالات متحده یک بودجه ۲/۲۵ میلیون دلاری برای گسترش این امور و تکنولوژی برای یک دوره ۱۲ ماهه که در ژوئن ۲۰۰۰ به اتمام می‌رسید به تصویب ری‌انید. کشاور سازمان مشاوره ایالت متحده، ریچارد. و، ریلی امیال بیان کرد که ((تکنولوژی‌های جدید الکترونیکی به ما امکان می‌دهند تا پروژه‌های تحقیقاتی بیشتری در مدارس انجام گیرد. به همه تأکید می‌کند که روی دانش آموزان وجود دارد، مدارس نیز احتیاج به حمایت در مورد مشکلات و موانع موجود دارند. کار آموزشی معلمان نسبت به دو دهه قتل بسیار اساسی تر شده است. از آن موقع تغییرات اساسی به وجود آمده‌اند. مهارت معلمینی که در دوره‌های مخصوص معلمان شرکت می‌کنند نیز با ایجاد تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و افزایش آن‌ها، بیشتر شده است. در میان دوره‌های کار آموزشی شرکت کرده‌اند ۵۴ درصد گفته‌اند وضعیت آموزشی را داشته‌اند و ۳۷ درصد دیگر با ابراز رضایت از این دوره‌ها اظهار کردند که می‌توان باز هم کیفیت آن را بالا برد. در طرح‌های جدید ارائه شده انواع خدمات به معلمان و دانش آموزان ارائه می‌شود. از قبیل مشاوره، سطح انتخاب بالا و غیره. این طرح‌ها با استفاده از تکنولوژی‌های جدید به سرعت منتقل شده و مورد استقبال قرار گرفته‌اند. ما چه زمانی میزان تاثیر تکنولوژی‌های جدید را بر امر تدریس و یادگیری خواهیم داشت؟ وقتی که دانش آموزان و معلمان از این تکنولوژی‌ها و ابزارها جدید بهره می‌گیرند با اطمینان خاطر می‌توانند به تحقیقات بپردازند. صرف نظر از همه مزایای این طرح‌ها باعث ایجاد نوعی نظم و همگرایی اجتماعی در میان دانش آموزان و معلمان آن‌ها شده‌اند.



آموزش و پرورش در عصر اطلاعات

امروزه مسافرت بین‌المللی رایج است، اینترنت اجازه می‌دهد تکنولوژی از مرزهای ملی عبور کند و حتی مشاغل کوچک وارد و صادر می‌شوند. سیستم آموزش و پرورش ایالات متحده این تغییرات و تحولات را باید انعکاس دهد. در واکنش به این پیشرفت‌ها و در واکنش به تلاش‌های بی‌وقفه ما برای تقویت روابط بین‌المللی، پرزیدنت کلینتون دست به یک ابتکار تاریخی برای قوی کردن تعهد آمریکا نسبت به آموزش و پرورش بین‌المللی زد. در طول بیش از ۳۵ سال، این اولین ابتکار ایالات متحده در نوع خودش است. این ابتکار چهار هدف عمده دارد: افزایش تعداد مبادلات دانش‌آموزان، گسترش تکنولوژی آموزش و پرورش و گسترش زمان موقعیت‌های یادگیری، مطمئن شدن از اینکه دانش‌آموزان آمریکایی حداقل یک زبان خارجی را یاد گرفته و فرهنگ بیگانه را یاد گرفته‌اند؛ و تقسیم کردن اطلاعات مربوط به تمرینات خوب آموزشی با دیگر کشورها. در اقتصاد بین‌المللی، دانش - و دانش‌زبانی - یعنی قدرت. دانستن یک زبان دوم با ارزش‌تر از هر چیزی است. به اعتقاد من شهروندانی که زبان انگلیسی و یک زبان دیگر بلدند، ذخایر عظیم ملت ما در سال‌های آتی خواهند بود. برای این هدف، من ایالات متحده را برای متداول کردن روش‌های زبانی دوگانه که ما گاهی اوقات آن را به‌عنوان «انگلیسی به علاوه یک زبان دیگر» می‌شناسیم، تشویق می‌کنم. این روش جوانان را وادار می‌نماید تا معیارهای آموزشی بالا را به دو زبان بپذیرند. در طول ۱۰۰ سال گذشته آموزش و پرورش ایالات متحده به شکل‌های مختلفی که تاریخ آن گذشته است، تعریف شده است مانند نگرش به تدریس به‌عنوان یک مسئولیت، نه ماهه و برگزار شدن کلاس‌ها توسط زنانی که به طور نسبی دستمزد پایینی دریافت می‌کنند. ما باید در دهه بعدی بیش از دو میلیون معلم جدید به خدمت بگیریم.



این امر نیاز به بررسی عمیقی دارد در خصوص آن که چگونه ما معلمان خوب را به خدمت بگیریم و آن‌ها را آماده، منسوب و نگه‌داری کنیم. دولت کلینتون یک سرمایه ۱ میلیارد دلاری برای پشتیبانی از تلاش‌هایی که به منظور ارتقاء کیفیت تدریس معلمان صورت می‌گیرند، در نظر گرفته است. به علاوه من پیشنهاد کرده‌ام که مناطق دبستانی عوض شوند تا شغل تدریس برای پنج ساله آینده به صورت یک شغل یک ساله کامل در آید و به معلم در آن زمان اضافی (سه ماه تابستان) همان حقوق طول سال را بدهند.

استراتژیهای آموزشی

• اجرای آموزش و پرورش شخصیت

آموزش و پرورش شخصیت را در بنیاد سیستم مدرسه‌ای ایالات متحده می‌توان یافت و همیشه به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر آموزش، مد نظر بوده است. اما برای مدتی، و درست زمانی که وجود این عامل بیش‌ترین ضرورت را داشت، مراکز آموزشی نسبت به ضمیمه کردن توسعه شخصیتی در کارشان قصور کردند. اما امروزه به هر حال این عامل در روی صفحه رادار آموزش کشوری دوباره ظاهر شده است. نشانه‌های اولیه حاکی از آن است که مدارسی که بر روی آموزش شخصیت تأکید می‌کنند (و این آموزش شخصیت در حوزه پیشرفت برتری شخصیتی متمرکز است)، به خاطر آنست که نتایج شگفت‌انگیز آن را می‌بینند. طرح مشارکت آموزش شخصیت - یک ائتلاف ناهم‌گون ملی مرکب از اشخاص و سازمان‌ها که هدفش توسعه و بهبود شخصیت اخلاقی جوانان است - این اصل را به‌عنوان «فرآیند طولانی مدت کمک به جوانان در بسط و توسعه شخصیت خوب»، نفی می‌کند بلکه این اصل یعنی دانستن، انتقال و فعالیت در



زمینه ارزش‌های نژادی از قبیل انصاف، صداقت، دل‌سوزی، مسئولیت‌پذیری و احترام به خود و دیگران می‌باشد.

هدف این کار، در نظر داشتن دانش‌آموزان در محیطی است که تمرین ارزش‌هایی را که جامعه نیاز دارد، به نمایش گذاشته، تعلیم داده و تشویق کند. در نتیجه، دانش‌آموزان نه تنها از این ارزش‌ها آگاه خواهند بود، بلکه آن‌ها را در خود ملکه کرده و مطابق آن‌ها تصمیم گرفته و عمل می‌کنند. این امر نیازمند تمرکز بر ارزش‌ها در برنامه و فرهنگ مدرسه دارد. این امر زمان و کوشش می‌خواهد و اغلب مستلزم توسعه نیروی مجریان مدارس برای تعمیم دادن آموزش شخصیت در مدارس می‌باشد، اما سرمایه‌گذاری برای سنجش میزان ارزش تلاش‌ها در حال انجام است.

مدارس متوسطه و دبیرستان‌های سراسر کشور که با هر کدام از پیشرفت‌های آموزشی و شخصیتی سازگار شده‌اند، نتایج شگفت‌انگیزی را در سراسر محیط‌ها و فرهنگ‌هایشان، در سطح تعهدات اجتماعی دانش‌آموز، در مشارکت والدین و حتی در پیشرفت آموزشی بالاتر دیده‌اند.

آموزش و پرورش شخصیت، در مدارس مختلف با جمعیت نژادی یکسان یا متنوع و با دانش‌آموزانی از خانواده‌هایی مربوط به طیف گسترده اجتماعی - اقتصادی کار می‌کند. آموزش و پرورش شخصیت به منظور موثر واقع شدن، باید حساب شده و آگاهانه باشد. این آموزش باید به همه زمینه‌های زندگی مدرسه‌ای، از ساعات آموزشی گرفته تا ورزش و دیگر فعالیت‌های فوق برنامه، ضمیمه شود. این آموزش باید نماد همه پیوندهای میان فردی ما بین بزرگسالان و دانش‌آموزان باشد. مدارس که آموزش و پرورش شخصیتی خوبی به اجرا در آورده‌اند، محیط‌های صمیمی ایجاد کرده‌اند که نسبت به موضوعات رفتاری نظیر تنهایی یک دانش‌آموز و خصومت بین گروه‌ها و فرقه‌های مختلف، حساس هستند. این موسسات



آموزشی، ارتباط و درک قوی بین دانش آموزان با بزرگسالان ایجاد کرده‌اند. آن‌ها پذیرای مسائل هستند و معلمان، مدیران و دانش آموزانی دارند که اغلب، وقتی که دانش آموز دیگری مشکلی برایش پیش می‌آید، مایلند وارد عمل شده و مسئولیت به عهده بگیرند.

- پاسخ به نیازهای دانش آموزان مختلف در مدارس دولتی

پاسخ به نیازهای دانش آموزان مختلف در مدارس دولتی، موضوعی است که در ایالات متحده بحث در خصوص آن هیچگاه پایان نمی‌پذیرد. خط مشی دهندگان، آموزگاران، دادگاه‌ها و والدین دائماً در جستجوی بهترین روش‌ها برای آموزش همه دانش آموزان هستند. به‌عنوان مثال تصمیمات اتخاذ شده دادگاه‌ها و سیاست جبران بی‌عدالتی‌های گذشته نسبت به اقلیت‌ها، باعث ایجاد ابتکاراتی می‌شوند که کیفیت آموزش را در همه مدارس و بویژه آماده نمودن و حمایت از معلمان جهت تدریس در کلاس‌هایی که تنوع ملیتی دانش آموزانشان زیاد است، بهبود می‌بخشند. برنامه‌های ارزیابی، برای اجرای آزمون‌های مناسب دانش آموزان اقلیت‌های زبانی و دانش آموزان معلول، در حال گسترش هستند. خط مشی دهندگانی که سیستم‌های پاسخ‌گویی را طراحی می‌کنند، همواره گوشزد می‌کنند که پیشرفت واقعی در مدارس فقط در صورتی اندازه گرفته می‌شود که همه دانش آموزان در روند پاسخ‌گویی درگیر شوند نه این‌که عده‌ای مانند دانش آموزان اقلیت را از امتحان معاف کنیم. آموزش و پرورش دو زبانه همچنان بحث‌انگیز است، اما در بیش‌تر جوامع به شدت اجرا می‌شود و عموماً تقاضای زیادی در بین والدین مبنی بر بهبود تدریس زبان خارجی برای همه دانش آموزان وجود دارد. این تعهد همیشگی در نظر گرفتن نیازهای کسانی که آموزش می‌بینند (بدون در نظر گرفتن اختلافات آن‌ها)، در آینده مستلزم ایجاد مدرسی در آمریکا خواهد بود که



در آن همان‌طور که پیش‌بینی شده است، تا پایان این قرن، ۶۰ درصد جمعیت آمریکا را اقلیت‌ها تشکیل خواهند داد.

• توجه به مسئله تبعیض جنسیت

بخشی از تقاضای عمومی برای برابری بیشتر شهروندان را جنبش حقوق شهروندی در مدارس تحریک نمود که در آن به محروم نمودن دختران از برنامه‌های خاصی توجه شده بود. از وقتی که بیشتر شکایت‌ها و اعتراضات مربوط به تبعیض‌ها، در سطوح بالای آموزشی و در خصوص مسئله تبعیض جنسیت بود، قانون نهم (ماده الحاقی طرح آموزش سطوح بالاتر در سال ۱۹۷۲)، مسئله تبعیض را « برای گرفتن حمایت مالی دولت فدرال در هر نوع فعالیت یا برنامه آموزشی » ممنوع کرد و چون بیشتر مدارس مقاطع تحصیلی ۱۲ گانه از کمک‌های چند جانبه دولت ایالات متحده بهره‌مند می‌شوند، حق نهم در مورد آن‌ها نیز صدق می‌کرد. در نتیجه مدارس شروع به دادن برنامه‌های ورزشی بیشتر به دختران کردند و کتاب‌های درسی و منابعی را انتخاب کردند که تساوی جنسی را ترویج می‌کردند و ثبت نام دختران را در برنامه‌های حرفه‌ای مخصوص مردان، آغاز کردند. هدف تساوی جنسی منحصر به بررسی دقیق و مداوم شرکت نمودن دختران در زندگی مدرسه شد. احتمالاً توجه به نگرش‌های نابرابر، ثبت نام بیشتر دختران را در دوره‌های پیشرفته ریاضی و علوم و همچنین کوشش‌هایی را که برای اطمینان از دسترسی یکسان دخترها و پسرها به کامپیوتر در حال انجام است، توجیه می‌کند. تحقیق بر روی موضوع جنسیت، بر آماده نمودن معلمان و برنامه‌های گسترش حرفه‌ای نیز، (از زمانی که یافته‌ها نشان داده‌اند که معلمان بدون اینکه متوجه باشند گاهی وقت‌ها در کار تدریس‌شان به دخترها اهمیت نمی‌دهند) تأثیر گذاشت. مثلاً تحقیق نشان می‌دهد



که معلمان ممکن است در کلاس‌ها برای پاسخ دادن و فعالیت کلاسی از پسرها بیش‌تر سوال کنند و در عین حال پاسخ‌سوال‌های مشکل و پیچیده را از دختران کم‌تر می‌پذیرند.

- تنوع مذهبی

بر خلاف سیستم‌های آموزشی در بسیاری از کشورها، ایالات متحده در مدارس یک جدایی ناحیه‌ای کلیسا و ایالت را اجرا می‌کند. اگر چه چند شهر و ایالت در حال آزمایش برنامه‌های تضمینی هستند که اجازه هزینه نمودن بودجه‌های دولتی را در خارج از سیستم دولتی، از قبیل مدارس دینی و مذهبی می‌دهند، اما بودجه‌های دولتی فقط برای مدارس دولتی هستند. بسیاری از این برنامه‌ها در دادگاه‌ها مورد بحث هستند. به علت وجود این جدایی، در ایالات متحده یک ناحیه مدرسه‌ای ویژه مذهبی به شکل سالم وجود دارد. در حدود ۵ میلیون دانش‌آموز که ۱۰ درصد ثبت نام مقاطع تحصیلی ۱۲ گانه را تشکیل می‌دهند، به مدارس ابتدایی و راهنمایی ویژه می‌روند. مدارس کاتولیک، نیمی از این مدارس ویژه را تشکیل می‌دهند. سایر مذاهب، ۳۵ درصد آن را تشکیل می‌دهند. در بین مدارس آموزشی مذهبی، بیش‌ترین گسترش مربوط به جوامع مسلمان است که اکنون در ایالات متحده حدود ۲۰۰ مدرسه دارند.

- تنوع پیشرفت

با این که مدارس در حال پیشرفت بسوی استانداردهای بالاتر برای همه دانش‌آموزان هستند، علاوه بر آن یک سنت باستانی در آمریکا در کل ۱۲ مقطع تحصیلی این کشور زمینه‌های آموزش دانش‌آموزان نخبه و استثنایی را فراهم می‌آورد. در قدیم، پیش از آنکه قانون، آموزش و پرورش دولتی را برای همه در نظر بگیرد، خانواده‌ها امکاناتشان را صرف آموزش بچه‌هایشان در اتاق‌های نشیمن خانه و یا صرف دیگر رفاهیات می‌کردند. (امروزه، آموزش خانگی بچه‌ها هنوز هم در مقیاس نسبتاً کم‌تری در ایالات متحده



وجود دارد) خانواده‌های ثروتمند این نوع آموزش جداگانه را با مالکیت انحصاری و (فرستادن بچه‌ها به) مدارس که مدارس آمادگی برای دانشگاه نامیده می‌شوند، حفظ کردند. اما انتظارات و حکم قانونی در قرن گذشته که همه دانش‌آموزان تا سن ۱۶ سالگی به مدرسه بروند، باعث شدند یک سیستم آموزشی برای فراهم نمودن یک سری برنامه‌ها برای سطوح مختلف توانایی‌ها بوجود آید. این امر منجر به گسترش برنامه‌های دانش‌آموزان نخبه و مستعد شد. به علت تفاوت‌هایی که قوانین ایالتی و شیوه‌های محلی با هم دارند، تعداد دانش‌آموزانی که در این برنامه‌ها ثبت نام کردند تا حدود زیادی باهم تفاوت دارند که از ۵ در صد در برخی ایالت‌ها تا بیش از ده در صد در برخی دیگر، متفاوت است، اما همه ایالت‌ها بجز چند ایالت، یا یان برنامه‌ها را تأسیس کرده‌اند و یا به برنامه آموزش دانش‌آموزان نخبه نیاز دارند. از وقتی که طرفداران این برنامه‌ها گوشزد می‌کنند که تلاش‌های بیشتر و بودجه بیشتر نیاز است، مدارس چند روش را برای به رقابت کشاندن دانش‌آموزان مستعد به کار می‌گیرند. برای نمونه برنامه‌هایی هستند که دانش‌آموزان چند بار در هفته به کلاس‌های معمولشان نرفته و در فعالیت‌های غنی سازی شرکت می‌کنند. این شیوه در سطح مدارس ابتدایی رایج‌تر است. دبیرستان‌های خوبی که فقط تدریس هنر، ریاضی یا علوم دارند، به دانش‌آموزان این مناطق تکلیف بیشتری می‌دهند. مدارس مانند دبیرستان علوم برونکس در نیویورک سیتی و مدرسه هنرهای داک الینگتون در واشنگتن، در سراسر کشور فراوان به چشم می‌خورند. یازده ایالت، مدارس خانوادگی برای تدریس پیشرفته ریاضی، علوم و هنر ایجاد کرده‌اند. «مدارس فرمانداران»، که در طول تعطیلات ماه‌های گرم سال کار می‌کنند، برای آموزش دانش‌آموزان بسیار نخبه و مستعد در این زمان‌ها باز هستند. برخی ایالت‌ها نظیر مینه‌سوتا، به دانش‌آموزان بر جسته سال سوم دبیرستان و سال چهارمی‌ها اجازه می‌دهند که با هزینه مسئولین ایالت، در کلاس‌های پس از دوره راهنمایی که در



محیط‌های دانشگاهی تشکیل می‌شوند، شرکت کنند. دبیرستان‌ها نیز چند روش برای به رقابت کشاندن دانش‌آموزان توانا، پیشنهاد می‌کنند. آن‌ها ممکن است در برنامه‌های کشوری نظیر «ادیسۀ مایند» و یا خواندن کتاب‌های «گریت بوکز» شرکت کنند. بیش از ۶۰ درصد دبیرستان‌های دولتی و ۴۶ درصد مدارس غیر دولتی در برنامه «جایگزینی پیشرفته انجمن دانشگاه» شرکت می‌کنند. معلمانی که صلاحیت بالایی دارند، برای تدریس در دوره‌های «جایگزینی پیشرفته» که تکالیف سخت‌تر و پیشرفته‌تری را نسبت به برنامه آموزشی دبیرستان‌های معمولی و با موضوعات دانشگاهی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند، داوطلب می‌شوند. در سال ۱۹۹۹ بیش از ۷۰۰۰۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی در کلاس‌های فوق شرکت کردند و امتحان دادند. کسب یک نمره خوب در این امتحان (۳ یا بیشتر) کافی است تا دانش‌آموز ضمن کسب شهرت بتواند در دوره‌های پیشرفته‌ای که تقریباً در کل دوره ۴ ساله کالج‌ها و دانشگاه‌ها وجود دارد، ثبت نام کند. حدود ۳۰ درصد دانش‌آموزان این دوره‌ها در سال ۱۹۹۹، از اقلیت‌ها بوده‌اند. تلاش‌هایی برای تشویق دبیرستان‌هایی که این دوره‌ها را ندارند (بیش‌تر آن‌ها در فقر شدید و در مناطقی که اقلیت‌ها هستند، قرار دارند)، در حال انجام است که آن‌ها بتوانند معلمان و دانش‌آموزانی برای این دوره‌ها آماده نمایند.

- جمعیت‌شناسی قومی دانش‌آموزان

تنوع جدید زبانی در مدارس آمریکا به‌طور عمده با تنوع زبانی مهاجران سابق تفاوت دارد. این تنوع، جامع و فراوان است. به‌عنوان مثال، مونت‌گومری کانتی مریلند و آرلینگتون ویرجینیا که هر دو در منطقه کلان‌شهر واشنگتن هستند، دانش‌آموزانی را ثبت نام می‌کنند که پدران‌شان به بیش از ۳۶ زبان صحبت می‌کنند. در لانگ بیچ کالیفرنیا که به‌طور ناگهانی به‌عنوان پناهگاه کسانی که از غرب میانه



ایالات متحده می‌آیند، شناخته شد، بیش از یک سوم ثبت نام دانش‌آموزان در مدارس دولتی امروزه از آسیای جنوب شرقی است. علاوه بر این، حفظ ارتباط با «سرزمین کهن» لاس‌آلتز است. حمل و نقل و ارتباطات مدرن، به خانواده‌های مهاجر ادامه می‌دهد به ارتباطاتشان ادامه بدهند و بدین ترتیب زبان و فرهنگ‌شان را حفظ می‌کنند. در یک مدرسه متوسطه در لانگ بیچ، خانواده‌های کامبادیان به اجرای دروس روزانه در خمیر برای بچه‌هایشان کمک کردند. مهاجرت اخیر، پاسخ‌گوی بیش‌تر تنوعی است که در مدارس آمریکا وجود آمده است. اما مدارس بدون مهاجرت هم تنوع می‌یابند. حدود ۱۷ درصد دانش‌آموزان مقاطع ۱۲ گانه (K-۱۲)، آفریقایی - آمریکایی هستند و حدود یک درصد آمریکایی بومی هستند. خانواده‌های بسیاری از آن‌هایی که اسپانیایی یا لاتین هستند، می‌توانند میراث اجدادشان را با زندگی در مناطق که جزو مناطق جنوب غربی ایالات متحده شدند، دنبال کنند. در بین بیش‌تر زیر گروه‌های جمعیت دبستانی اسپانیایی‌ها، بیش‌تر در صد دانش‌آموزانی که تولد بومی دارند، مربوط به اجداد مکزیکی‌ها هستند. زیر گروه‌های بزرگ دیگر شامل پورتو ریکانس و آمریکایی‌های کوبایی هستند که مهاجرتشان پیش از مهاجرت خانواده‌های آمریکایی مرکزی شروع شد. در مجموع، اسپانیایی‌ها تا سال ۲۰۰۵ بزرگ‌ترین گروه اقلیت در مدارس دولتی آمریکا خواهند بود. زمانی، هدف مدارس ایجاد سرزمین چند ملیتی بود. خط مشی که سابقه فرهنگی طرفدار یکسان‌سازی را به حداقل می‌رساند. امروزه، هنوز مدارس بر روی سواد زبان انگلیسی تأکید می‌کنند املا آن‌ها هم‌چنین بر یادگیری فرهنگ‌های گوناگون نیز تمرکز دارند. کتاب‌های درسی و سایر منابع کلاسی کوشش می‌کنند معرفی گسترده‌ای از فرهنگ‌های متفاوت ارائه دهند و تلاش‌هایی که برای استخدام معلمان گوناگون انجام می‌شود با هدف ایجاد تنوع بیش‌تر در کار تدریس صورت می‌گیرد. دولت فدرال و برخی از برنامه‌های ایالتی، بودجه‌هایی را برای آموزش و



پرورش دو زبانه در نظر می‌گیرند. این استراتژی یادگیری چند تا از دروس آموزشی به زبان بومی در کنار زبان انگلیسی، در اواخر قرن گذشته به منظور نگه داشتن دانش آموزان آلمانی زبان در مدارس دولتی در شهرهای ایالت‌های میانی ایالات متحده، به کار می‌رفت. ترس از خارجی‌ها پس از جنگ جهانی اول منجر به واکنش شدید علیه برنامه‌های آموزش دو زبانه شد. تصمیمی که یک دادگاه عالی ایالات متحده در سال ۱۹۷۰ (دهه ۷۰) گرفت، برای دانش آموزان اقلیت‌های زبانی، آموزش و پرورش ویژه و مناسب و در نتیجه حمایت از بازگشت برنامه‌های دو زبانه را تضمین کرد. اما به هر حال، نگرانی از موج گسترده مهاجرت به کالیفرنیا، در جلب موافقت رأی دهندگان در فراندمی که شدیداً کلاس‌های دو زبانه را در آن ایالت محدود می‌کند، تأثیر داشت. با این کار، اولویت به یک تغییر و تحول سریع به سمت زبان منحصر انگلیسی به‌عنوان پیروی از قانون دادگاه عالی، داده می‌شود. از سوی دیگر، وزیر آموزش و پرورش ایالات متحده ریچارد ریلی اخیراً پشتیبانی خود را از برنامه‌های متمرکز دو زبانه جهت کمک به دانش آموزانی که به زبان‌های اقلیت صحبت می‌کنند که به‌توانند شیوایی و روانی زبان خودشان را حفظ کنند، اعلام کرد. این برنامه‌ها در کنار آموزش انگلیسی دادن یک فرصت خوب به دانش آموزان انگلیسی زبان تا به‌توانند یک زبان دیگر را یاد بگیرند، اجرایی شوند. تأثیر تنوع قومی و نژادی در مدارس، در بین ایالت‌های مختلف، متفاوت است پنج ایالت کالیفرنیا، تگزاس، فلوریدا، نیویورک و ایلینویس، بزرگ‌ترین ثبت نام اقلیت‌های زبانی تجربه می‌کنند. تنوع ثبت نام‌ها هم‌چنین گرایش به متمرکز شدن در مدارس شهرهای مرکزی دارد (تقریباً همه نواحی شهری بزرگ اکنون دانش آموزان اقلیت را بیش‌تر از دانش آموزان سفید پوست دارند). اما حتی در مدارس روستایی در چنین ایالت‌هایی هکچون آلباما و کانزاس می‌توان تعداد زیادی بچه‌های اقلیت‌های زبانی یافت که خانواده‌هایشان جذب جوامع نه‌چندان صنعتی شده‌اند. نکته دیگر درباره تنوع



نژادی - قومی در مدارس ایالات متحده، که مهم‌تر هم هست، این است که چگونه این مراکز آموزشی پاسخ این تنوع را بدهند. در گذشته، معمولاً کارکنان مدارس انتظار داشتند پیشرفت دانش‌آموزان اقلیت کم‌تر از دانش‌آموزان سفید پوست باشد و در نتیجه دانش‌آموزان اقلیت قومی و نژادی زیادی را در برنامه‌های جبرانی و یا حرفه‌ای جای می‌دادند. ترک تحصیل این دانش‌آموزان پیش از گرفتن دیپلم دبیرستان نسبت به دانش‌آموزان سفید پوست خیلی بیشتر بود. اصلاحات آموزشی که بیش از ده سال پیش شروع شد، بر مبنای استانداردهای بالاتر برای همه دانش‌آموزان بود. این اصلاحات، مدرسی را که عملکرد ضعیفی دارند و عمدتاً بچه‌های خانواده‌های کم‌درآمد و یا اقلیت را ثبت نام می‌کنند، به یک چالش خاص کشاند. «از بین بردن فاصله» پیشرفت برای این مدارس یک اولویت شده است و این تا حدودی نشانه پیشرفت است. میزان فارغ‌التحصیلان دانش‌آموزان سفید پوست و آفریقایی - آمریکایی اکنون تقریباً برابر است، اگر چه دانش‌آموزان اسپانیایی هنوز خیلی عقب‌ترند. چند ایالت، مانند تگزاس، احتیاج به مدرسی دارند که میزان بهبود سطح پیشرفت در بین زیرگروه‌های دانش‌آموزان را نشان دهد. این به معنی است که نمرات کلی نمی‌توانند مسائل و مشکلات دانش‌آموزان اقلیت را پنهان کنند. هر جا مدارس امکانات ویژه‌ای برای دانش‌آموزان اقلیت با عملکرد ضعیف مهیا می‌کنند - مانند کلاس‌های کوچک‌تر، استراتژی خواندن بر مبنای تحقیق و انگیزه‌آمادگی برای دانشگاه - پیشرفت دانش‌آموزان اقلیت اغلب از میانگین ملی فراتر می‌رود.

- تحول استانداردهای آموزشی مدارس

استانداردها در ایالات متحده تقریباً در هر زمینه‌ای تبدیل به شعار اصلی سیاستمداران شده‌اند. با توجه به نظر سنجی‌هایی که نشان می‌دهند آموزش و پرورش در رأس و در مرکز نگرانی‌های اصلی سوال‌شوندگان



قرار دارد، سیاستمداران تقریباً در همه ایالت‌ها خواستار برافراشتن پرچم اصلاحات در مدارس هستند. با داشتن یک اقتصاد در حال رشد و فقدان ظاهری خطرات ملی، فرمانداران ایالات با بکار گرفتن اصلاحات بر پایه استانداردها برای نجات آموزش و پرورش، توجه‌شان را به مشخص نمودن نیازها جهت رفع آن‌ها در سیستم مدارس دولتی کشور معطوف نموده‌اند. مفهوماً واضح است. اصلاحات بر پایه استانداردها، مدارس و نیروی کاری آن‌ها را جهت یادگیری دانش آموز، مسئول و پاسخگویی بار می‌آورد. این خط مشی، منطقی، حساب شده و از لحاظ اقتصادی قابل قبول است و با آزمایش‌هایی که میزان موفقیت دانش آموز را در هدف‌های مشخص شده یا استانداردهای مورد نظر ارزیابی می‌کند، معین می‌کند که دانش آموز در آینده رهبر مقطع درسی چه چیزهایی را باید یاد بگیرد. این اهداف در ایالت‌های مختلف، متنوع هستند.

اما به هر حال خط مشی جدید خالی از انتقاد نخواهد بود. محافظه کاران خیلی علاقمند هستند که با متمرکز کردن خط مشی آموزش و پرورش در چارچوب استانداردهای ایالتی، این موضوع را به شکل محلی کنترل کنند. همچنین برخی از معلمان می‌ترسند که با این روش کل برنامه تدریسشان جنبه آزمایشی داشته باشد. علاوه بر آن بحث‌های مخالفان آزمایش‌های پرخطر که حدس می‌زنند در آینده دانش آموزان با نمرات تک دست و پنجه نرم کنند، بر خلاف پیشنهاد فراگیر اصلاحات است. با وجود این طرفداران استانداردها، روی این سیستم برای بازدهی مطلوب نتایج، حساب می‌کنند. بحران اعتماد به آموزش و پرورش عمومی، محرک ایجاد اصلاحات شد. سیاستمداران در جستجوی راهی مفید برای اطمینان از موثر بودن این اهداف هستند. حال که این استانداردها در سال پیش یک سری گزارشات جدی از جمله «خطر ملی ظ (سال ۱۹۸۳)» و «عصر نتایج» (سال ۱۹۸۶) نسبت به وضعیت آموزش و پرورش عمومی اظهار



تأسف کردند و هشدار دادند که عدم موفقیت دانش‌آموزان ایالات متحده به منظور زندگی کردن مطابق استعدادهایشان، می‌تواند منجر به یک بحران اقتصادی و حتی می‌تواند به یک مسئله جدی ملی تبدیل شود. در سال ۱۹۸۹ رئیس‌جمهور جرج بوش در واکنش به نتایج مطالعات، فرمانداران ایالات را منجمله بیل کلینتون از آرکانزاس به نخستین نشست آموزش و پرورش در در چارلاتسلیو ویرژینیا دعوت کرد، هدف این نشست یافتن راهی برای افزایش پیشرفت‌های آکادمیکی بود طوری که دانش‌آموزان ایالات متحده بتوانند در اقتصاد جهانی رقابت کنند. نتیجه این نشست، تعهد نامه‌ای به نام «اهداف ۲۰۰۰» با مشارکت فرمانداران بود که به منظور بهبود آموزش و پرورش ایالات متحده از طریق یک سری اهداف آموزشی که تا سال ۲۰۰۰ باید تحقق می‌یافتند، تنظیم شد. در سال ۱۹۹۴ پرزیدنت کلینتون از طریق کنگره آمریکا «اهداف ۲۰۰۰» را رهبری می‌کرد: طرح آموزشی آمریکا.

این قانون گذاری به ایالات دولت فدرال کمک کرد استانداردهای آموزشی خودشان را ابداع کرده و ارزیابی‌هایی به منظور اندازه‌گیری پیشرفت این اهداف بعمل آورند. استانداردهای زبان هم‌چنین راه را برای اجرای مجدد طرح آموزش و پرورش ابتدایی و راهنمایی مصوب کنگره در همان سال هموار نمود. در اینجا بود که برخی از ایالت‌ها شروع به وضع استانداردهای آموزشی نمودند که بوضوح مشخص می‌کند آن‌ها یادگیری چه چیزهایی را از دانش‌آموزان هر مقطع می‌خواهند. اما پیشرفت کار کند بود. در طول مدتی که فرمانداران و صاحبان مشاغل برای دومین بار در سال ۱۹۹۶ تشکیل جلسه میدادند، فقط ۱۴ ایالت با استانداردها سازگار شده بودند. دانش‌آموزان در امتحانات بین‌المللی همواره نمرات بدی می‌گرفتند. مدیران مشاغل دائم نگران افزایش نیاز به کارگران با مهارت بالا بودند و اساتید دانشگاه از کمبود اسف بار فارغ‌التحصیلان دبیرستانی شکایت می‌کردند. هم‌چنین والدین نسبت به موضوع کیفیت آموزشی مدارس



دولتی بی تفاوت نبودند و می‌خواستند بدانند دلارهایی که برای مالیات میدادند چگونه خرج می‌شدند. سیاستمداران توجه شان را بیش‌تر کردند. آن‌ها ضمن مطرح کردن موضوع در نشست‌های آموزشی، قول اصلاحات سیستماتیک را دادند در عین حال موافقت نمودند استانداردهایی را در قالب خط مشی ایالتی نوشته و مشغول آماده ساختن و تدارک امتحاناتی شوند که میزان پیشرفت استانداردها را اندازه می‌گرفت. جوایز و تشویق‌هایی هم برای پاسخگو نگاه داشتن دانش‌آموزان و مدارس در قبال این اهداف ایالتی در نظر گرفته شد. از زمان نشست سال ۱۹۹۶، همه ایالت‌ها بجز یکی از آن‌ها، با جنبه‌های کلی استانداردها سازگار شده‌اند. بیش از ۴۰٪ امتحان برای سنجش میزان دستیابی دانش‌آموزان به اهدافی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده است، برگزار شده است. فقط ایالت لویسiana - ضمن گردن نهادن به کنترل‌های محلی - از قانون استانداردهای ایالتی رد شده است. عموماً فرآیند اجرای استانداردها به شکل مردمی بوده است. قانون‌گذاران، کمیته مخصوصی شامل معلمان، اساتید دانشگاه‌ها، رهبران جوامع، صاحبان مشاغل و سیاستمداران برای اجرای استانداردها در درس‌های زبان انگلیسی، ریاضی، علوم و تاریخ برگزیدند.

به عنوان مثال در ایالت دلور یک گروه استانداردهای آموزشی طرح نمودند و یک امتحان برای اندازه‌گیری چگونه گیری یادگیری و عملکرد دانش‌آموزان در مقاطع سوم، پنجم، هشتم و دهم مطرح کردند. قانون‌گذاران ایالت دلور در تازه‌ترین نشست شان در خصوص پاسخگو بودن مسئولان، یک سری قوانین برای کمک به استانداردهایی که در سال ۱۹۹۵ اجرا کردند، تصویب نمودند. این امتحانات به آموزگاران اجازه می‌دهد که عمل کرد دانش‌آموز را در سطح مدرسه، ایالت و کشور مقایسه کنند. «برای موفق شدن در قرن ۲۱ در دنیایی که به‌طور فزاینده رقابت‌ها زیاد می‌شوند»، قانون‌گذاری ایالت‌ها از لحاظ کلامی شبیه قانون‌گذاری سایر رده‌ها و اختیارات است: «بچه‌های ایالت دلور باید با استانداردهای بالایی



دست و پنجه نرم کنند. اجرای استانداردهای سختگیرانه در موضوعات آموزشی اصلی و قائل شدن پیامدهایی برای رد شدن در این استانداردها، برای مدارس، دانش‌آموزان، معلمان و مدیران و والدین انگیزه قوی می‌شود تا در تلاش و تکاپو برای برتری آموزش باشند. برای دانش‌آموزانی که در این امتحانات رد می‌شوند، بیش‌تر ایالت‌ها آثار و پیامدهایی در نظر گرفته‌اند که این پیامدها هم به دانش‌آموز و هم به مدرسه بر می‌گردد. این معیارهای سنجش مسئولیت عبارتند از: خاتمه دادن به ترفیع اجتماعی (طرح فرستادن یک دانش‌آموز به مقطع بعدی حتی اگر وی به استانداردهای مقطع خودش تسلط پیدا نکرده باشد)؛ جلوگیری از فارغ‌التحصیل شدن دانش‌آموزان مدارس راهنمایی تا زمانی که آن‌ها امتحانات خروجی ایالتی را نگذرانده باشند؛ رتبه بندی مدارس (گاهی اوقات از طریق نمرات کتبی) بر اساس عمل‌کرد دانش‌آموز در امتحان. برخی ایالت‌ها در صدد هستند به منظور پیشرفت دانش‌آموز، معلمان را هم ارزشیابی کنند. در حقیقت حدود ۴۰ ایالت «کارت‌های گزارش» را (ارزشیابی‌هایی که توسط ادارات آموزش و پرورش ایالات صورت می‌گیرد)

در مدارس به منظور سنجش پیشرفت مؤسسات آموزشی در برقراری استانداردهای آموزشی ایالات، پخش می‌کنند طبیعتاً به علت علاقه شدیدی که در همه جا به پیشرفت آموزشی وجود دارد، این کارت‌های گزارش با استقبال عمومی خوبی مواجه شدند. نمره دادن به مدارس، بدون بحث و جدل نبوده است. تقریباً بدون استثنا، مدارس که مرتباً نمره ردی دریافت می‌کنند، در مناطق کم‌درآمدی از ایالت هستند که اغلب فی‌نفسه فاقد منابع و الزامات محیطی برای سازگار شدن هستند. علاوه بر این، اختصاص دادن اعتبارات و منابع، اغلب بستگی به رتبه مدرسه دارد. در طی دهه گذشته، ۲۳ ایالت قوانینی را تصویب کردند که به آن‌ها این قدرت را می‌داد تا تصدی مدارس را که رد شده‌اند به‌عهده بگیرند. یازده ایالت دقیقاً



همین کار را کردند. چند تا از مناطق در نواحی بزرگ شهری مانند شیکاگو، از این روش پیروی کرده‌اند.

شهردار شیکاگو حتی اختیار تعطیل نمودن مدارس ردّ شده را دارد. در سال ۱۹۹۹ فرماندار «تام ریچ» از ایالت پنسیلوانیا از قانون ایالتی «طرح بهبود آموزشی» که هشت تا از مدارسی را که بدترین عملکرد را در این ایالت داشتند، از حکم اجاره و ادغام خلاص می‌کرد، حمایت کرد. اگر مدارس در سایه احکامی که مجازات کمی برای آن‌ها در نظر گرفته، همچنان در این تست‌ها ردّ شوند، آن‌ها تحت نظارت مستقیم کمیته نظارتی مربوط به ایالت در خواهند آمد. وقتی که تصدی مدرسه‌ای به‌عهده گرفته می‌شود (البته در اثر بی‌کفایتی مسئولین قبلی اش) و یا تغییر ساختار می‌یابد، گروهی از کارشناسان به این مدرسه رفته و هر کاری را برای بازگرداندن این مدرسه به حالت نرمال انجام می‌دهند. زمانی که استانداردها به اجرا در می‌آیند و دانش آموز اطلاع دارد که چه چیزی از او خواسته می‌شود، بحث امتحان و پاسخ‌گو بودن پیش می‌آید. این یک چالش واقعی برای بسیاری از قانون‌گذاران است. آن‌ها اغلب حفظ و نگهداری از خط‌مشی‌هایی که جاری کرده‌اند را کاری دشوار می‌یابند، زیرا ممنوعیت ترفیع اجتماعی یا ردّ نمودن سال‌آخری‌ها و جلوگیری از فارغ‌التحصیل شدن آن‌ها می‌تواند بذره‌های خشم عمومی را بکارد. به عنوان نمونه در ایالت ویرجینیا که آزمایش ایالتی استانداردهای جدید آموزشی در طول دو سال اول، آمار قبولی ناچیزی داشت، مخالفان این آزمایش به قانون‌گذاران تأکید می‌کردند که شش بند از قانون‌گذاری را که استانداردها را عوض می‌کرد، مورد ملاحظه و بررسی قرار دهند. و در «ویسکونسین» مسئولین مجبور شدند امتحانات فارغ‌التحصیلان را که برگزار شده بودند، لغو کنند. بحث ارزیابی، بر اساس جنبش اصلاح استانداردها به ذهن می‌رسد. برای سیاست‌گذاران، امتحانات ابزار جذابی هستند زیرا نسبتاً ارزان هستند، به سرعت می‌توانند اجرا شوند، نتایجشان را به سرعت نشان می‌دهند که با استفاده از نتایج می‌توان آن‌ها را



آسان‌تر یا سخت‌تر کرد، و به مسئولان اجازه می‌دهند فوراً وارد عمل شوند. آن‌ها بدون دخالت در آموزش کلاسی که به‌طور طبیعی تحت کنترل محلی در می‌آید، به کار گرفته می‌شوند. با این حال، شماری از فرمانداران، آموزگاران و کارمندان، در سومین جلسه آموزشی که در سال ۱۹۹۹ برگزار گردید، نگرانی‌شان را از اجرای اصلاحات و ادامه آن بخاطر افزایش مخالفت‌هایی که با آن می‌شود، ابراز کردند. برخی از والدین، دانش‌آموزان و معلمان از ابتدا با این استانداردها مخالف بوده‌اند چرا که آن‌ها را خیلی سخت و مداوم دیده‌اند. دیگر مخالفان، با استانداردها مخالفتی ندارند اما با امتحانات پر مخاطره مخالفند. از آنجا که بیشتر ایالات عملکرد مدرسه و معلم را با نمره‌های امتحانی دانش‌آموزان مرتبط می‌دانند و به تناسب نمره، جوایز و تشویقی‌هایی نیز پیشنهاد می‌کنند، بسیاری از والدین و آموزگاران بیم آن دارند که آموزش کلاسی بر پایه یادگیری‌های طوطی‌وار باشد. یکی از انبوه نگرانی‌های آن‌ها این است که امتحانات خروجی در ۲۴ ایالات برگزار می‌شود و دانش‌آموزان باید پیش از فارغ‌التحصیل شدن، این امتحانات را پشت سر بگذارند. در بهار سال گذشته در ماساچوست دانش‌آموزان در خواست نامه‌ای را مبنی بر لغو و ابطال قانونی که اخذ دیپلم دبیرستانی آن‌ها را منوط به قبولی در امتحان جامع ارزیابی ماساچوست می‌کرد، با ۷۰۰۰ امضا ارائه دادند. روی هم رفته بیش‌تر والدین با امتحانات پر مخاطره‌ای که حد اقل در ۱۲ ایالت بوجود آمده‌اند، مخالفند. در برخی موارد، حرکت صورت گرفته به سوی پاسخ‌گو بودن و قبول مسئولیت، توانایی سیاست‌مداران آموزگاران را برای آماده نمودن مدارس و معلمان جهت کمک به دانش‌آموزان افزایش داده است. در ایالت‌هایی که اصلاحات آموزشی و امتحانات فارغ‌التحصیلی به کُندی انجام شده است (تگزاس، کنتاکی و مریلند)، مقاومت والدین، دانش‌آموزان و معلمان حداقل بوده است. هر دو ایالت تگزاس و نورس کولینا از سوی خط مشی دهندگان، بخاطر استانداردهایشان و نیز بخاطر ارزیابی‌هایی که



جامع‌تر بوده و زمان طولانی‌تری نسبت به سایر ایالات اجرا شده‌اند، ستوده شده‌اند. آن‌ها مدارس را رتبه بندی می‌کنند؟ کارت‌های گزارش در سطح مدارس پخش می‌کنند، امتحانات فارغ‌التحصیلان دارند و به مدرسی که اختلافاتی دارند، کمک می‌کنند و جوایزی را برای کسانی که شاخص‌ها را خوب انجام دهند، اهدا می‌کنند. طبق اظهارات دیوی گریسمر (محقق مؤسسه رند که اصطلاحات صورت گرفته در دو ایالت را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است)، قسمت اعظم هر دو الگو، خیلی مشابه هستند. هر دو ایالت، استانداردهای کتاب درسی و برنامه آموزشی که در مدارس تدریس می‌شوند را تنظیم کرده‌اند، امتحانات دقیقاً با استانداردها همخوانی دارند. مدارس محلی، انعطاف‌پذیری از جهت بودجه و از جهت خط مشی یافته‌اند، و هر دو ایالت از میانگین نمرات به منظور بهبود مدام خط مشی‌ها. آگاه هستند. در نتیجه، تگزاس و نورس کارولینیا، پیشرفت آماری خوبی در عملکرد دانش‌آموزان در امتحانات ایالتی، مانند طرح ارزیابی ملی پیشرفت آموزش و پرورش که خود مردم خواهان آن بودند، داشته‌اند. در تگزاس حتی دانش‌آموزان اقلیت‌ها نیز (که امتحانات ایالتی سخت‌تر ممکن است برای آن‌ها سنگین‌تر باشد)، نمراتشان را بهبود بخشیده‌اند. از این رو روش مبتنی بر استانداردها نشان‌دهنده تغییر تعهد سنتی ایالات متحده به کنترل محلی و منطقه‌ای آموزش و پرورش عمومی می‌باشد. بیش از یک قرن، جوانان کشور و خانواده‌ها ایشان از فواید آموزش رایگان به کمک دولت‌های محلی، لذت و بهره برده‌اند. تغییر در مسئولیت‌ها که از مدارس محلی و انجمن‌های منتخب آن‌ها تا قانون‌گذاران و مدیران اجرایی ایالت را شامل می‌شود، یک دگرگونی بنیادی در آموزش و پرورش ایالات متحده است. برای اطمینان یافتن، انجمن مدارس محلی و رؤسای مناطق آموزش هنوز ممکن است خط‌مشی‌هایی وضع کنند اما تأکید بر نتایج، کارکنان ایالتی را به عمل‌وا داشته است. سوالی که پیش می‌آید این است که آیا اصلاحات آموزشی عمومی از فرآیند سیاسی تأثیر می‌گیرد، چرا که



غالباً دگرگونی اجرایی بخش قانون گذاری ایالات به دنبال انتخابات می‌آیند. اما علاوه بر طرح ریزی‌های مدیران آموزشی ایالات، بسیاری از فرمانداران هم‌چنین اعضای انجمن مدارس را برای به جریان انداختن شرایط به کار گرفته‌اند. این به این معناست که حتی زمان ریاست یک فرماندار به اتمام می‌رسد، اشخاصی را که در رأس انجمن مدارس گماشته است، برای کمک به عملی کردن اصلاحات وی، سر کار باقی می‌مانند. تغییر قدرت اجرایی در سطح مدارس در یکی دودهه گذشته به طور کامل توسط مدیران اجرایی همچون لامر الکساندر از ایالت تنسی، ریچارد ریلی (اکنون وزیر آموزش و پرورش ایالات متحده است) از ایالت کارولینای جنوبی، روی رومر از کلرادو، توماس کین از نیوجرسی و بیل کلینتون از آرکانزاس که همگی اصلاحات بر پایه استانداردها را به پیش می‌راندند، صورت گرفته است. جیمز هانت از ایالت نورس کارولینا آخرین نفر از این اشخاص است و با پایان یافتن مدت ریاستش در پایان سال جاری، پستش را ترک خواهد کرد. آیا نسل جدیدی از رهبران برای به پیش بردن اهداف ۲۰۰۰ خواهد آمد؟ اگر این امر به وقوع بپیوندد، به احتمال زیاد موج بعدی اصلاحات بر پایه استانداردها، مستقیماً با کلاس‌ها سر و کار خواهد داشت. جلسه آموزشی سال ۱۹۹۹ در زمان کمبود قریب الوقوع معلمان، بر روی کیفیت تدریس متمرکز شد. رهبران سیاسی و صاحبان مشاغل و مسئولین آموزشی اکنون در جستجوی راه‌هایی جهت آماده نمودن هر چه بهتر معلمان و هم‌سو کردن آموزش حرفه‌ای با استانداردها هستند. آن‌ها در حال همکاری با مدارس آموزشی که درجات با تراز لیسانس می‌دهد، هستند تا به‌توانند منابعی را که معلمان آینده را قادر به در اختیار داشتن شرایط اجرای استانداردها می‌سازد، فراهم کنند. به همان نسبت که کمبود معلم مشهود است، به همان نسبت جمعیت دانش‌آموزی گسترش می‌یابد و ایالت‌ها برای به خدمت گرفتن بهترین و پر نشاط‌ترین معلمان بویژه در ریاضی، علوم و کامپیوتر، در حال رقابت هستند. مخصوصاً مدارس



شهری و روستایی این کمبود را احساس می‌کنند. قانون‌گذاران ایالت‌ها با اعطای بورس، وام، مسکن و پاداش‌هایی به کاندیدها، در حال رقابت هستند. اخیراً فرماندار گری دیویس از کالیفرنیا، در یک موضع تحول‌گرایانه، پیشنهاد کرد که معلمان از دادن مالیات بر درآمدهای ایالتی معاف شوند. هنوز هم با این که آن‌ها سعی در استخدام معلمان جدید دارند، مسئولین ایالتی به دنبال افزایش کیفیت تدریس از طریق گرفتن آزمون‌های صلاحیت از کاندیدهای تدریس و در خواست آموزش حرفه‌ای معلمان مجرب، هستند. در نهایت کیفیت تدریس برای توفیق اصلاحات بر پایه استانداردها حیاتی است. به همان شکل که مسئولین در واشنگتن نگران هستند، امید سیاست‌مداران ایالتی محلی و جوامع کاری و دولتی این است که اصلاحات بر پایه استانداردها، یک نیروی کاری باسواد و ماهر و یک پیش‌کسوت جدید امریکایی که به‌تواند با قدرت چالش‌های قرن جدید را در آغوش بگیرد، به وجود آورد.

معضلات آموزشی

در برخی مناطق کم‌درآمدی که از آنها دیدار کردیم معلم‌ها از وجود تفاوت چشمگیر بین دانش‌آموزان یک کلاس چیزی گزارش نکردند اما در خصوص مشکلاتی که با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان مرتبط بود گزارشاتی ارائه کردند که با مشکلاتی که به طور نوعی در مدارس وجود دارد متفاوت بود. بسیاری از این معلمان بیشتر وقت خود را در کلاس صرف نظم‌دهی به دانش‌آموزان و حمایت عاطفی از آنها می‌کردند. آنها عموماً ضعف عملکرد و توانایی سطح پایین دانش‌آموزان را با نداشتن نظم و مورد سوء استفاده واقع شدن آنها در خانه مرتبط می‌دانستند. غیبت از مدرسه نیز یکی از مشکلات عمده بود. اگر چه مدرسی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفتند صد در صد نمونه واقعی مدارس آمریکا نیستند با



این وجود توصیفاتی که در اینجا ارائه می‌شود برخی مشکلاتی که معلمان در مدارس شهری با آن مواجه هستند را آشکار می‌کند و اینکه چگونه این مشکلات جایگزین مشکلات تفاوت افراد در میزان توانایی شان می‌شود. فقر به عنوان علت اصلی مشکلات ویژه در مدارس مناطق فقیر شهری در نظر گرفته شد. در مناطقی که این پژوهش در آنجا انجام شد عامل اصلی مشکلات فقر بود. در دبیرستان غرب (west) یک معلم تخمین زد که حدود ۴۰٪ از دانش‌آموزان به خانواده‌هایی تعلق دارند که از دولت اعانه می‌گیرند و بخش عمده‌ای از ۶۰٪ باقیمانده به کمک نیازمندان اگر چه به خاطر نداشتن مدارک شهروندی نمی‌توانند این کمکها را دریافت دارند یکی از مشکلاتی که در مدارس مناطق فقیر شهری وجود داشت و مربیان آن را ذکر کردند حضور کم دانش‌آموزان در مدارس بود. مدیر مدرسه سوته سنترال (south central) این شغل را جدی‌ترین مشکلی می‌داند که مدرسه با آن مواجه است. معلم ریاضی دبیرستان شغلی سوته سنترال اظهار کرد که غیبت زیاد دانش‌آموزان تدریس او را بسیار کند می‌کند او گفت:

در طول ۸ ماه من فقط سه فصل توانستم درس بدهم. بچه‌ها واقعا در یادگیری کند هستند. با برخی از دانش‌آموزان من باید یک ماه وقت صرف کنم تا مسئله‌ای را که فکر می‌کردم در یک هفته یاد می‌گیرند یاد بگیرند. من باید همیشه درسها را تکرار کنم زیرا همیشه یک عده در کلاس غایب هستند. نبود نظم در خانه دانش‌آموزان یکی از مسائل عمده مورد توجه معلمان مناطق فقیر شهری بود. این مسئله بارها و بارها در تحقیق ما عنوان شد. معلم کلاس چهارم ابتدایی مدرسه پارک گفت که او دانش‌آموزانی داشته است که پدر و مادر مهاجر آنها هرگز به مدرسه نرفته بودند و اظهار شگفتی کرد که آیا این والدین هرگز قادرند چگونه بچه‌های خود را برای مدرسه آماده کنند یا آنکه به آنها بگویند که چگونه رفتار کنند و چه انتظاراتی داشته باشند. یکی از معلمان علونم مدرسه مترو پلینن عدم انجام خانوادگی را عامل مشکلات



مربوط به انضباط در مدارس مناطق فقیر شهری می‌داند. این معلم گفت که بسیاری از والدین دانش‌آموزان مناطق فقیر آگاه نیستند که چگونه به فرزندانشان بیاموزند در کلاس به چه صورت بنشینند و به تعالیم معلم گوش دهند. از این رو او احساس می‌کند که باید بیشتر وقت خود را برای آموزش انضباط به بچه‌ها صرف کند تا آنکه به آنها درس بدهند.

اگر چه نبود انضباط به عنوان یکی از مشکلات عمده در مدارس مناطق فقیر نشین طرح شد اما بسیاری از مربیان اشاره کردند که سوء استفاده جنسی و بدنی به طور بسیار جدی و به صورت آسیبی غیر قابل جبران بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در این مدارس تأثیر منفی داشت. بنا به نظر مدیر دبیرستان سوته سنترال (south central) بسیاری از مشکلات رفتاری و یادگیری برخی از دانش‌آموزان مدرسه نتیجه مستقیم سوء استفاده بدنی و جنسی از کودکان توسط بزرگسالان در خانه و در برخی موارد حتی در مدرسه بود.

مربیان و مدیران مدارس که در مناطق فقیر واقع شده بودند همچنین به فشارهایی اشاره کردند که به خاطر تحرک مکانی بسیار بالای دانش‌آموزان به کیفیت آموزش وارد می‌شد. تحرک مکانی بسیار بالا ویژگی اجتماعات فقیر است. برای مدارس مناطق فقیر کاملاً طبیعی بود که در یک سال بیش از نیمی از دانش‌آموزان آنها تغییر کنند. مشکل بیشتر آنجایی بود که بسیاری از این دانش‌آموزان بعد از شروع سال تحصیلی مدارس خود را تغییر می‌دادند در نتیجه ارزیابی این دانش‌آموزان برای جای دادن آنها در سطوح تحصیلی خود مشکل دیگری بود که به لحاظ مالی به این مدارس که در مضیقه بودند فشار می‌آورد. علاوه بر این برنامه درسی مدارس با هم فرق داشت و دانش‌آموزانی که مستمراً نقل مکان می‌کردند در اجازه گرفتن برای ورود به کلاسهای درسی بالاتر با مشکل مواجه بودند.



در مدرسه راهنمایی وست (west) در وست سیتی (west city) یک معلم ریاضی اشاره کرد که تنها ۲۰ درصد از دانش‌آموزان سال گذشته او تا پایان سال در کلاس بودند و ۸۰ درصد دیگر در اثر نقل مکان به مدارس دیگر رفته بودند. بسیاری از دانش‌آموزان او به دلایل اقتصادی بین مکزیک و ایالات متحده در رفت و برگشت بودند. او گفت:

من شاگردانی داشتم که تازه به آمریکا آمده بودند. یکی از دانش‌آموزان دختر من تازه چند ماه بود که از مکزیک آمده بود. او در زبان اسپانیایی کاملاً پیشرفته بود و اطلاعات بسیار زیادی در باره این زبان داشت. دایره لغت و تسلط او به دستور زبان اسپانیایی نیز بسیار زیاد بود اما از انگلیسی چیزی نمی‌دانست. من همچنین دانش‌آموزی داشتم که از یکی از شهرهای مکزیک آمده بود. او تاکنون مدرسه نرفته بود. در مدرسه من از همه سطوح دانش آموز داشتم.

به طور خلاصه میتوان گفت که در مدارس مناطق فقیر نشین معلمان دشواریهای زیادی را در خصوص نحوه رفتار با تفاوت‌های توانایی‌های دانش‌آموزان در کلاسها گزارش کردند. این معلمان خاطرنشان کردند که تراکم مشکلات اجتماعی در مناطق فقیر نشین بر اختلاف سطوح توانایی تاثیر داشت و مانع از آن می‌شد که آنها برنامه درسی را به گونه‌ای تعلیم دهند که نیازهای کلیه دانش‌آموزان را برآورده سازد و برای همه آنها مفید باشد. بسیاری از والدین و مربیانی که با آنها مصاحبه کردیم اظهار کردند که فاصله نژادی در زمینه دستیابی به آموزش در اجتماعات آنها وسیع است و این مسئله خاستگاه برخورد و نگرانی می‌باشد. در واقع فاصله گروههای نژادی در میزان موفقیت تحصیلی در مباحث ما یکی از موضوعات رایج بود و علیرغم حساسیت این موضوع بسیاری از افراد بی‌پرده در خصوص آن صحبت می‌کردند. در تعدادی از



مدارس مدیران اشاره کردند که گروه‌های نژادی در میزان موفقیت تحصیلی در دروس ریاضی و علوم تجربی با هم فاصله دارند .

در کلیه مدارس چند نژادی که ما از آن دیدن کردیم میزان حضور اقلیتهای نژادی در دوره‌های پیشرفته علوم تجربی و ریاضی کم بود . در مدرسه راهنمایی کینگ که اکثریت دانش‌آموزان آن سیاهپوست بودند یکی از پژوهشگران تنها دو دانش‌آموز سیاهپوست را شمرد که در سطوح پیشرفت کلاسهای ریاضی شرکت داشتند . در سایر مناطق مورد پژوهش نیز چنین نسبت‌هایی گزارش شده است . برخی از پاسخگویان وجود تفاوت‌های نژادی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را یکی از منابع تنش در دروس می‌دانستند که دانش‌آموزان آن از گروه‌های نژادی نامتجانس بودند . یکی از دلایل درگیری مدیران مدارس با والدینی که از گروه‌های اقلیت بودند درجه بندی دانش‌آموزان بود . برخی والدین احساس می‌کردند که در خصوص کودک آنها تبعیض صورت گرفته است . یک معلم ریاضی در دبیرستان همیلتون این نکته را تشریح کرد. که مطمئناً در خصوص شکافی که بین دانش‌آموزانی که توان یادگیری بالایی دارند و دانش‌آموزانی که توان یادگیری پائینی دارند تنش وجود دارد . این مسئله با مسائل نژادی مخلوط می‌شود و همه این را می‌دانند . در کلاس حساب من فقط یک دانش‌آموز از بیست دانش‌آموز متعلق به نژادهای اقلیت بود . کلاسهای سطح پائین من عمدتاً از دانش‌آموزان سیاهپوست تشکیل می‌شد . همه این را می‌دانستند . و این مسئله برای همه ما منبع ناراحتی بود . ما سعی می‌کنیم که این مسئله را بهبود ببخشیم اما این کار بسیار دشوار است .

بنا به گفته یکی از مدیران یکی از راه‌حلهای پیشنهادی برای کاهش نابرابری نژادی در موفقیت تحصیلی آن بود که تعداد دوره‌های پیشرفته در ریاضیات و علوم تجربی را کم کنند . در مدرسه راهنمایی



کینگ این عمل انجام شده بود و دوره های پیشرفته در همه دروس به جز ریاضیات کاهش یافته بود . مدیریت مدرسه کینگ که توسط یک مربی سیاهپوست جهت دهی می شد با درجه بندی دانش آموزان مخالف بود و سعی می کرد تعداد دانش آموزانی که در دوره های پیشرفته شرکت می کردند را کاهش دهد.

ارزیابی آموزشی

اقدامات و خط و مشی های نمره دهی و ارزیابی نمایانگر نگرشها و باورها در خصوص تفاوت توانایی های دانش آموزان بود . در مدرسه ابتدایی پارک مدیر مدرسه و هیئت مدیره خط و مشی آسان گیرانه را در این خصوص اتخاذ کردند . در طول مصاحبه ها و مشاهدات ما اختلاف نظر بین معلمین و مدیران مدرسه در خصوص شیوه نمره دهی و ارزیابی کاملاً آشکار بود. یکی از معلمین از اعمال نظر مدیران در خصوص آسان گیری در نمره دهی معترض بود . او به شدت از این امر ناراحت بود و در عین حال نمی خواست نمراتی بدهد که دانش آموزان را مستحق آن نمی دانست . ترس این معلم در خصوص از دست دادن شغلش کاملاً بی اساس نبود . مدیر مدرسه آشکارا از شیوه نمره دهی این معلم ناراحت بود . برخی والدین و معلمین از سیاست آسان گیری در نمره دهی که توسط برخی مدارس از جمله مدرسه کینگ و مدرسه پارک اتخاذ شده بود عصبانی بودند به طور مثال مادر یکی از دانش آموزان مدرسه کینگ گفت : مدرسه ما سعی می کند کاری کند که همه احساس موفقیت داشته باشند و به گونه ای عمل می کند که هر کس می تواند یک ستاره شود . اما دانش آموزان احساس خوشی نسبت به این موضوع ندارند . آنها می دانند که کاری انجام نمی دهند



نمونه ذیل عمق احساسات یک فرد را در خصوص اقدامات مربوط به نمره دهی تبیین می‌کند معلمان مدرسه ابتدایی پارک اظهار کردند که از شیوه نمره دهی ناراضی‌اند به خصوص هنگامی که دانش‌آموزان بسیار ضعیف عمل می‌کنند. یک معلم در خصوص سیاستهای مدرسه در این باره چنین می‌گوید: من دانش‌آموزان را به مبنای تکالیفی که در خانه انجام می‌دادند ارزیابی کردم و به این خاطر دچار مشکل شدم. مدیریت مدرسه به این باور بود که دانش‌آموزان را نمی‌توانند به این شیوه کنترل کنند و چون خانه‌های آنها آرام نیست نمی‌توانند تمرین را در خانه انجام دهند. اکنون من دیگر تمرین خانه را در نمره دهی لحاظ نمی‌کنم. یکبار در مدرسه معلمی بود که به دانش‌آموزان همان نمره ای که شایسته‌اش بودند را می‌داد. یک بار مدیر مدرسه کارنامه‌های دانش‌آموزان او را دید و متوجه شد که سطح نمرات بسیار پایین است. مدیر از او خواست که نمرات را تغییر دهد. مدیر معتقد بود که حتی اگر واقعاً نمرات دانش‌آموزان پایین بود معلم باید به آنها نمرات بالاتری می‌داد زیرا مدرسه در پی آن است که به دانش‌آموزان اعتماد به نفس دهد. ما نمی‌خواهیم که با مردود کردن دانش‌آموزان اعتماد به نفس آنها را از آنها بگیریم. این معلم می‌گوید که من با حفظ اعتماد به نفس دانش‌آموزان مشکلی ندارم اما این شیوه نمره دهی باعث می‌شود که آنها چیزی از مسئولیت‌پذیری یاد نگیرند. تنها مدرسه ابتدایی پارک نبود که سیاست آسان‌گیرانه‌ای در خصوص نمره دهی داشت. در دبیرستان کینک در مترو سیتی (metri city) نیز هیئت مدیره مدرسه طرفدار سیاست آسان‌گیرانه در این خصوص بود. در این مدرسه به منظور آنکه از تأکید زیاد به روی نمرات کم شود مدرسه ارسال لیست نمرات دانش‌آموزان به منازلشان را ممنوع کرد. در مدرسه کینک چنین لیستی وجود نداشت زیرا آنها می‌ترسیدند که احساس بدی به دانش‌آموزان دست دهد. سیاست مدرسه در خصوص نمره دهی در سطح کلاس و در شیوه نمره دهی تک تک معلمین خود را نشان



میداد. در مشاهده ای که در یک کلاس هشتم در درس ریاضیات به عمل آمد معلم به کلیه دانش آموزان کلاس گفت که :

من خوشحالم که ۱۷ نفر از ۲۵ نفر شما نمره $A+$ گرفته اید. آفرین، من فکر می کنم که تعداد بیشتری از شماها میتواند این نمره را بگیرد. این معلم با شیوه امتحان گرفتن جزوه باز توانسته بود به دانش آموزانش کمک کند که چنین نمراتی بگیرند. همین طور آنها مادام که پاسخ خود را کامل نکرده بودند می توانستند دوباره بر گه های امتحانی خود را اصلاح کنند این کار ادامه داشت تا آنکه آنها بتوانند نمره عالی کسب کنند. در مجموع نمره دهی و ارزیابی مسئله عمده معلمین و والدین بود که با آنها دیدار داشتیم. برخی طرفدار آسان گیری در این خصوص بودند و یا آنکه طرفدار آن بودند که در امتیاز دهی به دانش آموزان کمتر به نمرات آنها توجه شود. در حالی که سایرین استدلال می کردند که در نمره دهی استانداردهای سفت و سخت تری رعایت شود.

بودجه آموزشی

طبق آمار سال ۹۶-۱۹۹۵ میزان بودجه آموزشی بر ۵۳۰ میلیون دلار (۷/۳ درصد تولید ناخالص داخلی) بالغ می گردد. بودجه مصوب دوره ابتدایی + دوره مقدماتی متوسطه + دوره تکمیلی متوسطه دوم = مجموع دوره ها ۶۰ درصد کل بودجه تخصیصی

طبق آمار سال ۱۹۹۸، نرخ بودجه تحقیقاتی کشور بر ۵۱۰/۷ میلیون دلار بالغ میگردد.



هزینه های آموزشی

هزینه های جاری آموزشی

سال	به عنوان درصدی از کل هزینه های دولتی	به عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی
۱۹۹۰	۱۲/۳	۵/۲
۱۹۹۲	۱۴/۱	۵/۴
۱۹۹۳	۱۴/۰	۵/۳
۱۹۹۴	۱۴/۴	۵/۴

هزینه های جاری آموزشی بر مبنای سطوح مختلف آموزشی

سال	پیش دبستانی	سطح اول	سطح دوم	سطح سوم	سایر سطوح
۱۹۹۰	-	۳۸/۹	۳۷/۰	۲۴/۱	-
۱۹۹۲	۳/۷	۳۴/۷	۳۶/۵	۲۵/۲	-
۱۹۹۳	۷/۲	۳۳/۰	۳۶/۶	۲۳/۳	راکد
۱۹۹۴	۷/۰	۳۱/۷	۳۶/۱	۲۵/۲	راکد

هزینه های آموزشی

هزینه های عمومی بر مبنای سطوح مختلف آموزشی طی سال ۱۹۹۴

- پیش دبستانی : ۷ درصد
- اولین سطح : ۳۱/۷ درصد
- دومین سطح : ۳۶/۱ درصد
- سومین سطح : ۲۵/۲ درصد



نرخ ثبت نام ناخالص بر مبنای سطوح مختلف آموزشی طی سال ۱۹۹۵

- پیش دبستانی : ۷۰ درصد
- اولین سطح : ۱۰۲ درصد
- دومین سطح : ۹۷ درصد
- سومین سطح : ۸۱ درصد